


ذی‌قعده
شیخ بهائی در سال ۱۰۰۸ در قید حیات بوده فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه ۱/ ۶۲، ۶۳

آقای انصاری




بسم الله الرحمن الرحيم

١ - محمد بن ابراهيم بن جعفر ابو عبد الله اليزدي الجرجاني مسند اصبهان وهو صدوق مقبول توفي
الوافي بالوفيات ١/ ٣٤٢

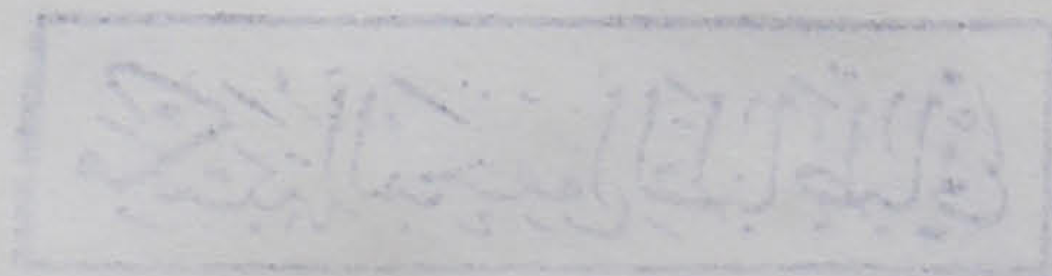
٢ - نادر بن عبد الله ابو الحسن اليزدي التاجر عتيق احمد بن الحسين من شيوخ الحافظ ابن عساكر
ترجم له في معجم شيوخه وروى عنه بقراءته عليه باصبهان عن ابي مطيع محمد بن عبد الواحد المصري
وهو من شيوخ السمعاني أيضا ذكره في التحبير ٢/ ٣٥٠ رقم ١٠٦٤ وكناه ابا محمد

٣ - زيد بن عثمان بن محمد بن عثمان ابو نصر اليزدي من شيوخ السمعاني له ترجمة في التحبير ١/ ٢٨٩ رقم ٢٢٠

٤ - معين الدين اليزدي له: مواهب الهي نسخة منه في نور عثمانيه رقم ٣١٦٧







توفي الحاج ميرزا احسن اليزدي يوم الخميس
١٢ ربيع الثاني ١٣٧٩

النجوم السرد

بذكر علماء يزد

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

شرح حال مؤلف نقل از گنجینه دانشمندان صفحه ۴۵۴ .

حجة الاسلام آقا سید جواد مدرسی فرزند حجة الاسلام والمسلمین آقا سید
احمد مدرسی مذکور از ائمه جماعت معاصر یزد میباشند وی در سال ۱۳۴۴
قمری در یزد متولد شده و تحصیلات ابتدائی و فارسی را تا حدود کلاس ۹ خوانده
و پس از آن بتحصیل علوم دینی پرداخته و بیشتر از مرحوم والدش استفاده
نموده و چندی ما قبل از ورود آیة الله العظمی بروجردی در سال ۱۳۴۶ درسن
بیست سالگی بقم مهاجرت و از محضر اساتید بزرگ بالخصوص مرحوم
آیة الله حاج آقا روح الله کمالوند و آیة الله العظمی مرعشی نجفی بهره مند شد
و بعد از آن از ابحاث مرحوم آیة العظمی بروجردی و آیة الله گلپایگانی
مستفیض گردیده ولی بواسطه عروض کسالت در سال ۱۳۷۲ قمری
بیزد مراجعت و تاهم اکنون بانجام وظائف دینی و روحی از قبیل امامت
در مسجد بیاق خان و تدریس در جامع امیر چقماق و مدرسه مصلی
اشتغال دارد .

بسم الله الرحمن الرحیم

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا ونبینا محمد واله الطاهرین سیما بقیة الله فی الارضین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین. اما بعد این فهرستی است از نامها ونشانهای علماء شهرستان یزد وتوابع آن ونامیدم آنرا بالنجوم المسرد بذکر علماء یزد. ومشتمل است بر مقدمه ومقصد. ولما کان من مهام الامور عند علماء الشرع ترجمة احوال العلماء ولم یکن فیما بایدینا فهرسا لعلمائنا المنسوبین الی یزد. فاستخرت الله تعالی فی جمیع ما شرد من اسمائهم وحلاهم وما یتعلق بهم حسبما تیسر رقبة منی الی بقائهم انشاء الله تعالی والمرجو تتمیم ما نقص منه وترتیبه وتهذیبه وتصحیحه انشاء الله تع وانا العبد السید جواد المدرسی الطباطبائی الیزدی ابن المرحوم العلام السید. احمد علیه رحمة الله ورضوانه کما هو اهله وکان اکثر اشتغالنا بجمعه فی سنة ثلثمائة واربع وتسعین من ۱۳۹۴ بعد الالف من سنین القمریه من الهجرة النبویه والحمد لله

مقدمة فی بیان کثرة علماء مدینة یزد

قال فی القاموس وشرحه تاج العروس. وقصبته کثة والیزدیون من المحدثین جماعة منهم ابو الحسین محمد بن احمد بن جعفر الیزدی وابو عبد الله محمد بن نجم بن عبد الواحد الیزدی الاخیر قدم بغداد حاجا وحدث بها فی صفر سنة ٥٦٠ بباب المراتب عن ابی العلاء غیاث بن محمد العقیلی سمع منه الشریف ابو الحسن علی بن احمد الزیدی والحافظ ابو بکر الباقداری وابو محمد الاخضر ثم عاد الی بلده وکان اخر العهد به انتهی

اقول الذی یظهر بعد امعان النظر فی تواریخ یزد ان ازدهار العلم فیها کان فی قرن الثامن والتاسع فقد احصی فی کتاب تاریخ (جدید یزد) المولف اواخر قرن التاسع اربعا واربعین مدرسه کلها فی بلدة یزد وهذا سوی بعض المساجد التی من الامور المتعلقة بها التدریس کجامع امیر چقماق الشامی وزوجته ستی فاطمة وقد طبع (وقفنامه) فقد عین الواقفان مجاری من الامور ما یخضع الانسان عنده منها ثمانی طلاب ومقررا ای معیدا ومدرسا ورواتب فوق الی الکفایه ومما باید بیان من الاسناد جامع الخیرات وقد طبع للسید رکن الدین المدفون جنب حسینیه وقت الساعة وابنه السید شمس الدین المدفون بمحلة (چهار منار) وله بقعة وقد حوت هذا السند مجاری ابنیة وخیرات لا یخطر علی بال احد بها القاری الکریم منها

ساعة جاء شرحهما فی تواریخ یزد و منها مدرسه فی جنب الساعة. وتیلوهما فیما رأینا موقوفات مدرسه المصلی المشهور بالبقعة الاسحقیة وهو متعلق بالقرن ۱۱

عبارت تاریخ یزد بنام آتشکده یزدان تألیف عبد الحسین ایتی در سنه ۱۳۱۷ شمسی در قرن هفتم و هشتم ونهم بقدری در یزد مدرسه و مسجد و خانقاه ساخته شده و بعدی قریه و مزرعه و قنات و باغ (ومستغلات دیگر دکان کاروانسرا طاحونه وغیره) برای نگاه داری انها احداث ووقف شده که گوئی دران قرن جز حرف انها سخنی نبوده الا ان قال خلاصه در حدود یکصد مدرسه و دویست مقبره (گنبد خانه) وخانقاه و دوازده مسجد در یک قرن هشتم در یزد بنا شد انتهی. وصاحب کتاب تاریخ جامع مفیدی تنها تعداد مدارس را از حد وحصر بیرون میداند.

اقول اما امروزه اثری از اینها هیچ یک از انها نیست نه از بناها و نه از موقوفات والان قدیمی ترین مدارس معدوده یزد مدرسه شفیعیه است اتمام ان در سال ۱۰۰۲ بوده است

قال فی تاریخ جدید یزد مدرسه ضیائیه در زمان مولانا مجد الدین حسن متوفی ۷۸ معدن درس وفتوی بود و تمام اکابر و علماء وفضلاء در درس او حاضر آمدندی و از اوست کتاب تیسیر حاوی که بر کمالات او دلالت دارد و قاضی بود از طرف مبارز الدین محمد مظفر به شرکت مولانا مرتضی اعظم

جامع

جامع الکمالات سید جمال الدین حسن الحسینی البخاری و تمام سلاطین
بنی مظفر ملازمت مولانا مجد الدین کردندی و سخن او را انقیاد جستندی
و منهم مولای اعظم سعید مقتدای اعلی اکرم حمید نتیجة العلماء و الفقهاء الکاملین
قاضی القضاة المسلمین الواصل برحمة الله مالك یوم الدین مولانا مجد الدین
فضل الله قاضی که سرو بستان شریعت و گلدسته بستان طریقت بوده و بعالم
حقیقت واصل شد در سنه ۸۵۵ و در امام زاده جعفر بخاك سپرده شد و منهم
سلطان العلماء و الصلحاء رفیق وارث علوم الانبیاء و المرسلین قطب الاولیاء
المحققین کهف الحجاج الحرمین مولانا حاجی نظام الدین اسحق الحموی
در سنه ۸۶۲ رحلت کرد و در امام زاده جعفر بخاك رفت و منهم شیخ الاسلام معاصر امام الحرمین که با او مباحثه کرده و از این راه لیب
شده است و لیسرش شهاب الدین محمد و منهم مولانا معین الدین معلم یزدی
معاصر سلاطین بنی مظفر صاحب تاریخ معینی مظفری و شرح حال این عالم
خواهد آمد انشاء الله و منهم صاحب تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار
و هو مطبوع متداول
و منهم قاضی میرحسین میبدی و نام او خواهد آمد و منهم خلیل الله مهندس ساعت
واقع در میدان وقت الساعة بنحوی که گذشت رجوع کن بتاریخ جدید و
شرح این ساعت را ملاحظه و بر مهندس آن هزار آفرین نما منقول از مجلد سیم و
مردم

مردم شماره ۶۱ و ۶۲ علماء و دانشمندان در زمان نصرت الدین شاه یحیی مظفری در یزد جمع شدند تا آنجا که یزد معروف می شود بدار العلم.

تنبیه. باید دانست که در آن اعصار در یزد کتابخانه هائی نیز موجود بوده که دلالت بر کمال اعتناء بعلم و اهل آن دارد از آنهاست کتابخانه سید رکن الدین سابق الذکر که مشتمل بر ~~شش~~ ۳۰ هزار جلد کتاب بوده و مسجد جامع کبیر نیز دارای کتابخانه بوده و برای بعض مدارس دیگر نیز کتابخانه بوده منقول از مجله نیر بشماره سابق کتابخانه مدرسه مظفریه میبد یزد این مدرسه از بناهای امیر مظفر مبارزی پدر امیر مبارز الدین بوده است که از آن در حدود ۷۰۰ سنه ساخت و در یزد شهرت فراوانی بدست آورد و نزدیک یکقرن مرکز علماء و طلاب بود مدفن امیر مظفر نیز در این مدرسه است کتابهای کتابخانه این مدرسه همه از کتب فقهی بوده است انتهی . و جامع مفیدی تنها آنرا که آن یزد را بنیوبان یزد تعبیری کند تا ~~که~~ مملو است از علماء در فنون متنوعه و گمان میکنم برای معرفی کثرت علماء یزد بزرگ در یزد همین مقدار کفایت است و اگر کسی اطلاع بیشتری را طالب است رجوع کند بتواریخ یزد و تراجم عمومی علماء در کتابهای مختلف تراجم والحمد لله

اما زمان الصفویه

والعجب ان زمان الصفویه لم یکن العلم فی مدینة یزد بنضارة القرون الماضیه قبلهم

پس گفته حافظ که گفت سرای قاضی یزد ار چه منبع فضل است و لیکن خلاف نیست که اهل نظر در آنجا نیست شاید بمورد خاصی نظر داشته باشد یا نظر خصوصی جواد

قبلهم كما سيرنا قال في جامع مفيدی جمعی از اصحاب خیرات در یزد مدارس رفیع بنا از حد تعداد بیرون ساخته موقوفات بسیار برانها وقف کرده اند اما الحال سنه ١٠٨٢ تمامی خراب وبایر واز مفارقت طلبه خاك حسرت برسرمیکنند انتهی . ولا یخفی انه مع ذلك لم يكن خاليا فقد عد في الجامع (جامع مفیدی) جماعات من العلماء والقضاة والوعاظ والخطباء ، ويوجد اسماء عدة منهم في تضاعيف روضات الجنات كالقاضي میرحسینی المیبدی وملا عبدالله البهاباذی من بقية السلف وملا محمد مقیما ومیر محمد صالح الاردکانی جدنا وغيرهم بل ربما كان الوالي عليهم من العلماء منهم ميرزا ابو المهدی المعالي لملا مقيما وقد كتب له وسيلة النجاة واثنى عليه غاية الثناء ومدحه بالعلم والعرفان واقامة العدل ولا بدع في ذلك فانه كثيرا ما ينصبون العلماء للولايات والمناصب ويرون العلماء المصلحة في قبولها فان السيد عليخان المدني شارح الصحيفة مع وفور علمه كان واليا من قبل الشاه سلطان حسین علی حویزه وشوشتر ودزفول واما القاضي على بلاد المسلمين كان ايضا من كبار المجتهدين و اخر قاض في اليزد في زمان الصفويه على ما اعلم ميرزا محمد حسیب بن قوام الدين وسجع مهره المتوکل علی الله المجيب ابن قوام الدين محمد حسیب

اما زمان القاجار

فهو على ما وصل الينا ابنائهم واثارهم كما وكيفا وعلما وعملا بمنزلة لا يستهان بها

تفوق

تفوق زمان الصفوية خصوصا خصوصا حكومة محمد تقي خان الكبير وابنائه وحكومة
محمد ولي خان ميرزا ابن فتحعليشا فانك يغني العيان من البيان فكم من
عالم تجده في الزمن اذا راجعت ترى انه كان مشتغلا بالتصنيف في الفقه
والاصول والادب والتفسير والرياضيات وغيرها من انواع شتى مع انا ان
استقصينا اسمائهم على قدر الميسور اما اثارهم فلم نبن الامر على الاستقصاء
اذا اردت زيادة الاطلاع فراجع (تاريخ خان) المطبوع حديثا واقرء اسامي
كتب العلماء لحاكم واحد في اقل من عشر سنين وهو محمد ولي ميرزا وقس
على ذلك مضافا الى من انتشروا في الافاق وزينوا البلاد بوجودهم ويؤيد.
ذلك المدارس التي بنيت في القرن الثالث عشر وكثرة الموقوفات مع برنامجات
عالية منها وقف نامه للمدرسة الاشرفية التي بناها محمد ولي ميرزا وهذا السجل
محفوظ في مكتبة الوزيري. وكثرة الدرارات الخاصة التي وقفت على شراء
الكتب العلمية كالمواقف الواجبة محمد سميع بيك خان بن ملك حسين ابن
حاجي محمد بن حاجي محمد تقي اردكاني في اردكان وحاجي رمضان كرماني في اليزد
واعطف على ذلك كثرة الكتب الموقوفة على اهل العلم فان العلام ملا حسن الكسنوي
وسيأتي حديثه وقف مائتي كتاب من مؤلفاته وغيرها من المخطوطات النفيسة
ووقف جدنا السيد محمد الاخباري ثلاثين كتابا راجع تاريخ خان واتكل عليه
بناء الحاكم محمد ولي ميرزا وكتبه التي اسبلت لاهل العلم وهذا قليل من كثير

ثم

ثم اعلم انه لم يصل الينا بناء مكتبة العامة مهيئة للمراجعات اما مكتبات شخصية لا يستهان بها وفي كانت موجودة منها مكتبة ميرزا عليرضا وسيأتي ذكره جمع فيها جميع مجلدات العوالم . ومما يشيد ما بنيناه ما قاله محمد باقر بن اسد الله اليزدي في مقدمة كتاب المسمى بتذكرة الولي في معرفة سنة النبي صلى في فضيلة صلوة .

الجماعة كتبها باستدعاء الحاكم محمد ولي ميرزا قال بالفارسية بسي تصنيفات و تأليفات در فنون علوم سيما علوم شرعيه ومعالم دينيه چه اصليه وچه فرعيه دراين عهد ميمون تصنيف وتأليف پذيرفت كه در اضعاف مثل اين زمان عشري از اعشار در سلك تحرير منسلك نگشته بود علي باقي نماند كه دران مجلدات نفيسه تصنيف نشده باشد وهيچ يك از ارباب استعداد چيزي در قوه باقي نماند كه بيمن تربيت ان شاهزاده فرزانه بسرحد فعليت نرسيده باشد انتهى .

وللعلماء في دولة القاجار نفوذ وقدرة اليهم يرجع القضاوة وكتابة السجلات والانكحة وبيدهم الموقوفات الوافرة التي وقفت من الخيرين على مرور الدهور ثم غصبت على مرور الدهور على طريق النشر والطي يوقف مندرجا ويغصب .

مندرجا هكذا اكان الامر الى ابتداع الحكومة الدستورية المشروطية التي بنيت بيد العلماء لقطع ايدي انفسهم فنزلوا عن مقامهم ومع ذلك كله لما وقعت الهجمة على اليهود في دكاكينهم رضا للدولة في اذنهم للجلوس على دكات الدكاكين

وكانوا قبل ذلك ممنوعين ولم يكن لهم بدّ الا التجول في البيع (دوره گردى) كما انهم والمجوس ممنوعين من الركوب اذا اجتازوا على مسلم لئلا يعلوا على المسلم وهذا من شرائط الذمه ولذا كان المجوس اذا ركبوا ركبوا صفحا اى الى جهة واحدة من الدابة اى رجلاهم على طرف واحد حتى يسهل النزول اذا اجتازوا المسلم عليهم. وبالجملة هجمت طلبة العلم واهل السوق على دكاكين اليهود واغاروا عليهم فشكوا الى السلطان احمدشاه اخر سلاطين القاجارية فانه احال فيصل القضيه الى حضرة حجة الاسلام والمسلمين اية الله في الارضين السيد يحيى الموسوى وسيأتي ذكره انشاء الله ولا يخفى ان في ذلك الزمان وان كان كثير منهم في غاية العدالة وطهارة الاعراق لكنه لا يخلو بعضهم عن التحاسد والتباغض والتشاجر والمضاربة والتقرب الى الامراء والتكالب على الحطام الدنيويه الى ان سلبت النعمة منهم.

ثم اخذت امرجتهم الى التضيق باضغاط الحكومة الجائره ايام في تمام البلاد ومنها يزد صاروا ممنوعين من الخطابة وقرائة الروضة على المنابر وامر الناس عموما ثم بعد حين العلماء ايضا بلبس لباس الكلاه ورفض العمامه والقباء ثم جاء الامر بسفور النساء واخذت بعض مدارسهم وبعض مساجدهم واستوقف الموقوفات عن صرفها فيهم حتى انه لم يبق في اليزد عالم معمم الا في قعر البيوت ولا طالب مشتغل في المدارس الا في زوايا شاذا سوى من كان في النجف وقم وغيرهما وجلبوا الى التجند

(نظام و لطیفه) وابدع ادارة العدلیه علی نهج قانون الاروبی فیما یطول او البحث ذو شجون وبالجمله کان زمانا عضوضا حتی انقضی الاجل وصار رطا عمیة. الزمان رهین عمله ووصلت النوبة الی ابنه ففی اوائل امره تنفس العلم واهله وجمیع الناس دقتا ما ولکنت اول جلبة فی الیزد اختلفف الی المدارس خالیا من غیری وفی لآونة عدة الطلاب فی نفس لمدینة ۳۰۰ نسمة تقریبا مشتغلین الی اخر السطوح ای کتاب الکفایة فی الاصول و فی بلدة اردکان ۵۰ نسمه تقریبا و ۲۰ فی القم وهم العمدة والنجف قلیلا والمشهد الرضا علیه السلام وسائر البلاد ودریزد قریب ۳۰۰ امام جماعت و ۱۵۰ واعظ وروضه خوان و ۲۰ مدرس و ۵ عالم فقیه وشاید دربین انها صاحب مرتبه اجتهاد پیدا شود ولی دریزد دیهای مقیم قم ونجف شاید ۱۰ مجتهد یافت شود وعده مسلمانانی که بجماعت نماز گذارند درشام گاهان که ازهمه وقت بیشتر است از ۱۰۰۰ جمعیت تجاوز نمیکند درمدت سال غیرماه رمضان تمام انچه ذکر شد تقریبی است که خیلی دوراز واقع نیست

مدارس فی الیزد الحاضر

یک مدرسه شفیعیه واقع درمیدان خان یک مدرس وعده معدودی طلبه دارد ضعف الطالب والمطلوب اتمام ساختمان این مدرسه درسال ۱۲۰۲ بوده است دو مدرسه مصلی دربهترین واباد ترین محل شهرستان یزد وقریب ۹۰۰۰ نه هزار متر مربع وسعت انست ازاول محل اجتماع نماز عید وغیره بوده سپس بصورت

مدرسه درآمده که شرح ان در وقفنامه مذکور است. موقوفات زیادی داشته ان بتاراج رفته من القدیم الی الان وقفنامه این مدرسه در سال ۱۰۵۳ در اکبر اباد هند نوشته شده ومدرس آن باید از طائفه مدرسیه باشد این مدرسه مخروبه بود و در این زمان بهمت مرحوم حجة الاسلام حاج سید علیرضا مدرسی ره مدرس بزرگ مدرسه مصلی کاملا تعمیر شد ۳ـ مدرسه خان این مدرسه مشتمل بر سه مدرسه است اول مدرسه کوچک که محمد تقی خان بزرگ ساخته با موقوفات بسیار ومدرس مجللی دارد ودو طبقه است که در طبقه پائین سابقها آب معروف بحدید جاری بوده مثل مصلی ومدرسه شفیعیه ومسجد ریگ وبعد وارد مدرسه بزرگ خان میشود که از بناهای پسرش علی نقی خان می باشد دو طبقه است ودارای حجرات خوبیست وهردو مدرسه هریک دارای مدرس عالی مرفه میباشد این دو مدرسه را آقای حجة الاسلام حاج شیخ محمد صدوقی سلمه الله تعمیر فرمودند واز مدرسه بزرگ وارد مدرسه کوچکی میشود که آثار خرابه‌ای بود وبهمت آقای صدوقی بصورت مدرسه نیکوئی بیرون آمد این مدرسه خان بسیار آبرومند ودارای طلابیست که دران بیتوته می کنند ومدرسینی دارد ولی موقوفات ان از بین رفته.

از مدارس یزد مدرسه محله ابو المعالی باشد که مرحوم حاج محمد طاهری از علماء یزد ساخته و فرزندش شیخ عبد الغفور تبدیل بمدرسه جدید کرده بنام مدرسه طاهری

۴ مدرسه کوچک عبد الرحیم خان واقع در بازار خان که زمان رضا شاه مدرسه دولتی بود وبعد افتاده وبائر بود وایضا بهمت آقای صدوقی به بهترین وجهی بسبک

امروزه

امروزه تعمیر شد بلکه تغییر بناشد و کتابخانه ای بنام کتابخانه سریزدی بنام مرحوم حاج میرزا محمد سریزدی طاب ثراه در این مدرسه است و شاید تغییر مکان داده شود علی ای حال این کتابخانه بعد فوت مرحوم سریزدی بهمت آقای صدوقی تأسیس شد و دارای ۲۰۰۰ کتاب و دارای مخطوطات بسیار که بعضی از انها نفیس می باشد و در دهلیز همین مدرسه عبدالرحیم خان مؤسسه ای هست بنام صندوق ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که باشرائطی قرض الحسنه مید هند بسیار برای رفع محتاجان ولیس انداز کردن بعضی که طالب بهره نیستند مفید است ولی این هم شاید محلش تغییر داده شود این بود چهار مدرسه دائرة الان.

اما نام بقیه مدارس

اول مدرسه جنب مدرسه اخوند ملا اسمعیل که از انجا وارد مسجد میشوند از سکنه خالی و مخروبه بود ولی الان از طرف اداره باستانی تعمیر شده بطرز قدیمی و اطاقهای ان مقفل است بانی ان یکی از علماء بزرگ بنام میرزا علیرضا بوده

دوم مدرسه ایست واقع در میدان شاه جنب مسجد شاه طهماسب زمین بائری بوده و در زمان متأخر مندی بنام حاجی علی اصغر گلستان انرا ساخته وگاهی روزی یکدرس دران گفته میشود و سکنه ای ندارد و نام این مدرسه مدرسه خمسه است چون بانی ان مرحوم حاج علی اصغر گلستان از طائفه خمسه یعنی پنج برادران بود و مسجد شاه که مخروبه شده بود در جنب ان واقع والان تعمیر شده و جماعت

در

در آن برقرار است

سوم. نزدیک مسجد شاه طهماسب مدرسه محسنیه هست مشهور بمدرسه دومنار اصل آن قدیمی است ولی مخروبه شده بود مرحوم آخوند ملا اسمعیل عقدائی آنرا تعمیر کرده باز مخروبه شده بود بهمت بعض احفاد آخوند تجدید تعمیر شد ولی مختصر رونقی یافت تا چند سال پیش که خراب کردند و داخل شارع و خیابان شد و فقط حجرات شرقی آن باقیمانده که هنوز در حال تعطیل است

چهارم مدرسه دیگری داخل محله چهارسوق نزدیک مسجد جامع کبیر بنام اشرفیه که سابقا نام آن برده شد. شاهزاده محمد ولی میرزا آنرا ساخته با بنای بسیار محکم و حجرات بسیار و موقوفات زیاد و برنامه های مرتب و گفتم وقفنامه آن در کتابخانه وزیری موجود است این مدرسه مدتی بیمارستان بود و سپس نوا یعنی محل سکونت فقراء و غیره قرار گرفته

مدارس سائر نقاط وابسته بیزد.

۱ـ مدرسه اردکان مقابل مسجد جامع آباد و دارای طلاب و مدرسین و کتابخانه بالنسبه آبرومند. این مدرسه دوطبقه بود و آب در پائین آن جاری بود. الان بهمت حضرت آقای حجة الاسلام حاج سید روح الله خاتمی سلمه الله تجدید بنا شد

۲ـ مدرسه ای در بافق داخل مسجد جامع از بناهای محمد ولی میرزا

۳ـ مدرسه محله گرمسیر تفت چهار حجره تحتانی و فوقانی دارد و مختصر آمدورفت

اهل

۱۵

اهل علم تفت در انجا هست. ۴ـ مدرسه شهربابک

۵ـ مدرسه‌ای در میبد که اساسا جدید البناست یکی از اهل علم میبد باشاره (اقای خمینی)

مرجع عالیقدر ساخته جنب شارع. و جلوان مسجد قرار داده

۶ـ مدرسه طزرجان. باید دانست الان در طزرجان سه مدرسه هست اوّل مدرسه

محقری بود از بناهای مرحوم حاج اخوند طزرجانی و نامشان خواهد امد. بعد بهمت

مرحوم حاج شیخ اخوند غلام رضا آب قنات در ان جاری شد و سپس بهمت

اخوی بنده اقای حاج سید محمد مدرسی توسعه داده شد دو طبقه خیلی برومند

در زمستان خالی از سکنه است ولی مدت کوتاهی در تابستان مملو از طلاب است

حتی از شهرهای دور میایند بامید این مدرسه و تا اندازه‌ای مشغول درس بحث

و تدریس هستند.

دوم در جنب این مدرسه در سمت شمالی در محل استخر نیز باغی خریداری شد و باز

بهمت اقای اخوی نگارنده در صدد ساختمان حجراتی است. برای ییلاق طلاب.

سوم در پائین طزرجان در محله حسین آباد اقای حاج شیخ محمد صدوقی طرح

ساختمان مدرسه مفصلی که تمام ان در حدود ومقدار ان

زیر ساختمان است. خداوند توفیق بهره برداری واتمام عنایت فرماید و هم چنین در

قریه منشاد مشارالیه معظم مشغول ساختمان مدرسه مفصلی است. اما

اینها در تابستان مورد بهره برداری است.

و

ومخفی نماند که در زمان ما در یزد کتابخانه عمومی نبود ولی الان کتابخانه های
فراوانی در شهر یزد و توابع ان هست ولی خیلی دارای اهمیت نیست مانند.
کتابخانه مدرسه خان و کتابخانه مسجد صاحب الزمان عجه و کتابخانه مسجد امام
حسین علیه السلام مشهور بمسجد رسولیان و کتابخانه شرف الدین و کتابخانه فاضل
اردکانی در مدرسه اردکان جنب مسجد جامع و کتابخانه در شهر بافق ولی در شهر
یزد دو کتابخانه دارای اهمیت و قابل استفاده است اول کتابخانه سر یزدی
و با اشاره بآن شد دوم کتابخانه وزیری بانی ان اقای حاج سید علی محمد وزیری
واعظ که از کتب شخصی خود بسته مرکزی آنرا بوجود اورد. در جنب منار مسجد
جامع ساختمان مفصل و کارمندان متعدد و مخزن خطی جداگانه. مشتمل بر
۴۰۰۰ هر کتاب خطی و روی هم ۳۰۰۰۰ کتاب تقریبا دارد. دارای فهرستهای منظم (صح بامطالب بسیار)
و بعضی نسخه های ان نفیس و منحصر بفرد می باشد بانی محترم برای احداث این کتابخانه
رنج فراوان و اکنون اثار علماء یزد در ان زیاد است و ما هم در ترتیب این فهرست
زیاد از ان استفاده کردیم ولی بیشتر مراجعین این کتابخانه محصلین مدارس جدید
و کمی از طلاب علوم دینیه و نادرا اهل تحقیق انجا پیدا شود

ثم نعطر ختام مقالنا بما نثره القریحة العبقری من الامام الغروی بحر العلوم العلامة
الطباطبائی ره من اطائب کلام تفوح منها روائح تلمة معاطس جنان الاذکیاء
مادام تهب الریح بین الارض والسماء

گل

گل همین پنج روز و شش باشد　　وین گلستان همیشه خوش باشد

لیکن تقریظا لکتابنا هذا ودلیلا على علاء سعر هذا الفطحل الفن وتنشیطا للمؤلف والمراجع ثم یکون تعریفا لاحد جهابذة العلماء المنسوبین الى یزد وهو میرزا عبد النبی القزوینی الیزدی وقد ذکرناه فی الفهرست قال المحدث النوری ره فی الفیض القدسی ما لفظه وکفى للمقام شاهدا ما کتبه آیة الله بحر العلوم والمعالی على ظهر نسخة الاصل من کتاب تتمیم امل الآمل وهو عندی موجود بخطه الشریف ره بعد الحمد والصلوة وبعد فقد وفقنی الله وله الحمد للتشرف بما املاه الشیخ العالم الفاضل والمحقق البدل الکامل طود العلم الشامخ وعماد الفضل الراسخ اسوة العلماء الماضین وقدوة الفضلاء الآتین بقیة نوامیس السلف وشیخ مشایخ الخلف قطب دائرة الکمال وشمس سماء الفضل والافضال الشیخ العلم العالم الزکی والمولى الاولى المهذب التقی المولى عبد النبی القزوینی الیزدی لا زال محروسا بحراسة الرب العلی وحمایة النبی والولی محفوظا من کید کل جاهل غبی و عنید غوی ویرحم من قال آمینا فاجلت فیما املاه نظری ورددت فیما اسلاه بصری وجعلت الطیل فیه فکری وادیم به ذکری فوجدته افضل من لبوس وازین من عروس واعذب من الماء وارق من الهواء قد ملک ازمة القلوب وسخى ببذل المطلوب

لقد وافت فضائلک المعالی　　تهز معاطف اللفظ الرشیق

فضضت ختامهن فخلت انى ... فضضت بهن عن مسك فتيق

وجال الطرف منها فى رياض ... كسين محاسن ظهرا لانيق

شربت بها كئوسا من معانى ... غنيت لشربهن عن الرحيق

ولكنى حملت بها حقوقا ... اخاف لثقلهن من العقوق

فشربا يا نعيم بى رويدا ... فلست اطيق كفران الحقوق

وحمل ما اطيق به نهوضا ... فان الرفق اليق بالصديق

ولعمري قد جاد واجاد وبذل المطلوب كما اريد منه واراد لقد احيى واشاد وافاد رسوما قد اندرست وطولا قد عفت ومعاهد قد عطلت وقباب مجد قوضت واركان فضل قد هدت وانهدمت وابنية سود قد انقضت وانفضت فلله دره فقد وجب على العالمين شكره وبره فلم احيى بجميل ذكره ما قد مات ورد بحسن الثناء ما قد فر وفات وكم له فى ذلك من النعم والايادى على الحاضر والبادى ومن الفواضل والبوادى على المحفل والنادى فقد نشر فضائل العلماء والفقهاء وذكر محاسن الادباء والاذكيا ونوه بذكر سكان زوايا الخمول وانار منار من اشرف ضوئه على الافول فكانى بمدارس العلم قد هزت وطربت وبمجالس الفضل له قد ازلفت وزفت وبمحافل الادب قد استلست وانست وكانى بسكان الثرى ورهائن القبور قد اتخذوا مدارج الطور والبسوا مدارس النور وتباشروا بالتهنية والسرور وطفقوا بلسان الحال ينشدون مادحهم هذا المقال .

رباعی. احییتنا بثنائك السلسال فاذهب بنعماها رخی البال
فی النشأتین لك المنهاد الهنا نیل المنی والفوز بالامال انتهی

ثم قال محدث النوری ره وهو اعلی الله مقامه من الذین ینبغی التاسی بمغالیهم و
النسج علی منوالهم انتهی . انتهت المقدمه وجاء اوان الشروع فی المقصد اعنی سرد
الاسماء علی ترتیب حروف التهجی فی اوائل الاسماء باسم الله والحمد لله

بسم الله الرحمن الرحیم

١ الحاج السید میرزا ابوالقاسم بن الحاج سید محمد باقر بن حاج میرزا زین العابدین
الطباطبائی المدرسی اول من هاجر الی تهران من عائلة المدرسیة واستوطن هناك
سنین متطاوله صار اماما فی مسجد الجمعه العتیق بتهران وکان موجها عند الاعالی
والادانی نقل انه اقتدی به اتابك اعظم مرة ثم اقبل علیه وقال سیدی استدعی
من جنابکم ان تطلب منی حاجة فقال السید فورا ارغب ان تعطینی شیئا من العقل
وکان عالما بارعا قویا فی ذات الله لا تأخذه لومة لائم عاش ٩٣ ومات سنه ١٣٥٥
ودفن فی قم فی الصحن الست فاطمة المعصومة سلام الله علیها وله اخلاف بعضهم من
اهل العلم وهو السید حسن وفقه الله وما کتب علی لوح قبره زادسنه من المائة
فلا اصل له

٢ السید ابوطالب ابن السید محمد الطباطبائی المدرسی کان ابوه ره من العلماء وسیاتی
ذکره انشاء الله . هاجر الی تهران مع ابنه هذا وهو شاب ثم اشتغل فی تهران علی

ابیه

ابيه وغيره حتى استعد للبحث النظرى ثم هاجر الى النجف ومكث ٨ سنين وقرء على النائينى وغيره ثم رجع الى تهران بعد فوت والده ثم سكن برهة فى قم واتصل بالحاج آقا حسين البروجردى ونال منه بعض الحظ من الجاه والمال وماليهما ثم رجع الى تهران ومات عن امامة مسجد ارك ناصر الدين شاه وهو ابن سبعين تقريبا فى سنة ١٣٧٩ وحمل جنازته الى قم ودفن بجوار السيدة الفاطمة. ليس له عقب اصلا وبموته مات العلم عن بيت ابيه واهدى كتبه وما كتبه الى مكتبة المسجد الاعظم فى قم. له علينا حق القرابة وغيره. رايته يحشى كتاب وسيلة النجاة للسيد ابى الحسن الاصفهانى ره وكان يعد نفسه من اعاظم الفقهاء وربما كان ره له لسان زلق يتحامل حتى بالنسبة الى بعض العلماء رحمة الله عليه.

٣ـ اخوند ملا اسماعيل ندوشنى يزدى تلميذ شريف العلماء فى كربلاء المعلى والجالس مجلسه بعده للتدريس ولقى به فضلا وشرفا بين الف من ابطال اقرانه الا انه لم يطل فلما اراد الرجوع الى يزد مات فى وسط الطريق حكى لى بعض الاجلة ان مرجع الله آية الله البروجردى اثنى عليه حين عرض عليه بعض كراريس من مكتوباته العلمية واشترى باربعماة تومانا اعلانا لغلائه فى المعنى

٤ـ الحاج ملا محمد ابراهيم طزرجانى بن ابو القاسم. پدر ايشان تاجر واز لار مهاجرت كرده بيزد امده ان جناب دريزد تحصيل كرده وتحصيلات نهائى نزد آقا محمد جعفر كرمانى بوده كه نام ايشان خواهد امد وصاحب ترجمه شايد مجتهد بوده ملتى

در

در شهر یزد مشغول تدریس با قناعت سلیس در اواخر عمر قریب سی سال در طزرجان
یزد رحل اقامت افکنده و اهل آن قریه را حیات بخشیده . مجسمه تقوی و فضیلت
و عدالت و ظرافت . در طزرجان مدرسه کوچکی ساختمان کرده و بامر تدریس مشغول
و بالنسبه چند شاگرد هم داشته . مسجد دو طبقه ای بجنب مسجد بزرگ از
درامد موقوفات مسجد و حمام ساخته . گویند دائم التهجد والنوافل و
زیارة عاشورا بوده عادت ایشان خواندن سوره یس بود از حفظ موقع
نماز صبح از منزل تا مسجد . از قوانین مستحدثه روگردان بود بالجمله آیتی از
ایات خداوند متعال بوده در سن ۹۰ سالگی یا بیشتر ۲۹ ذی حجه سنه ۱۳۵۰ در
طزرجان فوت و جنازه او را اهالی طزرجان بردوش تا شهر یزد بوصیت خودشان
حمل کردند و در مقبره جوی هرهر بخاک سپرده شد هنیئا له الجنة . بعض نواده
های دختری ایشان از اهل علم و مورد امید داری میباشد انشاالله .

۵ـ شیخ احمد احسائی معروف رئیس شیخیه پنج سال در یزد بوده و در مسجد سر
پلک یعنی مسجد جامع نو واقع بمحله سرپل و مدرسه محسنیه که فعلا خراب
کردند و خیابان شده مجلس درس داشته و جمع کثیری از علماء یزد در مجلس او
حاضر میشدند و بعضی را کاملا منحرف کرده مانند ملا آقا عبدالخالق و بعضی را هم مذاق
و مشرب خود کرده چون ملا مصطفی و تنها کسیکه با او مراوده نداشته مرحوم
آسید احمد اردکانی بوده و نام همه خواهد آمد . اما از هر جهت مورد اتهام
و

وریب است وبر صاحب روضات وبعضی دیگر حال او مشتبه شده . صاحب فصول و جماعتی از علماء اورا تکفیر. ونا قشه فی مقالاته السید العلامه مهدی کربلائی ابن السید الطباطبائی صاحب الریاض سید علی: رجوع شود بکتاب مزدوران استعمار وسائر مقالات وکتب مربوط تا شرح این جرثومه فساد وعقائد باطله او معلوم گردد

مخفی نماند که حاج محمد کریم خان هم بیزد امده ومدت کمی مانده وجماعتی را هم منحرف کرده مانند استادش . یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلوبنا علی دینک

۶ اقای السید ابو الحسن بن علی اکبر از بزرگان علماء یزد ومعاصر محمد ولی میرزا بوده نام ایشان در تاریخ خان امده . در زمره انهائیکه برای شاهزاده کتاب نوشته اند له وجیزه فی اصول الفقه فارسی کتبها له .

۷ الحاج السید ابی القاسم الجندقی الیزدی بن السید مصطفی امام الجمعه بجندق. رحل فی طلب العلم الی اصفهان ثم الی النجف واجازه بالاجتهاد السید ابو الحسن الاصفهانی . وصار من مشهوری ائمة الجماعة بیزد فی مسجد شاهد باز ورفع مقامه . ثم حفض حتی انه صار صفر الید بما یعیش به . مات سنة ۱۳۶۸ وعمره ۸۰ ودفن فی بعض حجرات امام زاده جعفر وخلف ابناء .

۸ الشیخ احمد شریعت بن محمد بن الشیخ جعفر سبط السید یحیی الموسوی عالم زاهد ورع ولا یتکلم الا بالعلم وربما یدرس وله امامة فی جامع سرریگ . مات بالسعادة

بعد

بعد ان بلغ السبعين تقريباً ١٣٩٠ سنه ودفن في مقبرة جده ملا اسمعيل وليس له عقب من اهل العلم وخلف بنات . قيل انه لم يتيسر له زيارة الرضا ع بقلة ذات يده

٩ الشيخ اسد الدين بن الشيخ محمد تقي دمى لقبه بثقة الاسلام . هاجر الى اصفهان ثم الى النجف ورجع الى يزد وبعد والده جلس على مسند القضاء وغيره . عالم فاضل منشى خطاط . نقل انه كتب سورة الاخلاص بتمامه على حبة واحدة من الارز . وهو انه بالرياسة والتقدم على الاقران كابائه حتى اذا جاء بلدية حصر كتابة السجلات (الانكحة والمعاملات) وهو التي يسمونها بالمحضر . فهو من المتقدمين بتقبل المحضر وكان ايضا من قضاة ادارة العدلية ومن ممتحن الطلاب عند ما ضيق الدولة على الطلاب واجبرهم على الامتحان لاجازة التعمم ومعافية الجندية واخر الامر اجلوه الى تهران واستقر هناك واكتسب ثروة وكان كثير المعاشرة مع الحكام والامراء والرؤسا ومات هناك ١٣٧٠ سنه ولم يخلف عالما كان اماما لجامع امير چقماق

١٠ ملا محمد اسماعيل از علماء بزرگ يهود بوده و بشرف اسلام مشرف شده اصلا از اهل قزوين ودر يزد ساكن شده وبا علماء يهود مناظرات داشته وياد داشتهائى تهيه كرده . وفرزند اين بزرگوار حاج باباى قزوينى يزدى صاحب كتاب محضر الشهود فى رد اليهود است شرح احوال پدرش را در اول كتاب بيان كرده . گويند او هست كه مندرجات كتاب وحى كودك را برملا كرده .

ملا اسمعيل جورفت از عالم . ان ازعلماء اهل عالم اعلم .

صهبائی سال فوت او کرد رقم   افسوس برفت عالمی از عالم سنه ۱۱۸۹

۱۱ الحاج میرزا سید احمد ابن میرزا محمد علی مدرس پسر بزرگ مرحوم مدرس بوده
و از علماء شهر یزد محسوب میشدند و خدمت پدر تلمذ کرده بودند. چون پدر
ایشان در سال ۱۲۶۵ درگذشت بامامت جمعه منصوب شد و بیش از پدر
مورد استقبال یکبر عموم واقع شدند. جماعت بی نظیری باو اقتدا میکردند مشهور
است از زیر گنبد تا نزدیک در قبلی مسجد با دو شبستان دو طرف در بعضی
جمعه ها پر میشده. و عدالت و وجاهت ایشان مورد قبول خاص و عام بوده
و چون از دنیا رفت جانشین ایشان شد در امامت فرزند ایشان مرحوم حاج
میرزا سید حسین در امامت جمعه و جماعت عدت ولی مقبولیت عامه را نداشت و در زمان
او مسجد جمعه ۳ امام داشته و بریشه از طائفه مدرسیها

۱۲ سید ابراهیم بن حاج سید حسین بن الحاج میرزا سید احمد مدرس مذکور
شماره (۱۱) بعضی بعد از مقداری تحصیلات در یزد بنجف اشرف مسافرت و در
آنجا باخذ اجازه اجتهاد از سید محمد کاظم یزدی نائل آمد. مردی بوده است
غیور و فعال از جمله فعالیتهای ایشان آنکه در زمان ایشان یکی از اهل علم یزد بنای
طغیان و تعدی را گذاشته بود و فسق خود را علنی کرده بود بالاخره بکوشش
خستگی ناپذیر ایران مرحوم که در آن زمان در نجف بودند حکم بفسق او را از علماء
و مراجع گرفته بودند و او را بکمک علماء یزد سرکوب کرده بودند. ایشان بعد

از

از فوت پدر به یزد آمدند و آمدن ایشان بابی کشی در یزد شروع شد در سنه ۱۳۲۲ اول از منزل ایشان سرچشمه گرفت. جلال الدوله حاکم یزد ایشان و پدر زن ایشان مرحوم آقای آسید ابوالحسن که از علماء یزد بودند تبعید بشهر بابک کرد و شاید همان عالم نمای یزدی هم که سابقا مذکور شد در گرفتاری ایشان کاملا دخیل بوده. پس باین سبب مسلول و در سن جوانی سی و چهار سالگی تقریبا در شهر یزد درگذشت و در مقبره جنب مسجد جامع بخاک رفت و تمام دارائی آنچه از پدر باوارث رسیده بود از دست داد و بعد از ایشان امامت جمعه بفرزند بزرگ ایشان آقای میرزا محمد علی رسید که جوان نورسی بود و در یزد قدری تحصیل کرد و پنجاه سال در مسجد جمعه اقامه جمعه و جماعت نمود با مواظبت تامه. از حظ و بهره دنیوی نصیبی نداشت مردی بود منزوی و سالم و در اواخر زمان ایشان باز نماز جمعه بواسطه اسباب خارجیه رونق گرفت یعنی تبلیغات آقای حاج سید علی محمد وزیری خطیب و واعظ مشهور یزد و نیز مسجد جمعه بعد از مخروبی کاملا تعمیر شد بهمت وزیری و جمعیت نماز جمعه از دو هزار الی پنج هزار بالغ شد مشارالیه در سال ۱۳۸۵ درگذشت و در جنب پدر مدفون شد. و جانشین ایشان شد در امامت فرزند بزرگ ایشان فاضل دانشمند آقای آسید علی محمد و نماز جمعه و جماعت بهمان رونق باقی میباشد

تفصیل بابی کشی در کتاب کشف الحقائق خطی تألیف نواب رضوی در کتابخانه وزیری موجود میباشد در آن نوشته در تمام خاک یزد از نایین تا شهر بابک ۱۴۱ بهائی را کشتند

۱۳ احمد بن محمد ابراهیم اردکانی صاحب لمعات قدسیه از حکما و عرفا مقیم شیراز

باحتمال وفات ایشان در سنه ۱۲۵۰ از فهرست کتاب خانه آستان قدس

۱۴ ملا ابوطالب بندرابادی از اهالی بندراباد بلوک رستاق یزد. بعلم مشهور

است و هم دران قریه میزیسته صد سال پیش تقریبا

۱۵ سید احمد بن سید محمد حسینی اردکانی یزدی حکیم فاضل فقیه محدث.

قرن سیزدهم هجری و در هنگام ورود شیخ احمد احسائی بیزد، تمام علما با او

مراوده کردند مگر صاحب ترجمه. اقول نام ایشان در تاریخ خان درضمن علمائیکه

برای شاهزاده کتاب نوشته یا و ترجمه کرده اند میباشند و هم نمونه از انشاء

ایشان که سر لوحه وقف نامه مدرسه شاهزاده است موجود میباشد و دال

بر کمال کمال ایشانست (مرا به بین که ببینی کمال را بکمال)

دارای تألیفات بسیار است ازان جمله انساب السادات که بمشجرات وجداول

بسیاری مشتمل و بشجرة الاولیاء موسوم است و از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

شروع کرده و در حضرت ادم ابوالبشر خاتمه داده است تاریخ اتمام سنه ۱۲۴۴

وازان جمله ترجمه عوالم العلوم که بچند جلد مشتمل و تذییل سرور المؤمنین مذکور

ذیل است وازانهاست سرور المؤمنین فی احوال امیرالمؤمنین علیه السلام و فضائل الشیعه

و کتاب فضل الصلوة علی النبی و اله و در کتابخانه وزیری هست و نسخه ای از کفایة

الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب ع در کتابخانه هست تاریخ اتمام سنه ۱۲۲۲ مجلدات

دیگر

دیگر از تألیفات ایشان نیز در کتابخانه موجود میباشد

١٦ ابوطالب بن محمد علی الشورکی الیزدی اطلعت علی بعض ما کتبه ثم کتب المحرره
ابوطالب ان تلمذه علی العالم الفاضل محمد جعفر الفارسی سنة ١٢٧٥ وفی بعض فوائده
بهذا بلغنا من استادنا ملا اسماعیل الخواجوئی (الخواجوی) وفی اخر المجلد الثانی
من المنهاج للکلباسی ره تصدیق بالاجتهاد من بعض الاعلام وسجع مهره
غیر مقروء قال وبعد لقد رایت جمعا کثیرا من العلماء الاعلام وفوجا غفیرا من ذوی
الالباب الافهام ولعمری ما رایت ازکی وافهم وادق من الفاضل الباذل العادل
الجامع المحامد الخصال ومحاسن الکمال المتخلی لربقة التقلید المتحلی
بحلیة الاستدلال الحبر اللوذعی الالمعی مشفقنا الشیخ ابوطالب بن محمد علی
ادام الله تعالی افضاله وکثر فی العلماء الاعلام اشباهه. مکتبه سریزدی

ع ٢ حد ما دزی نسخ محمد ابراهیم اعرابی و قنبران مرحوم در حسینیه شورکت

١٧ الحاج ملا احمد بن حسن یزدی مشهدی متوفای حدود سنه ١٣١٠ از فضلاء و وعاظ
مقیم مشهد صاحب تألیفات منها ایقاظ الراقدین در شرح دعای سحر. از فهرست
کتابخانه رضوی

١٨ شیخ ابراهیم فرزند شیخ علیرضا فیروزآبادی یزدی از اهل فضل و مدرسین
سطح و از شاگردان محقق رشتی و اسید محمد کاظم یزدی بوده در سال ١٣٢١
بمرض وبا درگذشت وی حاشیه ای بر رسائل دارد در سه مجلد. از کتاب
زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ره.

۱۹. شیخ محمد ابراهیم الکرد فرامرزی الحائری النجفی بن اخوند ملا علیرضا قال ابن اخته الشیخ علی اکبر فی حقه فخر المحققین وعلم الهدی وزین المجتهدین از شاگردان سید محمد کاظم و ایروانی ورشتی. له تقریرات سید محمد کاظم بر فرائد شیخ من اوله الی اخره. متوفی ۱۳۲۴ه

۲۰. میرزا سید احمد بن سید محمد مدرسی طباطبائی پدر ایشان وتمام سلسله ایشان از اهل علم واسم پدر ایشان خواهد آمد صاحب ترجمه پس از دوران مکتب در حجر تربیت والد ماجد خود تربیت علمی یافته ونیز در خدمت سایر اساتید یزد بکسب مقدمات وفقه پرداخته وبالاخره تحصیلات نهائی ایشان در خدمت سید یحیی موسوی که نام ایشان خواهد آمد در مدت بیست وچند سال برگذار شده با جدیت کامل از اول دوران تحصیل تا اخر زمان امکان تدریس. سالیان دراز در مدرس مدرسه مصلی مدرس رسمی بوده وراثة عن آبائه وحتی زمان رضا شاه پهلوی که مدارس خالی بود وعمامه از سر علماء برداشته بودند ایشان امدن مدرسه را ترک نکرده. ولو با یکی دو شاگرد وچه بسا تنها با دقت سطوح را تدریس میکردند ونیز سالهای متمادی در مسجد مدرسه مصلی ومسجد بیاق خان وسلیس درمسجد فرط در اوقات سه گانه بامت مشغول ومردم را به بیانات خود بهره مند میکرد ودر بیشتر عمر مبتلا بتنگی معاش بودند مگر چند سال اخر عمر چند سال بستری شدند که اصلا قادر بر حرکت نبودند ودر سنه ۱۳۸۸ بعد از ۹۳ سال

سال عمر وفات کردند و در بعض حجرات صحن بزرگ امامزاده جعفر بخاک سپرده شدند و بر قبر ایشان سنگی منصوب شد. طوبی له وحسن مآب. ایشان والد ماجد اینجانب سید جواد مدرسی نویسنده این کتاب میباشند له علی حقوق لانهایة لها و از ایشان باقی ماند اخوی بزرگتر از من خلف صالح در امامت و تدریس جناب عالم پرهیزکار حاج سید محمد مدرسی حیاه الله. شرح احوال پدر و پسر در کتاب گنجینه دانشمندان و شرح احوال سید احمد در آئینه دانشوران موجود میباشد.

۲۱. شیخ محمد اسمعیل بن شیخ مهدی از احفاد مرحوم اخوند ملا اسماعیل عقدائی وایت در ذکاوت و حفظ. تحصیل کرده در اصفهان گویند در اصفهان روزی ۲۰ درس میگفته تماما از حفظ بنقل موثق ادعا میکرده تمام فقه از حفظ دارم در ۷۵ سالگی سنة ۱۳۳۶ بواسطه وباء عمومی فوت کرد و در مقبره جد خود مدفون شد و در علوم متنوعه وارد بوده حکمت و ریاضیات و جعفر و اعداد و برای او بیدا شده بود خبط دماغ

۲۲. احمد بن محمد بن الیزدی الاصل المشهدی المسکن له بحور الجواهر فارسی فی اصول الدین تاریخ ختم الکتاب سنة ۱۲۸۲ مکتبة الوزیری و کتاب اصول العقائد ومختصرا هو کذلک وهو عندی موجود

۲۳. الحاج محمد ابراهیم الیزدی. اطلعت فی مکتبة الوزیری علی فوائد فقهیة و

واصوليه له وفيها صورة تصديق اجتهاده واجازة الرواية له من الشيخ مهدي بن
الشيخ علي بن الشيخ جعفر كاشف الغطاء بخطه ومهر سجعه (مهدی بن علی ١٢٢٦) واثنى
عليه ثناء جيدا منها عمدة المجتهدين وزبدة العلماء المحققين في سنة ١٢٨٢ ووصّى
ايضا بعض الاعيان بالترويج له واثنى عليه (راى صاحب الترجمه) ايضا منها قوله قدوة المجتهدين الاعلام
الجامع للمعقول والمنقول والحاوي للفروع والاصول في سنة ١٢٨٥

٢٤ آخوند ملا اسمعيل عقدائى ويقال محمد اسمعيل بن محمد ملك ابن اصلان خان
تبريزى جدّ شان بواسطه مخالفت با دولت بيزد منتقل شده اما صاحب الترجمه
رحل الى النجف الاشرف وقرء على بحر العلوم وشريف العلماء ثم رجع الى المشهد الرضاء
سنة ١٢٠٨ ثم جاء الى يزد واستوطن فيها الى ان مات سنة ١٢٣٠ على ما هو مكتوب على
لوح قبره ومقبرته بجنب مسجده وهو مملو من العلماء من بلدية وغيرهم . عمره بلغ
٥٢ سال على ما كتب بعض العلماء نقلا عن حفيده وناقلة الشيخ جعفر فما روى
من عمره بخلاف ذلك متروك . ثم اقول انه لا شك انه من نوادر الرجال ونوابغهم
من جهات شتى من الفهم والعلم والامر بالمعروف والنهي عن المنكر وغير ذلك
له حقائق الاصول في الوصول الى المأمول حاو لتمام ابواب الاصول متوسط في
التطويل . موجود في مكتبة آستان قدس ونسخة اخرى منه موجود ايضا . ومنها
معارج الاصول الى حقائق الاصول صنفه بعد الحقائق . موجود في مكتبة الوزيرى
اوله ساقط قليلا . تاريخ اتمامه سنة ١٢٢٤ متوسط في الاختصار . ومنها ست مجلدات

في الفقه

فی الفقه ذکره المورخ المعاصر آیتی فی تاریخ یزد (ره آتشکده یزدان) ومنها تحفة النجفیه
موجود فی مکتبة الوزیری شامل لابواب الطهارة والصلوة والزکوة والخمس والتجارة
وما یتعلق بها . فارسی وفی کل مسئلة اشار الی طریق طریق الاحتیاط . ومنها کفایة
العوام فارسی مختصر فی الطهارة والصلوة ومنها نور العارفین فی علم الکلام عربی رایت
اوله بخطه فی ضمن مجموعة بالمکتبة . ومنها لمعة السعادات فی الاداب والعادات
فارسی رایت اخر ورقة منه فی المکتبة ومنها منظومة فی علم المعانی . وهو مطبوع مختصر
ثم انه بنی المسجد الاعظم بیزد . له ایوان واسع مرتفع یشابه ایوان المدائن و
عمر مسجد محله شاه ابو القیوم وعمر مسجد مدرسة محسنیه (دومنار) والامار شارعا
قیل اثنی علیه الشیخ جعفر کاشف الغطاء ره لما جاء الی یزد ویصلی ویعظ الناس فی موضع
مسجده وکان مشغولا بعمارته . اثنی علیه علی رؤس الاشهاد حین وشی به بعض الحاسدین
ونقل کرامات منه خصوصا من قبره . ومن اثار الباقیة احداثه قناة ضیعته الموسومة
بنجف اباد المشهورة الیوم (بمزرعه اخوند) وهو واقع فی پیشکوه جید هوائه ثابت
مائه لا یتغیر کبیر واسع یسکنها زهاء ثلثماه نسمة . یقولون اری فی المنام زمن مجاورة
النجف موضع مزرعته وحفر قنوته ثم انه احدثه باسم النجف وعلی هذا سمیت
نجف اباد اصفهان . ومن برکات وجوده الشریف انه نشأ من بیته فقهاء اجلاء
وفضلاء ومنهم محمد تقی بن ابیطالب ابن اخته والفاضل الاردکانی والشیخ جعفر
نامقله حتی بقی الی الان . منهم الشیخ جلال الدین ابن الشیخ هادی واخوه الاکبر الشیخ
اسد الله

اسد الله وابنه وغيرهم . قيل ان بعض من له تعلق به بالسبب بصدد اثبات احواله واحفاده

٢٥ اسماعيل بن حسين بن اسماعيل بن ابراهيم ابن علی الطباطبائی اليزدی . الظاهر انه كان من تلامذة السيد محمد كاظم الطباطبائی اليزدی وكتب حاشية السيد على مكاسب الشيخ ره بخطه الفارسی الجيد تمامه سنه ١٣٠٩ مكتبة الوزيری

٢٦ الحاج ملا اسد الله هروی بن ملا حسن . پدر از جمله علماء بزرگ شیعه در هرات افغانستان بوده بواسطه منافرت با عامه بمشهد امده واز انجا بیزد . صاحب ترجمه از یزد بتهران رفته ودر حکمت زحمت فراوان کشیده ونیز در فقه تا از اساتید بزرگ حکمت بشمار امده ونام ایشان در بعض تراجم هست ودر مقام عرفان علم وعملی شامخ بوده ومتاهل نشده ودر مدرسه سلیمان خان مشهد مقدس رضوی منزل داشته وازاو کراماتی نقل میگردد که دال بر کمال ومقامات معنوی انجناب است عمر ایشان بین ٦٠ و ٧٠ سال بوده . فوت ایشان سنه ١٣٣٠ در مشهد مقدس

٢٧ میرزا ابوالحسن اللاری المنشأ الاصطهباناتی المادی صاحب کتاب تشریح الافلاک شیخ بهائی ره عربی . بنا بگفته خودش در یزد نزد ملا محمد هادی تحصیل کرده و استاد را نهایت تجلیل میکند . الاستاد الاعظم والستاد الافخم ... لازال نور هدایته ممدوده ونار ارشاده موقده سپس مشهد رفته خدمت مولانا عبد الرحمن شیخ الاسلام تحصیل کرده .

اقول در کتاب شخصیت شیخ انصاری وشاگردان او امده که میرزا ابوالحسن اصطهباناتی

در

دریزد نزد آ محمد جعفر کرمانی که نام او خواهد آمد درس خوانده ، ثم اقول وظاهرا
مراد از ملا محمد هادی همان ابن ملا مصطفی ترک باشد والله العالم .

۲۸ الحاج ملا احمد بن محمد حسین حسینی طزرجانی اشتغل بالعلم کبیرا عند حاج ملا
ابراهیم فی طزرجان ورحل الی النجف واقام سبع سنین وهو ذاحافظه ونظر وسلیقه
قویه فی الامور والعلوم ورجع الی وطنه وصار علما ومنارا لما جاوره من القری وبنی
مساجد ومصانع ، کان فی غایة النظافة ظاهرا وباطنا امرا بالمعروف ناهیا عن المنکر
خشنا فی ذات الله جهوری الصوت ، وربما یعظ الناس فی المسجد طیلة ثلاث
ساعات الی الاکثر حتی قیل ربما بلغ ست ساعات . مات ۱۳۷۵ سنة وعمره ۵۷ و
دفن فی حسینیة طزرجان وله اولاد علماء مشتغلون فیهم رجاء طویل انشاء الله
(طزرجان قریة جبلی علی رأس نحو ۴۰ کیلومتر بجنوب یزد علی سفح جبل جمیل -
هوائه فی الصیف

۲۹ میرزا محمد اسمعیل بن حاج سید مهدی از علماء مدرسیه وازشاگردان آمیرزا
محمد جعفر کرمانی ومتصدی رتق وفتق امور در یزد . تألیفاتی در فقه واصول داشته
وابتلی فی آخر عمره بالجذام اولادی از اهل علم ندارد

۳۰ . الحاج سید احمد بن سید حسین (معروف به نهنگ) بافقی پیرمردی بود
درکمال وقار وصلاح ساکن مشهد مقدس ومدرس معروف شرح لمعه . سالیان
دراز با جمعیت کثیری از طلاب ، وامام مسجد ملا هاشم واقع در بالا خیابان . گویند

وجه تلقبه به نهنگ آن بود که در زمان [illegible] الدوله شیرازی در خراسان علما را امتحان کرده و در موقع سؤال وجواب مرحوم سید حسین را به نهنگ تعبیر کرده

سهم

سهم امام علیه السلام مصرف نمیکرده واز مزرعه ملکی زوجه خود امرار معاش میکرده واز معاشرت

باظلمه وسوادداران انها از علماء وغیره برکنار بوده وبا ایة الله حاج آقا حسن بن ایة الله

العظمی حاج آقا حسین قمی که شاگرد ان مرحوم بوده مراوده خاص داشته این اواخر درسال ۱۳۹۲ بعد از عمر

هشتاد وشش سالگی درمشهد مرحوم شد ودر رواق بالای سر درحجره مدفون شد. ایشان

پسری داشته اند بنام سید جلال الدین خوشنویس از فضلاء ودانشمندان جوانمرگ

شده وفعلا اولادی از اهل علم دارد

۳۱ـ الشیخ ابیطالب بن میرزا محمد رضا کرمانشاهی من احفاد الشیخ الصدوق.

تلمذ فی یزد عند اخوند ملا حسین بن ابیطالب والسید یحیی الموسوی والحاج.

میرزا سید علی المدرسی، کان له ذهن وقاد. مات سنه ۱۳۲۴ وعمره ۴۲ تقریبا ودفن

بجوی هرهر له خلف من العلم والفضیله الحاج شیخ محمد الصدوقی وهو الان عین

علماء یزد

۳۲ـ الحاج سید اسمعیل بن السید محمد بن حاج میرزا جعفر اردکانی شاگرد حاج

محمد جعفر آبادهی واخوند ملا حسینعلی تویسرکانی وسپس دراردکان مرجع اهالی

وزینت محراب ومنبر بوده است وایشان دائی زاده فاضل اردکانی وازبیوتات

مهمه علم بوده. فوت ایشان درسنه ۱۳۱۷ تقریبا وسن ۷۳ سال ومدفن کربلای معلی

کتابهائی نوشته بفارسی وطبع شده است مانند ذخیرة المعاد ومجالس الواعظین

که درمواعظ ومراثی است وکتاب ابطال رد بهائیها واخوند ملا باقر فشارکی اصفهانی

بر

بر کتاب ابطال تقریظی مرقوم فرموده اند و در مقام توصیف مصنف نوشته نگاشته
وحید اهل زمان و فرید اهل اوان ملاذ و ملجأ اهل ایمان جامع علوم عقلیه و نقلیه
حائز مطالب اصلیه و فرعیه صاحب ملکه اجتهاد و مستحق استناد و ارشاد شمس
فلك فقاهت و روایت زین علماء حقه و فخر جماعت شریفه متفقهه العالم الربانی
والفاضل الصمدانی الحاج سید محمد اسمعیل الیزدی الاردکانی ادام الله ظله العالی
اقول والقلم باق فی بیته الی الآن

٣٣ - شیخ احمد از علماء اواخر قرن ١٣ و از رفقاء حاج ملا محمد باقر اردکانی له ولد
المسمی بالشیخ علی

٣٤ . الحاج شیخ احمد (علومی) بن آخوند ملا حسین بن حاج ملا محمد باقر
اردکانی کان جده و ابوه من رجال العلم فاشتغل فی الصباوه فلما ترعرع نفر الی
النجف مع اخ الاکبر الشیخ جلال و مکث ٨ سنین مکبا علی تحصیل العلم عند
النائینی والسید محمد الفیروزابادی والسید ابوالحسن الاصفهانی و میرزا آقا
اصطهباناتی فنال باخذ اجازة الاجتهاد ورجع الی یزد واشتغل بالبحث والمطالعة
والانس بالتفسیر والروایات کل ذلك ملازما للبیت للاقتضاء ظروف الزمان
وطاغیته فلما من الله علینا واکنه الله دار اح القوم خرج هو ایضا من البیت واشتغل
بالامامه فی جامع امیرچقماق ثم تصدی لامامة جامع برخوردار عشاء لصداقة قدیمة کانت
بینه وبین بانیه الوجیه الموفق المثراة الحاج محمد حسین برخوردار و درس فی

مدرس مدرسة الخان وكان يعظ الناس بجامع كبير ايام رمضان وراثة عن آبائه كان
ره مشعوفا بالعلم والمطالعة لايمله ولسيامه كثيرا لاهتمام بالتفسير وكان عصبيا
نغضبه مايخالف رأيه وربما يستنكف من دعوى الاجتهاد ومارقه الله التوفيق
الى اخر عمره . له كتاب المغنى عن المغنى اختصر فيها مغنى اللبيب قريب من النصف
الاصل ولم يطبع بعد وهو حقيق به وله مكتوبات في الفقه والادب : له على حق رحمة
الله عليه مات سنة ۱۳۹۲ وعمره ۷۳ ودفن فى بعض حجرات الصحن الكبير من امامزاده
جعفر له ولد من اهل العلم . الحاج شيخ محمد حسين وفقه الله وانه حكى لى ان روى فى
المنام ضجيع والده فى المدفن انه قال طاب حالى منذ دفن الحاج شيخ احمد المجتبى
ولا بدع فيه فانه من اهل علم غير محظوظ من الدنيا فانه كان فى كثير من عمره فى كفالة
اخيه الاكبر الشيخ جلال

۳۵ - ابوطالب يزدى مؤلف كتاب تذكرة خلاصة الافكار است . كتابخانه ملك تهران

۳۴ شيخ ابوالقاسم بن جعفر يزدى صاحب ثمرة الجنان عربى بخط مولف كتابخانه ملك

۳۷ سيد ابراهيم بن سيد محمد على مهريزى در اصفهان و عتبات درس خوانده و
بيزد امده و در مدرسه خان تدريس داشته باشاگردان زياد و با مرحوم آقاى ميرسيد على حائرى
اعلى الله مقامه در عتبات و يزد رفيق وانيس بوده بعد از فوت ايشان بفاصله
۳۲ دو روز صاحب ترجمه درگذشته وجنب قبر رفيق خود در امامزاده جعفر دفن شد
عمره ۴۳ يا ۴۵ اولاد او اهل علم نبوده اند

۳۸ سید ابو الحسن معروف بسیّد حیدری صد و پنجاه سال پیش بوده از اهل علم و منبر و فرزندی از اهل علم داشته اند بنام سید رضا نام او خواهد امد

۳۹ محمّد اسمعیل بن ملا حسن ملقب بصدر الشّریعه از مجتهدین و در اصفهان تحصیل کرده از شاگردان آقا نجفی . موقعی که آقا نجفی بمشهد مشرف میشدند با ایشان هم کجاوه بوده سالها امام جماعت مسجد ندوشن بودند

۴۰ آقای سیّد احمد ابرقوئی یزدی پس از تحصیل مقدمات در سنه ۱۳۰۸ بیزد امده و مدت شش سال مشغول تحصیل بوده و سپس در نجف از محضر آیة اللّه آسیّد محمّد کاظم یزدی استفاده کرده و مورد توجه و علاقه ایشان بوده و بعد از دوازده سال توقف به ابرقو برگشته و مدّت پنج سال در ابرقو بتدریس و ترویج مشغول بوده و در سال ۱۳۳۱ که در وصیت نامه به سنة الغفران یاد میکند بعزم تشرف بیت اللّه حرکت و پس از شش ماه توقف در نجف در سال ۱۳۳۲ داعی حق را لبیک. فقید سعید علاوه بر مقام شامخ علمی دارای قریحه سرشاری بوده که دیوان اشعارش شاهد صدق بر مدعا است

اقول اینها را از روی مقدمه کتاب هدایة الاحمدیه صاحب ترجمه که پسر برادرش سیّد محمّد قیومی ابرقوئی که از وعاظ بود و مرحوم شد یادداشت کرده استنساخ شد اما کتاب هدایة الاحمدیه . صاحب ترجمه را کتابی است بفارسی شامل مباحثه و محاوره مصنوعی . با طبیعی - دهری یهود - نصاری - متصوفه - بابیه - بهائیه - شیخیه و

بیك

یک رؤیای تلخ در پاریس میباشد. جلد اول این کتاب در یزد چاپ شده بهمت پسر
برادرش و در احوال نوشته امید وارم توفیق رفیقم گردد تا دراتیه نزدیکی بتوانم -
جلد دوم را که شامل مباحثه با صوفیه - بابیه - بهائیه است تقدیم برادران گرامی نمایم

۴۱ ملا ابوتراب بن ملا محمد بن ملا علی از علماء زارچ یزد لیسرالتهی هم از اهل علم
بوده اند. در مدرسه خان تدریس داشته و روزهای پنجشنبه زارچ میرفته و
شنبه مراجعت میکرده و اولادی هم از اهل علم داشته وفات او سال
و در مقبره اخوند کرباسی جنب اخوند ملا علی اکبر زارچی مدفون

۴۲ شیخ محمد ابراهیم الیزدی الکرد فرامرزی الحائری النجفی ابن اخوند ملا علیرضا
ولد سنه ۱۲۷۰ وتوفی سنه ۱۳۳۰ وعلی روایة فی النجف. فخر المحققین وزین المجتهدین
تلمذ عند الحاج میرزا محمد حسین الشهرستانی بکربلا وفی النجف عند الایروانی و
الرشتی والسید محمد کاظم الیزدی وکان من اعظم المدرسین فی النجف فی السطوح.
له تصانیف فی الفقه والاصول. منها حاشیة علی الرسائل من تقریرات استاده
الیزدی فیا للاسف من فقدانه وقال استاده السید کاظم یوم وفاته الان انکسر ظهری
وقلت حیلتی.

۴۳ السید ابوالحسن بن حاج میرزا علیرضا بن حاج میرزا زین العابدین از علماء
مدرسته و تحصیل کرده نجف و سالیانی در یزد بامر تدریس ورتق وفتق امور
مشغول و ظاهرا از مرحوم آسید محمد کاظم اجازه اجتهاد داشته اند و در قضیه
بابی

بابی کشتی یزد سنه ۱۳۲۲ سهیم بوده اند و بالاماد دشان سید ابراهیم امام جمعه بشهربابک تبعید شدند چندماهی. اولادی از اهل علم ندارند

حرف الباء

۴۴ محمد باقر بن مولی زین العابدین الیزدی صاحب عیون الحساب (موجود بمکتبة ملک بتهران علی ماقیل) الذی لم یکتب مثله فی هذا الباب. من مشایخ شیخنا البهائی ذکره فی الروضات.

۴۵ احمد بن الحسن البیرجندی الاصل یزدی المسکن صاحب کتاب حجج الحقائق فارسی در شرح احوال ائمه معصومین علیهم السلام. انچه دیده ام مجلد دهم ویازدهم و دوازدهم وسیزدهم در یک جلد در شرح احوال امام رضا تا امام حسن عسکری علیهم السلام سال تألیف سنه ۱۲۸۰ وبخط سلسته محمد باقر التفتی الیزدی فی المشهد الرضوی سنه ۱۲۸۷ نوشته شده، کتابخانه وزیری.

۴۶ میرزا محمد باقر الشریف الاردکانی بن حاج میرزا علیرضا بن حاج محمد ابراهیم. پدرش از علماء بزرگ. ونام او خواهد امد. تبحر انجناب درعلوم ادبیات فوق العاده. وایشان صاحب جامع الشواهد معروف است که مکرر چاپ شده و در تمام شهرهای ایران از قدیم الایام مورد استفاده طلاب بوده وهست وایشان را بیشتر بحیرت میاندازد انچه درمقدمه ان نوشته که اول جامع الشواهد کبری نوشته که از شصت کتاب ادب اشعار انرا جمع اوری کرده وبمناسبت تمام قصید

را

راذکر کرده (فرموده) باوجود آنکه الان بافراوانی کتاب ودامنه صنعت چاپ کسی در یزد نیست که مدارک اصیل این قصائد را نشان دهد بلکه مدارک همین جامع الشواهد در دست. افسوس که بر علمی از علوم دینی ومقدمات آن رو بتنزل رفته خصوصا ادبیات الان کسی (دیگر) نیست در یزد که بادب معروف باشد ودر او استاد یافت نمیشود.

سپس بدانکه جامع الشواهد کبری امرحوم هم در دست نیست وشاید ازبین رفته باشد وبرای او میباشد کتاب کلام الملوك در مواعظ ٣٦٠ مجلس بعدد ایام سال ودر مدرسه جنب مسجد ملااسمعیل که ساخته پدرش میباشد بعد از پدر تدریس میکرده وسپس امر تدریس منتقل شده بپسرش مرحوم میرزا محمد جعفر که از علماء ووعاظ ومفسرین بوده ودر مسجد ملااسماعیل هم مانند پدرش امامت داشته قبر پسرش در بقعه اخوند ملااسماعیل وتاریخ وفات میرزا محمد جعفر ١٣٢٦ بوده است وخود صاحب ترجمه از معاصرین صاحب جواهر علیه الرحمه است وسن ایشان وپدرشان وپسرشان هریك اندکی از هفتاد بیشتر بوده فرزند مرحوم میرزا محمد جعفر مرحوم حاج میرزا علی بود ایشان را دیدیم از اهل محراب ومنبر وبموته انقرض العلم من بیت جده انا لله وانا الیه راجعون.

٤٧٠ حاج بابا قزوینی بن محمد اسماعیل شرح حال پدر در سابق گذشت که از علماء یهود بوده واسلام اختیار کرده مانند اسلاف پاك خود مانند عبدالله بن سلام وغیره صاحب ترجمه از نتیجه زحمات پدر وخودش موفق شده کتاب

محضر

محضر الشهود فی ردّ الیهود بنویسید ازمطالعه این کتاب قدرت علمی او استفاده میشود این کتاب در سنه ۱۲۱۱ نوشته و دراخر ان صورت مجالس مباحثه میان او وعلماء یهود در یزد میباشد که بامر محمد تقی خان حاکم یزد ترتیب داده شده و اقرار واعتراف بحقانیت دین اسلام ازان علماء یهود مذکور است. بعد از وقوع این قضایا وافحام ملا های یهود علماء یهود در اطراف واکناف برصاحب کتاب ومرحوم پدرش تاختند وافتراها بستند لذا مجبور میشود صاحب ترجمه که کاملا پرده ازروی کارانها بردارد لذا رساله ای بکتاب خود الحاق میکند و فضائح یهود برملا میکند.

این رساله الحاقی در نزد من موجود ودر کتابخانه وزیری وکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز موجود است، الحاصل اصل کتاب محضر الشهود را جناب اقای وزیری صاحب ومؤسس کتابخانه وزیری (که امروز که روز دوشنبه ۶ جمادی الاولی سنه ۱۳۹۷ می باشد روز دوم فوت ان مرد بزرگ میباشد) بهمت ان مرد در نجف اشرف بطبع رسید (چون دراین زمان نکبت بار چاپ کردن ان درایران ممکن نبود بلکه ان مرحوم بمن فرمود برای ازمایش دستور دادم ده جلد انرا با پست بفرستند ولی دربین راه ضبط شد وبدست من نرسید.

اقول این موضوع وامثال ان بسیار است مارا بیاد لذارشات منقوله درمقدمات کتاب پرتوکلات حکماء صهیون ومنقوله درکتاب الدنیا ملعبة الیهود آیة الله

اقای

آقای حاج سید محمد شیرازی بن مرحوم آیة الله امیرزا مهدی شیرازی کربلائی می اندازد اللهم انصرنا علی القوم الکافرین . خلاصه این پدر و این پسر از حجج الهیه اند بر یهود نبود بلکه مسیحیین و شاید همین سبب شده باشد که چند سال بعد زمان ناصر الدین شاه میرزا محمد رضا جدید الاسلام تهرانی لبشرف اسلام مشرف و کتاب اقامة الشهود فی رد الیهود نوشت و ترجمه ان طبع شده ، و باید دانست که اسم کتاب محضر الشهود در کتاب مفتاح النبوه تصنیف حاج آقا رضا همدانی حاج حبّ آقا رضا همدانی صاحب هدیة النملة الی مرجع الملة که بسیار کتاب نافعی است در چند مورد امده و هم چنین در کتاب سیف الامة مرحوم نراقی که برد و مطبوع است و از برکات این خانواده آنست که در اعقاب یعنی اسباط ایشان علماء و فضلاء و دانشمندانی برخاسته اند مانند صدر الفضلاء اردکانی که از اعیان ممتاز اردکان بوده اند و مجد العلماء و فرزندش حاج شیخ محمود فرساد که نام بریک از این دو خواهد امد انشاء الله

۴۸ مولی محمد باقر یزدی فرزند مولی محمد یزدی از اجله علماء و از شاگردان شیخ انصاری و مجدد شیرازی در نجف اشرف . و پدرش از اهل علم و فضل و از معاصرین شیخ بوده و وجوه شرعیه را باو ارجاع می نموده ، کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری اقول درباره شیخ مهدی بن ملا باقر بن ملا محمد خواهد امد چیزیکه ارتباط دارد با این شخص

۴۹ محمد باقر بن اسد الله یزدی صاحب تذکرة الولی (ای محمد ولی میرزا) فی معرفة

سنة

حرف الباء

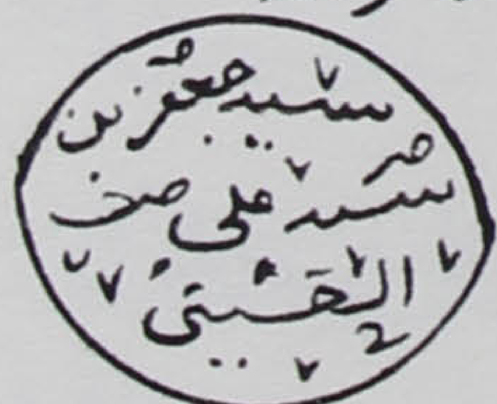
سنة النبی ص در فضیلت نماز جماعت با مر شاهزاده ولی میرزا نوشته در کتابخانه وزیری موجود است و من در مقدمه چیزی از او نقل کردم

۵۰ ملا محمد باقر ندوشنی از شاگردان مرحوم آقا نجفی اصفهانی و مجتهد بودند و تقریرات استاد خود را نوشته بودند و در ندوشن فوت کردند کذا قیل.

۵۱ محمد باقر بن محمد حسین بفروئی یزدی (بفروا از دهات بلوک رستاق یزد است) صاحب ترجمه رساله فارسی دارد در شرائط صیغه نکاح، کتابخانه وزیری

۵۲ الشیخ بخشعلی الیزدی الحائری المتوفی سنه ۱۳۲۰ شارح عینیه السید اسماعیل الحمیری ذکره صاحب الغدیر.

۵۳ الحاج ملا محمد باقر بن محمد رضا بن حاج عبد القادر، ابوه کان تاجرا باردکان ثم المترجم صاحب لترجمة بتحصیل العلم واشتغل فی اردکان عند اهل العلم منهم الشیخ الفقیه المعظم محمد رضا بن عبد الله ثم رحل الی اصفهان وحضر بحث الکلباسی وصدقه بالاجتهاد واجازه بالروایة بعض العلماء عن غیر واحد من الفضلاء المعتمدین من سیدنا ومولانا الحاج سید محمد باقر الرشتی تاریخ الاجازه سنه ۱۲۶۱ وسجع مهره علی ما قرئته سید جعفر بن سید علی الحسینی



کان المولی المترجم ممدوحا عند اکابر العلماء، سید القاطنین باصفهان وقد رایت مدیحا لهم بابلغ ثناء ثم رجع الی اردکان واشتغل بامور الناس زمانا قلیلا فصادف الموانع فخرج مهاجرا الی یزد علی حین غفلة من اهل اردکان وتوطن فی یزد فی دار یسکنها

حرف الباء

یسکنها الان احفاده ولبس الدار بواسع بل بمساحة کله لم یتجاوز ۲۰ مترا ثم ان
فی یزد اشتغل بالقضاوه وربما نمز فی قضاوته بعض العلماء لعدم ملکة الاجتهاد و
کثر المحاورة وانعقد لذلک مجلس من علماء یزد (ولم یحضر میرزا محمد رضا الکرمانشاهی من اکابر علماء یزد وکان صدیقا له ووصیا فی زمان نفیه الی کرمان)
وغالب الاقران باطائب کلام ولطائف حیل ثم استمر هذه الخصومة الی ان نفی من بلدة
یزد الی کرمان باتهام تمایله الی الطائفة الضالة البهائیه. واتصل هناک بوالی کرمان
واظهر برائة نفسه فاستدعی الوالی منه الدعاء لشفاء ابنه وقد کان اعیته الحیلة و
انقطعت له الوسیلة عن برئه فشفاه الله فشهد الوالی ببرائته عند السلطان فرجع
الی یزد مع اجلال واکرام وعند ذلک علا امره واشتغل بالقضاوة والتدریس
حتی ان القاری یقرء امامه اذا رکب کما یحکی ذلک عن الحاج السید محمد باقر الرشتی
کان فی غایة الفطانة وله اطائب کلام یضحک منه الثکلی وهو رحمه الله یعظ الناس ایام
الصیام بمسجد جامع کبیر وکان فی غایة الاجلال وله خدم وحشم ولم یتصد للامامة
کما هو شأن اکابر علماء یزد وعمره تجاوز عن السبعین وصار الی جوار الله سنه ۱۳۰۱ ودفن
بمقبرة جوی هرهر وعلی قبره حجر ابیض وقد اهدم السیل ما حوله الا قبره ونشأ من
بیته علماء سیأتی ذکر بعضهم.





۶۴ - ملا محمد باقر بن اخوند ملا صادق ساکن ندوشن تحصیل کرده نجف از مجتهدین
بزرگ. کتیبه مسجد جامع ندوشن بخط ایشان است تاریخ آن ۱۲۴۰ سنه. در
زیلد

حرف الیاء والتاء

زهد و ثروت بحد اعلا بودند لذا قیل. اخوند ملا باقر تند وشتی از شاگردان مهم

آقا نجفی اصفهانی و مجتهد و صاحب تقریرات درس استاد. در تندوشتی فوت کردند.

حرف پاء فارسی

۵۵ ملا پادشاه بیابانکی یزدی. صاحب روضات الجنات در شرح احوال قاضی عضد الیجی اسم او را آورده که با قاضی عضد بحث کرده و او نیز نقل کرده از مجالس المؤمنین

حرف التاء

۵۶ شیخ تقی الدین دادا محمد یزدی از مشاهیر عرفا است و شرح احوال او در تاریخ جدید یزد نوشته و از قدیم الایام در یزد محله ای بنام او میباشد و دران محله مقبره و گنبد قدیمی او میباشد و دران بقعه قبوری بسیاری از عرفا و بعض علماء میباشد وفات او در سال هفتصد ۷۰۰ واقع شده هم چنانکه بر سنگ قبر الان منقور است و سنگ هم خیلی قدیمی بنظر میاید در مجمل فصیحی هم تاریخ وفات ۷۰۰ است و این مقبره دارای موقوفات بسیار بوده و دارای متولیات ابرومندی هم بوده و از جمله قبور واقع در مقبره شیخ داد در بالای سر بفاصله ۱/۵ متر تقریبا قبری است که در پائین پای ان با کاشی منقوش است شیخ الاسلام اعظم تقی المله والدین دادا محمد نور مرقدهما (شاید اشاره بقبر شیخ داد بزرگ و این مرحوم با وفات سنه ۸۶۴ تلبیه. برای شیخ داد در تاریخ جدید یزد اوصافی و کراماتی نقل میکنند کما اینکه برای عرفا و مشایخ نوعا اینگونه نقلیات فراوان است و چون اصلا اصولا این معانی

معانی وادعاها نوعا اختلاق است وبعید است که یکدفعه برای اینها این همه علم وکرامات پیدا شود وعلاوه مذهب انها معلوم نیست وظاهرا غلبه در ان زمانها در یزد واصفهان که مرکز نشو ونمای شیخ ادبوده اهل سنت بوده اند لذا صرف نظر میکنیم وبیلویم العلم عند الله.

۵۷ میرزا محمد تقی بن ملا محمد باقر پدر ایشان از اهل علم واز اهل مهریز یزد وجدشان زردشتی بوده ومسلمان شده، صاحب ترجمه شاگرد صاحب جواهر ره ورفیق مرحوم حاج ملا علی کنی تهرانی میباشد واز مجتهدین بزرگ وامام مسجد جامع امیر چقماق باجمعیت انبوه وفراوان، ومدرس در مدرس مدرسه خان که حق اعلم اهل بلد است وامر بمعروف وناهی از منکر بودند ودر بعض امور منافرتی با مرحوم ا محمد جعفر کرمانی داشتند که نام ایشان خواهد امد. نقل میشود مرحوم شیخ انصاری ره نامه ای بیزد بجهت اصلاح ذات البین مرقوم فرموده اند. وفات صاحب ترجمه سنه ۱۳۰۸

۵۸ الشیخ محمد تقی بن الشیخ محمد حسن السبزواری. من کبار علماء یزد واماما لجامع امیر چقماق وله مراودة مع الامراء ومنافرة مع بعض ابناء جلدته ثم انه صاهر المدرسیة ونال بذلک شرفا وارتحل الی دار البقاء سنه ۱۳۱۷ وقبره بجوی هرهر وخلف اولادا اکبرهم الشیخ اسد الله وقد مضی والاخر الشیخ حسن وهو کان ملا من اهل العلم ساکنا بقریة بفرو.

۵۹ شیخ محمد تقی بافقی یزدی بن حاج محمد باقر تاجر. مختصر شرح احوال بر سالفه
و

حرف التّاء .

و پر ماجرای ایشان از روی کتاب التقوی وما ادریك ما التقوی که در شرح احوال ایشان

است و اکنون جلوی روی من نهاده شده مینگارم ، و کتاب مزبور تألیف عالم خبیر

آقای شیخ محمّد رازی میباشد که از ارادتمندان و ثنا نوسین بانجناب بوده و دارای کتاب

هائی است در شرح احوال علماء در یزد ،

در سال ۱۲۹۲ متولد و در عنفوان جوانی بیزد امده و در مدرسه مصلّی خدمت میرزا

سیّد علی مدرس تا قوانین خوانده و بعد با پای پیاده بمشهد و در سنه ۱۳۲۰ بنجف مشرف

و تا فتنه مشروطه خدامت کاظمان فاضلان تلمذ میکرده سپس از انها کناره و بخدمت

عالم پرمعنی سیّد احمد کربلائی پرداخته و با اوتاد نجف امیزش داشته و از سیّد

حسن صدر و سیّد محمود مرعشی نجفی نسابه اجازه روایتی داشته سال ۳۷ بقم امده

برای اقامت ، چون وصف قم را از اخبار دیده بوده است و بالاخره باصرار ایشان

و دیگران مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از اراك بقم امدند و بهمت حاج

شیخ محمّد تقی حوزه علمیه تأسیس شد و کمکهای ظاهری و باطنی از مرحوم صاحب ترجمه

برای حاج شیخ عبدالکریم راجع به تشیید حوزه علمیه و رسانیدن شهریه طلاب بظهور

پیوسته و مسجد جمکران را اباد و دایر کرده و در امر بمعروف و نهی از منکر سعی بلیغ

داشته . حکایت است که روزی برای استحمام بحمام رفته مردی را می بیند که ریش

می تراشد او را نهی مینماید اتفاقا طرف سرهنگ ارتشی بوده بی محابا سیلی بصورت

ایشان میزند ، مرحوم حاج شیخ بدون تأمل طرف دیگر صورت را پیش اورده میگوید

یکی

یکی هم اینطرف بزن و دیگر ریش متراش ان سرهنگ متعجب شده بخود میاید واز دلاک حمام معرفی میخواهد. سرهنگ پس از شناسائی عذرخواهی میکند و بدست ایشان توبه می کند و تا اخر عمر دیگر پیرامون این عمل نگشته

داستان ایشان با رضاشاه

حاج شیخ محمد تقی بافقی مفسر تقوی و یگانه رادمرد و ابوذر وقت بود چون دید پیوسته بد حتما ظاهر و نوامیس الهی هتک میشود چند مرتبه برای شاه کاغذ نوشته و در اخرین مرتبه سوره التکاثر را نوشت و برای شاه فرستاد

روبرو شدن حاج شیخ و شاه

در نوروز سنه ۱۰۳۶ شمسی مطابق سنه ۴۶ قمری خانواده سلطنتی امده بودند برای تحویل سال بقم و در غرفه ایوان ائینه صحن بزرگ بی حجاب نشسته بودند و این پیش از قانون کشف حجاب عمومی بوده چون این خبر بحاج شیخ رسیده پیغام فرستاد مگر شما مسلمان نیستید و نهی از منکر کرد فوری خبر بتهران رسید و شخص شاه و تیمورتاش وزیر دربار و جمعی از ارتش بقم امده و صحن را محاصره و حکومت نظامی اعلان و اخوند را که در مسجد بالای سر بود دستگیر و بتهران در ایوان حضرت معصومه شخصا - رضا شاه باو توهین وارد کرد و ضرب و شتم و بتهران تبعید و زندانی شد اما از غذای زندان نخورد تا از رمق و حس افتاد سپس خداوند فرجی مقرر فرمود و از خارج غذای بایشان رسید چهار ماه زندانی بودند و بعد تحت نظر در شهرری یعنی شاه عبدالعظیم

و

وبعد از مدتی ازادو بترویج دین وتعمیر مساجد ومقابر مشغول وبامر معروف ونهی ازمنکر

می پرداخت ودراثناء نهضت حضرت ایة الله حاج آقا حسین قمی مرحوم برای جلوگیری از

کشف حجاب که ازمشهد بشاه عبد العظیم امدند وازانجا تبعید بکربلای معلا

شدند. جناب صاحب ترجمه راسکته عارض شده بود واین درسال ۱۳۵۴ بود وان

مرحوم ازعدم قدرت برمساعدت دراین امر تاسف میخورده.

ازایشان پیش بینی هائی نقل شده ازانهاست رفتن رضاشاه وقضایای شهریور

۱۳۲۰ سنه شمسی وبعد ازقضایای شهریور بنابنذری که کرده بود مشرف بکربلای معلا شد

باحالت ضعف ومرض وبنابر نذرحدود ده ماه توقف کرد سپس مراجعت بشتر

ری ودرانجا بستری بود ودرسنه ۱۳۶۵ بدرود حیات گفت ودرجوار حضرت معصومه ع

درقم مدفون شد جنب مرحوم ایة الله حائری رحمة الله علیهما.

مرحوم بافتی مردی بود تنومند وقوی وزاهد وغیراز لباس وطنی مثل کرباس وقدک

(نوع پارچه ای بوده) چیزدیگری نمی پوشید ازقند وشکر امروزی مصرف نمیکرد و

دیگران راازکشیدن دود منع میکرد. گویا خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

رسیده احالا ارادت مفرطی بان ساحت مقدس داشت ازسامرا تابغداد و

ازبغداد تاکربلا کمتر از۳ روز پیاده می پیموده. ونیز ازصبح تاعصر ازنجف تاکربلا

عادت داشته میرفته. وشب جمعه را زیارت میکرده صبح باز پیاده برمیگشته

بنجف الی غیر ذلك.

اقول

حرف التّاء

اخوی مرحوم بافقی در اوائل جوانی هم در یزد مشغول امر بمعروف بوده نقلست که دران زمان دکتر وایت (White) انگلیسی که رئیس مریضخانه (مُرسَلین) در یزد بود سوار بر اسب شده از یک درب مُصَلّی وارد میشود تا از درب دیگر خارج شود کسی اورا متذکر میشود که پیاده شو اینجا مکان مقدّس است اعتنا نمیکند آشیخ محمّد تقی وجمعی از طلّاب اورا از اسب پائین کشید کتک میزنند. فحینئذٍ وقعت الطامة الکبری ونزدیک بوده که طلاب مورد توهین واقع شوند ولی بالاخره بمصلحا بمصالحه برگذار شده . شرح این گذارش در کتاب کشف الحقائق تألیف نواب وکیل که در کتابخانه وزیری موجود است مذکور میباشد.

اخوی مرحوم صاحب ترجمه حاج ملّا اسد الله از اهل علم وصلاح وزهد ودر بافق بامامت اشتغال داشتند واز خانواده ایشان کسی از اهل علم نیست علی ما اعلم.

۶۰ شیخ محمّد تقی بن ابیطالب بن علی یزدی اردکانی ساکن محلّه فهادان (یوزداران) دارای مسند قضاوت واز علماء بزرگ بودند. حتی آنکه از یهود جزیه میگرفته. ایشان خواهرزاده مرحوم آخوند ملّا اسمعیل عقدائی وهمو هم استاد فاضل اردکانی است ودر سال ۱۲۵۸ که حسب الامر حاج میرزا آقاسی صدراعظم وقت غالب علماء ایران بپایتخت خوانده شده بودند اورا هم آوردند وظاهرا چندی هم زندان وزیر نظر بوده سرانجام مدرسه فخریه تهران را باد واگذار کردند وتا آخر عمر دران مدرسه تدریس میکرده . وله الروایه عن حجة الاسلام الرشتی وله کتاب مغتنم الایام فی

مستند

حرف التاء

مستند الاحکام دراصول فقه. رجوع شود بفهرست کتابخانه رضوی مشهد

اقول ورساله ای درلاضرر ورساله ای فی حجیة الظن فی الفروع دون الاصول از

ایشان درضمن مجموعه ای درکتابخانه وزیری هست که اول آن مجموعه وافیه فاضل

تونی است ورسائل آقای بهبهانی وغیره بخط عبدالخالق بن عبدالرحیم یزدی.

۶۱ میرزا محمد تقی اردکانی پسر مرحوم محمد باقر الشریف بن علیرضا مولف جامع الشواهد

ازشاگردان صاحب جواهر ورساله عملیه اش چاپ وتردیك وفات ملاعلی کنی

سنه ۱۳۰۶ وفات یافت. ازریحانة الادب. ودرکتاب زندگانی شیخ انصاری هم

اسم او هست وبا این اختلاف دارد.

۶۲ محمد تقی بن علی العقدائی المشهور بالفاضل العقدائی. من من الله تعالی ان

ظفرنا بکتاب فی الاصول المسمی بقواعد الاصول فی الوصول الی الاصول فی المکتبة الوزیری

مسوده بخط المصنف ره قد ضاع اوله والموجود فی الواجب التخییری واخره فی

مباحث السنة وقد صنفه فی سنه ۱۲۴۰ وکتابه هذا یدل علی کمال قوته فی الاستنباط

وله کتاب اخری فی اصول الفقه کتبه لمحمد ولی میرزا موجود فی مکتبة الوزیری وفی

مکتبة سرتزدی متوسط فی الطول اسمه خلاصة الاصول. واسم صاحب الترجمه مذکور

فی تاریخ خان فی جملة من صنف الکتاب فی امارة الامیر شاهزاده محمد ولیمیرزا.

۶۳ محمد تقی بن محمد باقر الشریف بن علی عبدالرشید الیزدی علی مانسب نفسه.

له رساله فی الاصول الدین مطبوع ورساله فی مسائل الفروع قال علی رای استاد الکل

مکتبة وزیری

الشیخ

الشيخ مرتضى الانصارى ادام الله ظله العالى تمت الرسالة سنة ۱۲۷۷ وهو غير ما تقدم ۶۱ لمغايرة النسب .

حرف الجيم

۶۴ . حاج ملا محمد جواد از علماء یزد و در ردیف زهاد و عدول بشمار میآمده و مدرس بوده و در مسجد سبیخداد امامت داشته در سنه ۱۳۲۹ برحمت ایزدی ملحق و در بقعه سبیخداد مدفون رحمة الله علیه .

۶۵ شیخ جعفر کاشف الغطاء . مصادف با فوت محمد تقی خان حاکم معتمد و مدین یزد سنه ۱۲۱۳ جناب شیخ در یزد تشریف داشتند و در مجلس فاتحه او حضور بهم رسانیده و دو فقره فاتحه برای او انشاء فرموده اند که در تاریخ عزیز خان مذکور است و در روضات الجنات مذکور است که میرزا سلیمان طباطبائی در خدمت شیخ زمانی که در یزد بودند تلمذ کرده پس معلوم میشود اقلا چند ماهی بلکه بیشتر در یزد تشریف داشتند و منبر هم میرفتند .

۶۶ الشیخ جعفر بن محمد بن اخوند ملا اسماعیل عقد انى تطابقت الاقوال على فقهه و عدالته و حفظه دعلى ورعه وكان يجيب لسلام بعليكم السلام ولذا اشتهر به . كان خريج حوزة نجف فانه اقام هناك ۸ سنين فى طلب العلم ورجع الى يزد سنة ۱۲۸۶ وكان مدرسا فى المدرسة الشفيعية وامّ القوم فى جامع سرريك بجماعة قليلة النظير فى الكثرة و كان يعتاد سواك اسنانه وقد جاوز الثمانين وصار الى جوار رحمة الله سنة ۱۳۲۸ فى قصبة تفت

تقت ودفن في بقعة جده اخوند ملا اسماعيل وقام مقامه الحاج شيخ غلام رضا وسيأتي ذكره وناقلة الشيخ احمد بن محمد قد مضى ذكره .

٦٧ الشيخ جعفر بن الشيخ محمد حسن السبزواري اخو الشيخ محمد تقي وقد مضى ذكره — له هواية بالرياسة والتقدم والاتصال بالحكام كابيه واخيه وابن اخيه ولا يبالي بما فعل حكم السيد محمد كاظم اليزدي والحاج ميرزا حبيب الله الرشتي بفسقه وكذلك الشيخ محمد كاظم الخراساني انفذ الحكم وكذلك كثير من علماء يزد ومع ذلك كله كان رجلا بذولا مقيما لعزاء سيد الشهداء ارواح العالمين له الفداء مات سـ ـنه ودفن بجوى هرهر وله حكايات مع ابناء جنسه ومناضله مذكور بعضها في كتاب كشف الحقائق الخطي الموجود بمكتبة الوزيري سامحه الله وايانا وجميع المؤمنين والمؤمنات برحمته الواسعة امين امين امين يارب العالمين .

٦٨ اخوند ملا محمد جعفر كرباسي از علماء واوتاد وابدال وسالك الى الله وصاحب كشف وكرامات بوده گويند مردي متهم بقتل شده بود وترد حاكم ثابت وحال انكه در واقع بري بوده . در اخرين وهله كه مهياى دار زدن بوده من را بخدمت اخوند كرباسي ببريد واز ايشان التماس دعا ميكنند جناب اخوند ميفرمايد خدا ترا بيامرزد . بمجرد گفتن اين كلمه قاتل اصلي خود را معرفي ميكند ومتهم از مهلكه قتل نجات پيدا ميكند وقتي سرانرا ازجناب اخوند سؤال ميكنند ميگويد باوجود برائت متهم لابد گناهي سبب اين مهلكه شده بوده من دعا كردم خداوند اورا بيامرزد

تا رفع این مهلکه بگردد. دیگر از این حکایات بسیار دارد. علی الظاهر کتابی هم دارد که
ان الان در خاطرم ندارم نیست. مسجد کوچکی در محله شاه ابوالقاسم است میگویند
محل نمازش بوده. مشهور است بمسجد اخوند کرباسی

مزار ایشان در جوی هرهرو از مشاهیر بقاع یزد است و اطراف ان جماعتی از علماء و
او تا دم مدفونند والان اثار بسیاری از انها محو شده. بر قبر او سنگی است که بس
مات سنه ۱۱۵۰ مرحوم حسینعلی عراقی که از ثروتمندان یزد بود بر سر قبر او عماراتی بنا کرد

۶۹ شیخ میرزا محمد جعفر کرمانی ابن محمد ابراهیم. مشار الیه چون داماد یکی از بزرگان
کرمان شد، بکرمانی مشهور شد، است وگرنه یزدی الاصل بوده. بعلاوه نزد
حاج احمد کرمانی که از علماء بوده نیز تحصیل کرده است. وی از متبحرین علماء
امامیه و از فضلاء شاگردان شیخ انصاری میباشد و ریاست مذهبی یزد در ان عصر
بدو تفویض گردید. و شاگردانی چون میرزا سید علی حائری کبیر و مولی محمد حسن
بن طالب و میر سید علی مدرس کبیر و میرزا ابوالحسن اصطهباناتی و ماننند
انها تربیت کرده و مولفاتی در فقه و اصول نیز نوشته بعد از سنه ۱۳۰۰ دار فانی
را وداع گفته. فرزندی از بزرگان اهل علم داشته بنام حاج محمد حسن معروف بحاج
میرزا آقا. قبر مشار الیه حوالی قبر اخوند کرباسی و سنگی داشته سابقا و در مصلی در س
میگفتند.

۷۰ شیخ محمد جواد یزدی که شعشعة الحسینیه اطلاعات متفرقه.

محمد جعفر بن محمد اسمعیل رساله در تجوید دارد فارسی کتابخانه وزیری

محمد

حرف الجیم

۷۱ محمد جعفر العقدائی الیزدی الشهیر بالواعظ . له تذکرة العارفین که مجموعه الیست در موعظ و مقتل بعنوان محفل فارسی تاریخ اتمام ان ۱۳۳۸ سنه و رساله مختصری دیگری دارد در جمع اخبار که دال بر حسن حال محمد بن حنفیه دارد . کتابخانه وزیری

۷۲ محمد جعفر لغوی بن محمد حسین ندوشنی الاصل یزدی المسکن . صاحب دو جلد کتاب عربی بفارسی یک جامع اللغات عدد ابیات ان بنا بر انچه لیست کتاب نوشته بود یکصد و بلیست و بیفت بزار و سیصد ط ۱۲۷۳۰ وله ایضا معانی الالفاظ العربیه عربی بفارسی تمامه سنه ۱۲۸۵ کتابخانه وزیری . جد مادری قوام الشعراء یزدی

۷۳ شیخ جواد لغروئی بن شیخ محمد علی بن حاج کاظم از شاگردان و فضلا تلامذه مرحوم ایة الدحاج شیخ عبدالکریم و رفیق بحث با مرحوم اسید یحیی مدرسی و اسید محمد محقق داماد که بر دو نامشان در این فهرست موجود است . مدت سی سال در یزد و قم تحصیل کرده و در چهل سالگی در لغرو مرحوم شدند .

۷۴ حاج میرزا محمد جعفر الاردکانی الحسینی از علماء و از بیت او علماء بسیار برخاسته اند منهم سید حسن او میر حسن که در نجف تحصیل کرده و باردکان امده و مورد اهانت از اکابر مجرمیها از اهل ردکان واقع شده و بنجف عودت و در ۱۳۴۲ سنه همانجا فوت شده و کذلک اخوه السید حسن .

۷۵ شیخ جلال الدین بن اخوند ملا حسین بن حاج ملا باقر کان ابوه و جده من العلماء و کذلک اخوه الشیخ احمد . ولد سنه ۱۳۱۵ و اشتغل بالعلم فی صباه فی یزد الی ان

توعرع

ترعرع عند الاساتيد منهم والده ومنهم والدنا السيد احمد ره ثم رحل الى النجف مع

اخيه الشيخ احمد واشتغل عند النائينى والسيد محمد الفيروزابادى والسيد

ابى الحسن الاصفهانى وغيرهم . ملث ثمان سنين ورجع الى يزد وتوفى والده

وهو كبير اهل البيت وكان ذلك فى خناق من دولة رضا ، بناه پهلوى ، فاضطر

الى قبول المحضر (سردفتر معاملات وازدواج) واعاش هو واهل بيته وكان

مع ذلك لم يترك التدريس وكان مجازا بالاجتهاد من العلمين النائينى و

الفيروزابادى ره ولم يسافره الامرة لزيارة ثامن الائمة عليه السلام كان رجلا عالى الهمه

لا تثقل عليه المؤنات ، عاش سعيدا ومات سنه ۱۳۸۷ ودفن بمزار حاج الشيخ

غلامرضا بمشهد امامزاده جعفر وله عقب من العلم محمود كاسمه .

۷۶ ملا محمد جعفر عبد قى ، دررحت اباد حومه يزد امامت داشته له فضل عريق

۷۷ جلال الدين شيخ الاسلام اعظم درزمان تيموريان چندى بواسطه اغتشاشاتى

كه در يزد بود حاكم يزد شده ومردم چندى درسايه حكومت او استراحت داشتند

از تاريخ ايتى ،

حرف الحاء

۷۸ محمد حسن بن محمد ابراهيم يزدى كتابى دارد درشرح احوال موسى بن جعفر عليه السلام

تاريخ كتابت سنه ۱۳۰۹ . كتابخانه وزيرى

۷۹ الشيخ محمد حسن السبزوارى بن كدخدا سبزوار كذا قيل) نفى من بلده الى يزد

فى

فی سلطنة محمد شاه قاجار علی الظاهر واستوطن فیها وکان معاصرا لمیرزا علی ترک ومناضلا له کما هو دأب اهل هذا البیت، وله بنون اکبرهم الشیخ محمد تقی وقد مضی ذکره وکذلک ابنه الآخر الشیخ محمد جعفر.

٨٠ الحاج میرزا حسن الباعثی بن الحاج ملا فرج الله الهروی الیزدی وقد مضی فی ملا اسد الله الهروی عم صاحب الترجمة ما یناسب ذلک ثم ان الحاج ملا فرج الله کان عالما زاهداً، حج خمس مرات من یزد ماشیا علی قدمیه ثم ان صاحب الترجمة هاجر من یزد الی قم بعد ان اخذ حظا من العلم من الحاج اخوند طزرجانی فی طزرجان والدناه وغیرهما وفی قم اخذ من اساطینه ثم هاجر الی النجف والقی عصاه واستقر بها سنین وحضر مجلس الشیخ ضیاء الدین العراقی والسید ابی الحسن الاصفهانی وبعدهما استقل بالبحث والتدریس وحضر مجلسه عشرات من الطلاب فاز باعلی درجات الاجتهاد، عدل صبور وقور صدوق ثبت قلیل الکلام لایطعن فیه لشیئ یرمقه الابصار ویشار الیه بالبنان لکن لم یمهله الاجل وصار الی جوار الله، وقد جاوز الخمسین قلیلا سنه ١٣٨٢ او ٨٣. وخلف اولادا هم بصدد العلم، واقیم له المآتم بیزد وغیره. حشره الله مع موالیه انشاء الله

٨١ شیخ حسن کرباسی بن شیخ غلام حسین. ایشان را کرباسی گفتند برای اینکه بعض متعینین این طائفه معامله کرباس میکردند تولد ایشان سنه ١٣٠٧. نزد شیخ عبد الرسول بابا طی واسید حسین باغ گندمی قدری تحصیل کرده اگر چه ایشان

در

در زمره علماء محسوب نمیشوند امّا باعلا درجات زهد وورع وتقوی واجتناب از
ترك اولی رسیده اند وچیزی که خداوند بایشان عنایت کرده که کمتر نصیب
کسی نمیشود اشکال اینستکه تقوی وزهد ایشان مورد اتّفاق کل بوده بهمان اندازه
که عوام ارادت داشتند همان اندازه مورد توجه علماء بوده ودراین صف درزمان
خویش بی نظیر بودند حتی انه یضرب به المثل وکان معشیه التّواضع وملبسه الاقتصاد
دربعض مساجد محلّه مالمیر امامت میزمود وبکمی تجارت ماقل وکفی امرار معاش
میکرد طرف معاملین ایشان تمام اورا بصدق وامانت می ستودند، طرف قصّاب
ایشان که ازاو گوشت میخریدند گفت مدّت چندین سال هرگز نگفت گوشت نرینه
بمن بده بلکه میگفت فلا نمقد ارگوشت بمن بده، بازگفت روزی گوشت بی استخوان
بایشان دادم چون بمنزل رفتند ومتوجه شدند درهوای سرد فوری برگشتند
وگفتند گوشت راعوض کن وباندازه مرسوم بمن بده هم استخوان بده ونظایراین
حکایات بسیار منقول است، وفات ایشان درسال ۱۳۸۵ ودربقعه سیّد
فتح الرّضا مدفون شدند ولاعقب له من اهل العلم.

۸۲ اخوند ملا حسین حسن بن ابیطالب، تلمذه کان عند آقا محمّد جعفر الکرمانی الفقیه
الاصولی وکان یجری الحدود ولم أسمع من یجری الحدود فی هذه الازمنة الّا ایاه وکان
مقبولا عند العامه وله مجلس درس وکان امرا بالمعروف وناهیا عن المنکر وکان
محل اجراء حده ومدفنها البقعة السیّد فتح الرضا توفی سنة ۱۳۲۰ وهو فاتحة العلم وخاتمة فی بلبة

محمّد

باب الحاء

۸۲۳ محمد حسن بن غلام علی بن ملا محمد رشید جد ایشان زردشتی بوده و مسلمان شده و بمحمد رشید نامیده شد چون نام او در زردشتی رشید بوده و تحصیل کرده و دارای علم شده و پدر ایشان نیز از اهل علم بوده یعنی غلام علی و اهل کشنویه بالثنا یا بالسین بوده اند (ولکش - ایتی در تاریخ یزد گفته که بمعنی کوچک است و مش بمعنی بزرگ) و صاحب ترجمه دارای عمومی بوده اند از علماء بزرگ که صاحب ترجمه او را ببعض الفضلا در بعض مکتوبات علمیه خود یادی کند و نام او حاج ملا محمد جدید الاسلام است بالاخره صاحب ترجمه از علماء بزرگ و فضلاء عالیمقام جامع کمالات بوده اند ولی پس از تحصیلات کافی در عتبات عالیات در یزد در محله کشنویه که از حومه شهر یزد است که در مسجدی که ما آنرا زیارت کرده ایم بامامت و ارشاد خلق مشغول بوده و نیز طول عمر خود را بتصنیف و تألیف بر گذار کرده،

و در آن مسجد کوچک منبری بود دارای سه پله از چوب آبنوس که پدر ... مرحوم السید محمد کاظم نام میرعظیم با کمک مردی دیگری وقف کرده بودند سنه ۱۲۵۷

از تألیفات ایشان کتاب انوار الشهاده است در مقتل که چاپ شده و در اول آن کتاب تفصیل را حواله میدهد بکتاب کبیر خود و نام نمی برد شاید مقصود انوار الهدایه والموائد باشد که الذریعه نام آنرا برده و میفرماید طبع شد. و از این جهت خانواده او امروز بانواری ملقب میباشند سال فوت او را در الذریعه سنه ۱۲۹۷ معین میفرماید نقلست که مشار الیه در اواخر عمر بگنجی برخورد کرده، وقت ساختمان بنائی پس قدری از آنرا به بناء داده و دولت از او گرفته و نیم آنرا خودش برداشته و بعتبات رفته و در آنجا رحل اقامه افکنده تا وفات کرده و در کربلا خانه وقفی

برای

له ترجمة في مقدمة كتابه أنوار الهداية طبع النجف الأشرف

وفي الكرام البررة ص ٣٤٢

وفي مصفى المقال ص ١٣٧

وفي فهرست المكتبة المركزية لجامعة طهران ٢/ ٦٨١

وفي اعيان الشيعة ٥/ ٢١٧

وله من الكتب: موائد الفوائد أو الموائد في متفرقات الفوائد، الذريعة ٢٣/ ٢١٥

وحقوق آل محمد على سائر العباد ذكره في الذريعة ٧/ ٤٢ وقال انه فارسي مختصر ذكر فيه ثلاثين حقا

و ميزان الحق في الرد على العامة وابطال خلافة المتقدمين على امير المؤمنين عليه السلام فارسي الفه في مشهد الرضا عليه السلام سنة ١٢٨٠ ذكره شيخنا رحمه الله في الذريعة ١٠/ ١١ و ٢٣/ ٣٠٩

و رسالة في العصمة فارسية في مقدمة وفصلين وخاتمة ذكره شيخنا رحمه الله في الذريعة ١٥/ ٢٧٢

و رأيت على بعض مؤلفاته التي بخطه ختمه البيضي وتاريخه المنقوش فيه ١٢٤٢ والغالب اتخاذ الختم بعد البلوغ فتكون ولادته تقديرا في نيف وعشرين بعد المائتين والألف ويكون قد عمر خمسا وسبعين سنة تقريبا

وكان الى عام ١٢٧٥ في يزد وفي سنة ١٢٨٠ في مشهد الرضا عليه السلام وهاجر بعد ذلك بنية الاقامة الدائمة الى كربلا فاقام بها الى آخر حياته

وهل كان هاجر الى العراق قبل ذلك لطلب العلم ثم غادرها الى بلاده لا ندري

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

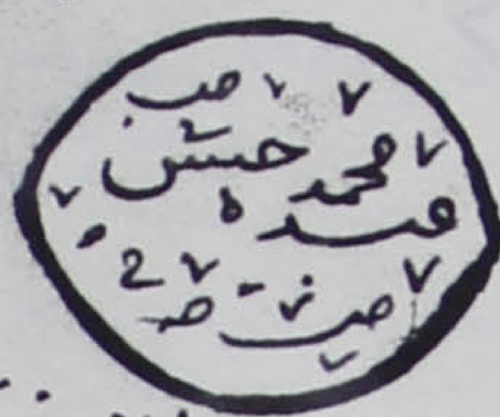
[illegible]

[illegible]

[illegible]

برای اولاد خود تهیه کرده و هنوز باقیست و در یزد در سنه ۱۲۷۵ دویست جلد کتاب
از کتابهای ملکی خود را وقف کرده چه از مصنفات خود و چه غیران دارای سجع مهر است






در بعض النسخه است که
تعبد بتهران شده در زمان فتحعلیشاه و لکن اشتباه است و صاحب قضیه
ملا محمد حسین است نه ایشان و نه ملا حسن بن محمد علی صاحب مهیج الاحزان
ما بجمله کتاب از کتب موقوفه ایشان برخوردیم بعضی بخطی و بعضی تصنیف خود ایشان
از انجمله برخورد کردیم بکتاب قوانین الاحکام در فقه دو مجلد بخط مصنف اما
در یک جلد بخط خود نسخ و خوانا اوله قال ره المجلد الرابع من قوانین الاحکام
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد واله الطاهرین
ولعنة الله علی اعدائهم وظالمیهم اجمعین وبعد فیقول العبد الفقیر الی رحمة الله
الغنی محمد حسن بن غلامعلی الیزدی الکشنوی وفقه الله لمراضیه وجعل مستقبله
خیرا من ماضیه ان هذا هو الجزء الرابع من کتاب قوانین الاحکام الذی الفه
فی شریعة سید الانام علیه واله السلام فی احکام الاذان والاقامه وجملة من
احکام اصل الفریضه واخره فی التعقیبات ثم قال قد تم الجزء الرابع من کتاب
قوانین الاحکام فی شریعة سید الانام علیه واله الاف التحیة والسلام
بید مؤلفه الفقیر العاصی المحتاج الی ربه الغنی محمد حسن بن غلامعلی
الیزدی الکشنوی فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۵۴ اقول و مجلد پنجم فی قواطع
الصلوة

الصلوة وخلله، قال بعد الحمد والخطبة الباب الاول في قواطع الصلوة وفيه

قوانين، قانون ما يقطعها عمدا وسهوا، منها ترك الطهارة مطلقا غسلا ووضوءا

وتيمما بلا خلاف بين الاصحاب كما صرح به في ئق وغيره، اخره وقد تم بيد مؤلفه

العاصي آمل الحاج الحسن بن علي اليزدي الكشنوي سنة ١٢٥٧ ودر اخر صفحه اين

كتاب نوشته شده هذا الكتاب المستطاب مما اوقفه مؤلفه وكاتبه جناب

المستطاب اعلم العلماء افضل الفضلاء الحاج ملا حسن اليزدي الكسنوي سنة ١٢٧٥

وازجمله كتابهاى ايشان كتابيست در اصول فقه كه اكثر ابواب اصول را دارد

اول ان رساله ساقط شده ولى بخط ان مرحوم بود وزياد ميگويد ويقول الا-

ستاد الشريف سلمه الله (ظاهرا مقصود شريف العلماء است) تاريخ ان سنة ١٢٤٢

ميباشد ومعنون است مسائل ان بقوله لامعه ودران مجلد است بعض مسائل

اصولى كه تصريح دارد از افكار خود ملا حسن صاحب ترجمه است وگاهى از سيد

ابو الحسن نقل مطلب اصولى ميكند شايد مقصود اسيد ابو الحسن فيروزابادى

باشد كه نام اوگذشت ودريك جا دارد واجاب عنه بعض الفضلاء سلمه الله

ودر حاشيه دارد مى نويسد وهو جناب عمى (نام اورا گفتيم) ودر اخر ان يك

رساله استصحاب از اسيد محمد مهدى كربلائى پسر آقاى اسيد على نوشته

ودر بعض صفحات اين كتاب اين چند شعر ضبط شده شايد از خودش باشد

صبح بر فلك ومرتضى على بتراب   دلم از آتش اين غصه بس كه بود كباب

سؤال

سوال کردم ازاین ماجرا زپیر خرد / چو غنچه لب بتکلم گشود و داد جواب

که قدر هر دو بمیزان عدل سنجیدند / چه ان گرانتر از این بود در همه ابواب

بماند لفه میزان مرتضی بزمین / زاسمان چهارم مسیح شد بشتاب

وازجمله تألیفات ملا حسن کتابیست بنام هدایة الاسماء در فهرست اسامی کتب شیعه در فنون مصطلحه مختلفه و بعض کتب عامه تالیف سنه ۱۲۶۰ واستنساخ شده سنه ۱۲۶۲ در کتابخانه وزیری درضمن مجموعه ای موجود است. برای ملا حسن است ایضا کتاب مجموعة الصنایع دارای ۴۲ باب فارسی باب اول درساختن مروارید وان بیست فصلست باب دوم درساختن لعل و یاقوت وان دو فصل است باب سیم درجلا دادن مروارید الخ درتحت نمره ۲۵۰۹ کتب خطی در کتابخانه وزیری بخط مصنف مولف موجود است

پسر صاحب ترجمه از علماء یزد بود بنام شیخ باقر در مدرسه دومنار تدریس میکرد و پسر او هم بنام حاج میرزا محمد انواری از علماء است و انچه از احوال جد ایشان بدست اورده بودم برایشان خواندم همه تصدیق کردند و نافله دیگری از اهل علم دارد بنام حجة الاسلام حاج شیخ مهدی

۸۴ حسن بن محمد علی الیزدی از تلامذه مرحوم سید محمد طباطبائی صاحب کتاب مصباح الطریق رساله عملیه فارسیه مختصر مطابق فتوای استاد خود متخذ از کتاب مصابیح استاد در طهارت و صلوة و زکوة و خمس و صوم (کتابخانه وزیری) ملک

درکربلای

در کربلای معلی نوشته در زمان حیاة استاد ترجمه کتاب اصلاح العمل سید مجاهد
هم باو نسبت میدهند نمیدانم یکیست یا دوتا کتاب المغتنم هم بعربی دارد کتاب
خانه ملک تهران .

٨٥ ملا حسن بن محمد علی الیزدی صاحب مهیج الاحزان معروف در مقتل که در کربلا
بوده ومعاصر صاحب قصص العلماء است وشرح احوال ایشان را مفصل نوشته
چون مشار الیهم در کربلا مشرف بوده وشرح احوال تبعید ایشان در زمان فتحعلیشاه
می‌نویسد و لکن باهم اینها بر من ثابت نیست وانچه ثابت است این قضیه راجع
بملا محمد حسین است که نام ایشان عنقریب خواهد امد وفات صاحب مهیج سنه ١٢٤٢
میباشد .

٨٦ السید حسن بن میرزا محمد علی المدرس الطباطبائی کان ابوه من عباقرة العلماء
واسرته من اکرم اسرة وخیر جرثومة کلهم من العلماء اما صاحب الترجمة هو العلامة
الفقیه الاصولی ولد سنة ١٢٢٣ ثم اکب علی تحصیل العلم متیما بها مع ذکاء وحدة نظر
ورغبة وافرة ولا یبعد ان یقال انه اخذ جل کماله عن والده الکامل الاکمل ثم
انتقل الی النجف الاشرف وبعد حظه من مجالس العلماء اشار الیه الشیخ صاحب
الجواهر ره ان یکتب السید المذکور مسئلتین الارث بالولاء والثانیه مسائل الرضاع
وهما مع غیرهما بایدینا فاجازه وصدق اجتهاده ذلک الشیخ ره والسید ابراهیم الموسوی
صاحب الضوابط اجازه الروایة عن محمد ابراهیم القزوینی بن محمد هادی ولاباس
بذکر

بذكر بعض ما فى اجازة صاحب الجواهر ره فقال فيما قال فحضر عندنا مع جمع كثير
من العلماء والفضلا وقرء علينا جملة وافرة في الفقه عند اشتغالنا بشرح
الشرايع جواهر الكلام فكان بينهم كالقمر البازغ بين النجوم ... ثم انى لم اكتف
بذلك فاختبرته ببعض مسائل الرضاع والارث بالولاء فكتب الى معظم مسائلها
بسرعة لغاية تدل على كمال فضيلته ... مضافا الى ذلك قد وقع منه بعض الكلام
فى بعض المسائل ... فتحققنا من ذلك كله انه اهل لحصول ملكة الاجتهاد ومقرونة
بالسداد والرشاد الى اخر ما قال نور الله مضجعه ثم انه سافر الى اصفهان واتصل
بحجة الاسلام الرشتى وكتب له حكم اللقطة التى توجد في المغارة والخربة ثم رجع فصنف
شرح كتاب الشرايع وسماه شوارع الاسلام الى شرايع الاسلام تاريخ اتمام بعض مجلدات
سنه ١٢٦٤ والتى منه بايدينا اربع مجلدات وواحدة منه فى المكتبة الوزيرى وقد ظفرنا -
بالاربع ببركة والده رحمة الله عليه وله بعض المسائل الاصولية كالاستصحاب وغيره
وله مرجع العوام رسالة فارسية عملية رأيتها عند بعض الاقرباء وكان له حقائق -
المسائل فى تمام ابواب النحو وابتلى فى بلده بمناضلات مع بعض ابناء جلدته
نصرة لابيه اذ كان غيورا وبذلك مات سنه ١٢٦١ وبذلك اشار اليه والده المعظم فيما
قال برزئك قد حلت وجلت مصائب و في مستهل الشامتين لمكتفى
طغى فبغى الباغى عليه وجدّه بمرمى وليد حين مزق مصحفا
وحمل نعشه الى العتبات بوصية منه واشار الى هذه الوصية فى مسائل الدفن من

كتابه

کتابه شوارع السلام ورثاه ابوه بالفارسیة نظما ونثرا وبالعربیة نظما منها البیتان -

الماضیان وتزوج ولکنه لم یخلف ولدا وفی الختام اقول لا شك انه من الافذاذ

الذی قلت له الانداد صنف شوارع السلام ولم یمض من عمره الشریف الاثلاثین

اونحوه ثم انه نجده فقیها استدلالیا کاملا فی حده. قد خرج عن عهدة الاستنباط

مع ما طغرنا علی فوائد اخری منه تدل علی کمال فطانته جزاه الله خیرا وهو عم جدنا

٨٧ الحاج محمد حسن بن احمد جعفر کرمانی وقد مضی ذکره المشهور (بحاجی میرزا آقا)

تلمذ علی الکاظمین الفاضلین وکان عالما جلیلا معرضا عن الدنیا ومناصبها وجوه الناس

الیه وثناتهم علیه عدل صدوق ثبت ثقة صار اماما فی مسجد شاهد باز ومدرسته

المصلی وکان یعظ الناس ویشید عقائدهم الدینیة، مات فی اواخر شبابه لعله

سنة ١٣٠٨ ودفن جنب مسجد امیرچقماق والان جنب الشارع العام تاریخ الفوت

سنة ١٣٢٧ وله عقب من العلم الحاج میرزا مهدی.

٨٨ حاج شیخ حسن بن حاج میرزا عبد الوهاب از علماء با فضل یزد در سن ٣٣ سالگی

از دنیا رفته اند اوائل قرن چهارم

٨٩ حاج سید حسن بن حسین بن اسماعیل بن مرتضی حسینی یزدی اصلا اهل

عزاباد بلوك رستاق میباشد متخلص بفانی معروف بسید آقائی از محدثین و

فضلاء نیمه قرن کنونی مقیم اصفهان. روایت میکند از آقا نجفی مسجد شاهی

وشیخ محمد علی مسجد شاهی واخوند ملا محمد جواد حسین ابادی اصفهانی ومیرزا محمد

هاشم

هاشم خوانساری اصفهانی با رکن الملک نائب الحکومة مراوده داشته.
تألیفات بسیار دارد از انجمله السیر الاخبار للاخیار الابرار وبهجة الابرار فی
تاریخ الائمة الاطهار از خانواده ایشان علماء میباشند در اخر کتاب خود که بنام
فلاح الایمان که بطبع رسیده ومن در کتابخانه مدرسه خان بزرگ یزد دیدم شرح
احوال خود را مفصلا نوشته نگاشته.

مطبوع فی اربع مجلد تاریخ اتمام نقضها ۱۳۰۸ وله ایضا هدایة السالکین ودرر اللئالی وعقاید الحق وتوفیقات الالهیه

۹۰ محمد حسن بن محمد ابراهیم یزدی صاحب سموم المؤمنین در احوال حضرت موسی بن جعفر ع

۹۱ ملا حسنعلی الیزدی کتب ابنه المسمی بالباقر الاردکانی فی حقه فی ذیل کتاب کتبها
فی النجف الاشرف سنه ۱۲۰۱ مولینا مقتدی الانام الاورع الاتقی ملا حسنعلی الیزدی
ولابنه محمد باقر منظومة فی الاصول موجودة فی مکتبة ملک تهران وایضا حسنعلی
بن ملا محمد باقر الاردکانی صاحب کتاب منهج النادمین در تقل تاریخه سنه ۱۲۶۱ واحتمال
اتحاد این دو میباشد.

۹۲ سید حسن بن سید مرتضی الیزدی الطباطبائی الحائری المتوفی سنه ۱۳۱۵
مطابق مغفرله ذکره فی اول جوامع الاسرار فی معراج الرسول المختار له سوابغ النعم
کذا فی الذریعه.

۹۳ شیخ حسن بن شیخ محمد رضا یکی از علماء بزرگ و نام او خواهد امد ولسیر از
علماء اردکان وامام جماعت سال وفات سنه ۱۳۲۶.

۹۴ شیخ محمد حسین الفقیه النجفی الیزدی التفتی بن حاج غلامعلی، در نجف
اشرف

اشرف تحصیل کرده، ومفتخر باجازه اجتهاد از سـ[illegible]ظم یزدی وشیخ محمد کاظم خراسانی شده. گفته شد که ایشان دائم التهجد والنوافل وزیارت عاشورا بالعن والسلام بوده اند ودر اخر عمر وافتادگی مستمراً هر روز دعوت میکرده بعض اهل ذکر برای استماع حدیث شریف کساء، مدة العمر ساکن تفت ودرجه اول علماء درتفت بودند مع ذلك ثقه ای ازایشان نقل کرد گفتند من دوازده هزار تومان ارث پدری داشتم همه را فروختم وخرج کردم باقی نماند برای من مگر یك منزل ابرومند اینهم گاهی بسراغ من میآیند که ایا میخواهی بفروشی وهرگونه زحمات اخوندی هم درتفت متحمل شده ام محراب ومنبر وتوشتجات سال فوت سنه ۱۳۵۷ مدفن سرده تفت باقی مانده ای از اهل علم ندارد، له کتاب قاطع الوتین فی رد طائفه الضالة البهائیه خذلهم الله وهو مطبوع.

۹۵ الحاج شیخ محمد حسین بن ملا محمد علیرضا ندوشنی الاصل کان ابوه من اهل العلم وبنی فی ندوشن مسجداً بمحلة قلعة تاریخه علی ما شاهدت المسجد ورأیته سنه ۱۲۷۴ نقل انه کان مقیماً اغلب الاوقات فی ذلك المسجد وکان عالماً زاهداً ورعاً وکذلك ابنه الاخر ملا محمد ره اما صاحب الترجمة کان من اصحاب سامراء وله حدة ذهن وقوة نظر ثم جاء الی ایران فی اوائل فتنة الحکومة المشروطیه وسکن طهران ودرس فی مدرسة مروی الا انه اتصل بالحکومة وظهرت منه مقالات منکره کما یظهر منه ملتفات فی سامراء وکان کثیر الوقیعة بالنسبة الی بعض العلماء

و

والمراجع الدينی خالفوا امر المشروطة وکان ممن حضر مجلس خوسستان لنقل
السلطنة من القاجار الی الپهلویة وکان هویة معه ولذا یعبر عنه ب (آیة الله بزرگ)
وکان قاضیا من قبل السلطات الجائر مشهرا کل شهر (۴۰۰ تومان) لکنه لم
یتصرف ولم یاخذ منه دینارا، مات فی سلطنة رضا شاه ودفن فی بعض حجرات
شاه عبد العظیم وله ابنان الشیخ محمد مات ودکتر مرتضی، کان رئیسا للحزب
الاشتراکیة والان مشغول بالتالیف والتصنیف فی الطب رأیت بعضه.

۹۶ حسین بن عبد العلی معروف بملا حسین مؤمن، خود در اول کتاب هایش
چنین معرفی میکند اقل غلامان حسین بن علی علیهما السلام حسین بن عبد العلی ظاهرا.
تدوشنی الاصل بوده وگفته شد که از رجال بزرگ علم بوده معاصر فتحعلیشاه.
دو کتاب از او بنظرم رسیده هر دو فارسی اول در کتابخانه وزیری بنام فائدة العارفین
مشتمل بر سی مجلس شرح دعاهای سی روز رمضان کتابیست بزرگ دوم مقامع فی
ذم الشیطان الخادع در کتابخانه سربزدی و کتابیست کوچک در دفع وسواس و در
اوست ترجمه مختصر عقد الطهماسبی شیخ عبد الصمد والد الشیخ البهائی در هر دو کتاب
از شیخ احمد زیاد نقل میکند و از او بشیخنا العارف تعبیر میکند و از شیخ جعفر مجتهد و
در کتاب اول از ملا جعفر کرباسی و در کتاب دوم از آخوند ملا اسماعیل مجتهد وغیرهم
من الاعلام قال فی المائدة فی اواخره شیخ جعفر مجتهد باین مضمون میفرمود که ایها الناس
مرضی در کار شمای بینم که نمیدانم آن چه چیز است می بینم پنج تومان خمس و زکات میدهید

و

وده تومان خرج ضیافت ومهمانی میکنید وپنجهزار (پنج ریال) حق مردم را نمیدهید
وده هزار (ده ریال) خرج آب انبار ومسجد میکنید وپنج شاهی فطره نمیدهید
وده شاهی بروضه خوان میدهید که برای شما روضه بخواند ومانند اینها عنید ام
از چه را هست شاید از آن راه باشد که اینها بریا وسمعه اقرب است ونفس شما
بریا وسمعه مایل تراست وگاهی آدمی خیال میکند که صفات رذیله را از خود
دفع کرده است ووقتی بنظر دقت نظر میکند وخود را تجربه نماید ونفس را امتحان فرماید
خواهند یافت که آن صفات بالمره برطرف نشده اند انتهی واین میرمؤمن حسین
یزدی معاصر شاه عباس است

۹۷ میرزا محمد حسین الشریف الیزدی الشورکی المعلم الملقب بصدر الفقهاء بن محمد
باقر له منظومة فی الفقه موجود فی مکتبة الوزیری من باب الاجارة الی اخر الفقه
مخطوط بخطه مزین بتقریظات وتصدیقات باجتهاده من اعلام اصفهان مثل
الشیخ محمد باقر الفشارکی وآقا نجفی واخیه الشیخ محمد علی وغیرهم کان ره ساکن فی قریة
فیروزآباد میبد مصدر الامور عامة الناس.

۹۸ امیرزا سید حسین بن سید حسن بن میرزا سلیمان جد او از علماء بزرگ بوده
صاحب ترجمه از علماء وظرفا ودارای کتاب قدرت ونفوذ بوده باحکام واعیان ارتباط
تام داشته در مدرس مدرسه خان که شأن اعلم اهل بلد است تدریس میکرده واورا
لطائف کلامی بوده وبا ابناء نوع خود نزاع وکشمکش داشته بالخصوص شیخ محمد تقی
بن

باب الحا

۷۰ بن شیخ محمد حسن و برادرش شیخ جعفر والحرب بینهما سجال گاهی این غالب
میشد و گاهی آن. شیخ محمد جعفر دو بار دو بار از یزد تبعید و یکبار از طرف حکومت مضروب
و گاهی امیرزا سید حسین بواسطه توهینی که از شیخ جعفر دیده بود از شهر بیرون رفت
تا دو فرسخی و او را برگردانیدند مرحوم امیرزا سید حسین علاقه مفرطی باقامه عزاء سید
الشهداء علیه السلام داشت شنیدم جدش همیشه سوار بر الاغ سفیدی میشد بلکه نوکر
او الاغ را بدست گرفته جلوی برد در کوچه و بازار تا اهل بازار بدانند که آقا میاید
و مهیای تعظیم باشند در سال ۱۳۲۱ مرحوم شد و در امامزاده جعفر بخاک
سپرده شد حکایت کرد مرا شیخ علی و هو غیر متهم فی قوله ابن شیخ محمد رضا عن
ابیه و عن السید یحیی الموسوی باینکه شیخ محمد تقی بن شیخ محمد حسن مقدماتی فراهم
آورد و ذهن امیرزا سید علی مدرس بن حاج میرزا علیرضا را مشوش کرد بر علیه آمیرزا
سید حسین میرزا ملقب بسلطان العلماء صاحب ترجمه فوق و بالاخره چند نفر
علماء و منهم شیخ نجفعلی شهادت دادند که صاحب ترجمه در بالای منبر کلمات کفرآمیز
از او صادر شده و مثلاً در ذیل آیه و ذا النون اذ ذهب مغاضباً گفته (آیونس چطور
شد که رفتی) و نظیر این کلمات توهینی بامام حسین علیه السلام نموده و باین جهت مرحوم
امیرزا سید علی حکم بکفر امیرزا سید حسین داده کتباً و شفاهاً بالای منبر این حکم
را شیخ محمد تقی بشاهزاده جلال الدوله میرساند و او را مخفی میکند و بدیدن آسید
یحیی موسوی را دی گذارش می رود که در مزرعه آخوند ملا اسماعیل بودند و تقاضای باز

دامادی داشتند مرحوم سلطان العلماء بنام حاج میرزا سید علی اثاری از علماء یزد و عوته مات العلم عن بیته

دید

دید میکنند و در باز دید (ظاهرا شاه اباد بوده) وصرف ناهار از گوشت شکار

برای انکه حلال باشد حکم تکفیر را با سید یحیی ارائه میدهد واز ایشان هم

امضا میگیرد ومطلب اشکار میشود امیرزا سید حسین که در تابستان بقریه بید

خوید میرفت خائفا یترقب لشهر میاید وکار براو دشوار میشود وبالاخره مشار

الیه متوسل با آشیخ محمد رضا بن حاج میرزا عبد الحسین پدر شیخ علی راوی گزارش میشود

ایشان گاهی با میرزا سید علی تماس میگیرد وگاهی با اسید یحیی والبته گاهی با شاه

زاده جلال الدوله . امیرزا سید علی میفرماید این مرتد فطری است وتوبه او نزد

من قبول نیست ولی مرحوم اسید یحیی میفرماید نزد من پذیرفته است مجلس فراهم

میشود از میرزا سید علی وآسید یحیی شهودی شهادت میدهند که سلطان

العلماء توبه کرده اسید یحیی حکم باسلام او میکنند وامیرزا سید علی میفرماید امضیت

هذا الحکم باین ترتیب تا اندازه ای جبران میشود . اشیخ علی نقل کرد که اسید یحیی

فرموده بودند در این قضیه جلال الدوله حاکم یزد بن ظل السلطان بن ناصر الدینشاه

چهارده هزار تومان ان روز از سلطان العلماء گرفت واشیخ محمد تقی هم دانه طاعون

بگردنش زد ومرد

اقول قضیه تکفیر وتوبه بنحو اجمال از قضایای متواتره حتمی است بارها مرحوم پدرم میفرمود

٩٩ حاج سید حسین بن حاج سید محمد باقر بن حاج میرزا زین العابدین خوریج

نجف مجتهد ساکن محله قلعه کهنه از علماء بزرگ طائفه مدرسیه دارای امامت

و

ومجلس درس تولد سنه ۱۲۹۵ فوت سنه ۱۳۲۱ ملفن جوی هرهر لسبری داشتند بنام سید مهدی از علماء مشهور به سیبویه ومونه انقرض العلم من بلیته

۱۰۰ الشیخ الاجل العلامة المولی حسین بن محمد اسماعیل الاردکانی الحائری کان عالماً جلیلا مرجعا للتقلید خرج من مجلسه جماعة من المجتهدین العظام مثل العلامة الجلیل المیرزا محمد تقی الشیرازی والسید الاجل السید محمد الاصفهانی والسید حسن الکشمیری والمیرزا مهدی الشیرازی وغیرهم وله الروایة عن عمه الفاضل المولی محمد تقی الاردکانی المتوفی سنه ۱۲۶۷ نزیل تهران والمدرس هناک بمدرسه خان من السید الاجل حجة الاسلام الرشتی الاسلامی الاصفهانی وللمولی الاردکانی تصانیف فی الطهارة والصلوة والمتاجر وغیر ذلک توفی بکربلاء سنه ۱۳۰۲ ودفن بمقبرة استاده صاحب الضوابط انتهی مانقلنا عن الکنی والالقاب للمحدث القمی ره

اقول ومن تلامذته المیرزا سید علی الحائری الیزدی والمیرزا سید علی المدرس الیزدی ومنهم الحاج میرزا محمد حسین الشهرستانی بن علی الموسوی صاحب کتاب غنائم المتین فی شرح معضلات القوانین قال ره انی کنت طالبا منتهی الطلب لتحصیل علم الادب فرایت العدول عنها احری الی الاصول تارة والی الفقه اخری سیما علم الاصول فانه به یحصل الفوز الی المأمول فطلبت من له فیه ید طویل بحیث یشفی العلیل ویروی الغلیل فهدانی الله بفارس التوفیق الی سواء الطریق الی جناب الاستاد الفاضل والعالم العامل ابو الفضائل والفواضل والحبر الوحید

و

باب الحاء

والمتبحر الوحيد الفريد الذی کلامه فی کل اذن عین وفی کل عین لجین سمی جدی وا
السبطین المولی الاردکانی محمد حسین ادام الله ایام توفیقاته مدی الزمان
واقام له انعام تایید اته فان المنان فقرئت علیه الکتاب الانیف والمصنف
الشریف قوانین الاصول انتهی

اقول وقد سمعنا ان اکثر تلمذه کان عند عمه الشیخ محمد تقی وقد تقدم ذکره وورد
کربلا مجتهدا وله صفات فاضله من الاعراض عن الدنیا وشهرتها ومابه یرجع
الیها وله بالشطبم (کشیدن سبیل) ومن احسن ما اهدی الیه الشطب وعنده
کثیر، منها ویظهر من لحیته البیضا، اثر الدخان لکثرة شربه وابدله فی اخر عمره بالسیگار
ومن هذا فشا شرب السیگار بین اهل العلم وقد نقل بعض الثقاة من قومه ان
بعض الدینیین بکربلا کان قیما بارسال الاستفتائات الی سامرا بمحضر المیرزا
الشیرازی ره وکان هذا دابه فاشار الیه المیرزا ارجع الی الفاضل وانت بحضرة
فابی الفاضل وقال کفانا المیرزا مؤنة المرجعیه ولا یناسب شق عصاه انتهی
وقیل ولد سنة ١٢٣٥ والله اعلم ثم اعلم انه هو المشهور بالفاضل الاردکانی وبیته عریق
فی العلم فان اخوند ملا اسماعیل العقدائی خال والده وعمه محمد تقی وقد تقدم و
خاله سید محمد بن حاج میرزا جعفر الی غیر ذلک

والفاضل الاردکانی الاخر الحاج محمد علی بن حاج محمد حسن وسیأتی ذکره واسس
العالم الفاضل عین علماء اردکان الیوم سید روح الله الخاتمی ابن الحاج سید
محمد

محمد رضا ادام الله توفیقه ملتجئة بمدرسه اردکان باسم الفاضل الاردکانی خلوذ الذکر

۱۰۱ حاج میرزا سید حسین واثق بن سید یحیی فدائی علاوه از مراتب علمی در زهد

وپارسائی نیز شخص مسلم بود. تحصیلاتش بیشتر در اصفهان وهم سالها در یزد

اشتغال بامر تدریس داشته مامیتوانیم این عالم عالیمقام را در ردیف عرفای.

شیعه بشماریم وازاین سلسله است عارف کامل ابوعلی سید احمد متولد سنه ۱۲۷۸

در یزد وفات سنه ۱۳۱۲ اصفهان تخت فولاد

واما آقای صاحب ترجمه درسال ۱۳۰۷ در یزد وفات و درجوی هرهر مدفون گردید

نزدیک مقبره اخوند کرباسی. بعضی از نصایح ومواعظ ایشان را بشاگردهایشان

تا صفحه هفتم کتاب کشف الحقائق خطی کتابخانه وزیری موجود است. صفحه ۱۸۱

می نویسد ایشان از مستغلات شخصی روزی سه ریال (قران) درامد داشتند

بازن ودو پسر ویک دختر از انجمله سالی ۶ قران (ریال) برای تدلی برف روی

منزل خود معین کرده بود سپس بعد ازاین قرار داد خود برف روبی خانه متصدی

میشد و ۶ ریال را بفقراء میداد واز اخماس واجرت قباله جات وهدایا همه را

بفقرا میداد کرامت مرحوم واثق

وهم دران صفحه کتاب می نویسد درسال ۱۳۰۷ حکومت اقبال الملک شخصی

را باتهام شرارت حبس کرده بود واثق وساطت میکند نتیجه نمید هد پس از

مذاکرات بسیار واثق باقبال میگوید حالا که قول من را در بی تقصیری او ووساطت

من

من را نمی پذیری قول بده وساطت هیچکس را درباره ازقبول نکنی حتی شاه اگر وساطت کند اقبال خنده کرد وگفت قول دادم واثق فرمود لیس اجازه بده دعائی درآب بسوم وباو بدهم درزندان بخورد اجازه داد واثق گفت لفته الحمد حق است ، فوری به پسرش سید جواد گفت برو ازمنزل کاسه ابی بیاور وچیزی نوشت ودرآب شکست وبدست پسرش داد وگفت برو درزندان وبده بغلام بخورد بعداز اتمام کار هنوز واثق ازمرکز حکومت خارج نشده بود تلگراف امد ازناصرالدین شاه که محض سلامتی شاه که ازراه فرنگستان دارد بیمه زند اینها را اخلاص کنید - تخلف کننده مورد سخط وغضب است وازهمین ساعت ازحکومت معزول است

۱۰۲ سید حسین بن حاج سید علیرضا حسینی پدر ایشان شغل چیت سازی داشته وچهل ویکبار بکربلا مشرف شده توضیحا اینکه شغل چیت سازی عبارت از ان بود که پارچه های کرباسی را باقالبهای نقشی چوبی نقش میزدند وبلیشتر به مصرف لحاف وگاهی پرده میرسید واین شغل بسیاری ازکسبه بود ، صاحب ترجمه مدرس لقب داشت اما ازطائفه مدرسیه طباطبائی نبودند وبایشان باغ لندی میگفتند وچون درمحله باغ لندم منزل داشتند ودرمسجد انمحله امامت داشتند سالیان درازیعنی ۴۵ سال وهمیشه صبحها درمسجد تفسیر میگفتند واول وقت نماز میخواندند بعدازبهره برداری ازاساتید یزد که خود فرمود رسائل شیخ انصاری را خدمت امیرزا محمد بن حاج میرزا علی اکبر مصلائی خواندم ، مشرف شدند بکربلا

و

و در آنجا چند سال تحصیل کردند در مدرسه حسن خان . سپس مشرف شدند نجف در محضر السید محمد کاظم یزدی بکسب علم فقه و اصول مشغول و بعد از اخذ اجازه اجتهاد مراجعت بیزد و سپس مراجعت بنجف کرده شش سال دیگر مشغول تحصیل بودند و باز مراجعت بیزد و سالیان دراز مشغول تدریس و وظائف روحانیت بودند و از علماء و مجتهدین مشهور شهرستان یزد بشمار میآمدند و بعد از نود و شش سالگی در سنه ۱۳۶۶ بدرود حیات گفت و در بقعه جنب امام زاده جعفر جنب قبر مرحوم حاج میرزا السید علی بن حاج میرزا صادق بخاک سپرده شد ، مشار الیه مردی تنومند و بلند بالا و قانع و صابر و متهجد بود از سوانح زندگی ایشان که خود برای من نقل فرمودند النسئکه تمام مدة العمر در بستر (لحاف) نخوابیدند و فقط برای خوابیدن تکیه میکردند فرمودند یک لحاف بردم نجف و نو پس آوردم . تا آخر تمام اعضاء ایشان سالم و بدون عینک خط میخواندند هنوز اثر پینه مرفق در اکثر اثر کثرت مطالعه ظاهر بود و از قناعت ایشان و اقتصاد در معیشت نیز حکایتها نقل میشود و دیده شده از انجمله روزی عیال ایشان شکایت میکند بچه ها از آبگوشت سیر شدند خوبست بچیز دیگر بهتری تبدیل شود فرمودند سهل است چند روزی از آبگوشت هم جلو گیری کردند تا دو دفعه بچه ها بهمان آبگوشت راضی شدند له علی حق رحمة الله علیه هو مبتدأ العلم و منتهاه . فی الروضات من ابی عمر الانماطی قال سمعت الجنید یقول

يقول ما رايت اعبد من السري السقطي اتت عليه ثمان وتسعون سنة ما روي
مضطجعا الا في علة الموت

١٠٣ حاج ملاحسین بن عبد العلی مشهور بحاجی اخوند عرب عجم بجهت آنکه در منبر متون عربی را میخوانده بعد بفارسی ترجمه میکرده. تحصیل کرده عتبات ده سال صاحب تصدیق اجتهاد سن متجاوز از هفتاد سال مدفون درجوی هرهر با محمد خان والی که بهترین حکام یزد بوده ارتباط داشته رمضانها در مسجد جنب فرمانداری موعظه میکرده وشبهای جمعه محمد خان اورا بباغ خان که ازمحدثات خود او بوده برده، شب فوت حاج ملاحسین خواب دید که مرده ها از قبر بیرون امده با چراغ فانوس باستقبال حاجی اخوند میایند فوت ایشان سنه ١٢٩٩ فرزند ایشان بنام ملا محمد ابراهیم از اهل علم ومانند پدر در محله فهادان منزل ومشغول محراب ومنبر باکمال قدس وتقوی ودر سنه ١٣٢٩ بدرود حیات گفته وفرزند ایشان پیرمردی است متجاوز از نود سال بنام حاج شیخ عبد الحسین مجتهد عالم صالح بلکه اصلح مشغول محراب ومنبر وظاهرا این صاحب ترجمه غیر از حسین بن عبد العلی سابق الذکر است

١٠٤ حاج حسین یزدی له شرح خلاصة الحساب عربی کتبه بامر الشیخ البهائی موجود فی مکتبة الوزیری.

١٠٥ حسین بن جعفر موسی یزدی شیخی مسلک بوده کتبی چند دارد فارسی در مسلک عرفان خالی از تحقیق وله کتاب امهات الائمه کتابخانه وزیری.

محمد

باب الحاء

١٠٦ محمد حسین بن حاج عبدالرحیم الیزدی له ابواب النجاة فارسی فی المواعظ والمراثی
مختصر تم سنة ١٢٨٥ والظاهر انه بخطه مکتبة الوزیری

١٠٧ سید حسین ازغندی (ازغند از نواحی تربت حیدریه است) از علماء یزد بوده
وبقضاوت اشتغال داشته از او شکایت شده بپیش حجة الاسلام رشتی
باین شعر ای حجة الاسلام بر اسلام تو مپسند × دیوانه قضا در کف دیوانه ازغند
بعض از علماء نقل کرد از پدرش که بر راوی عادل وموثق بودند که در زمان قحطی سنة ١٢٨٨
زنی پسر بچه ای را کشته بود والعیاذ بالله از گوشت او استفاده کرده بود نزد ازغندی
ثابت شده بود حکم کرده بوده است ان زن را در جوال کذارند واز تکیه میل ان
امیر چقماق پرت کنند وباین وسیله اورا کشتند .
پسرش سید ابوالقاسم از علماء وحکمی مشرب بوده وبالجمله از احفاد او کسی وارد
علوم دینی نیست بلکه گفته میشود بعض احفاد او از دین منحرف شده اند نعوذ بالله
حکایت کرد مارا اعلم افضل اورع امیر سید علی محمد کازرونی دام ظله از پدرش عالم عادل
تاجر سید محمد که در سال مجاعه سنة ١٢٨٨ نرخ گندم در یزد هر من شاه (شش کیلو)
بدوازده ریال رسیده بود مرحوم حاج حسینعلی عرب زاده که از عدول وخیار تجار بود
وصاحب صدقات جاریات میباشد گندم را بنانواها هر من ٢/٥ ریال میفروخت
راوی گفت روزی نانوائی بپدر من گفت یعنی سید محمد سابق الذکر وگفت بوسطه شما او
شنوید که حاجی حسینعلی عرب صد من گندم بمن بفروشد یک من یک تومان

یعنی

یعنی ده ریال مرحوم حاج حسینعلی درجواب گفته بود من بنا دارم بهر نانوائی بحصه گندم

بدهم بقیمت ۳/۵ چون شما واسطه شده اید به رفیق شما صد من میدهم اما حاضر

نیستم از ۳/۵ بلیشتر بفروشم من سبب خون ومرگ مردم بیچاره نمیشوم نظیر این

حکایت کردند جماعتی منهم پیرمرد ثقه متورع حاج مهدی مرشد از پدرش آمیل مرشد

سخی مشهور روزگار که رسم حاتم طائی را زنده کرده بود که گندم دریزد سال ۱۳۳۷

قحطی جنگ بین الملل اول رسید بهر یک من (شش کیلو) ۱۸ ریال پدرم گندمی از

رفسنجان وارد کرد یکمن یک تومان یا یکتومان و ده شاهی یعنی ۱۰/۵ ریال هرچه

تجار دیگر گندم اصرار کردند گران بفروشد حاضر نشد وازسخاوت او حکایتها

نقل میشود وباوجود آنکه از تجار مهم بود مستطیع نشده بود فطوبی لهم وحسن مآب

۱۰۸ سید حسین بن سید حید الحسینی الیزدی صاحب تحفة النبی در تاریخ پیغمبر

صلی الله علیه واله ظاهرا فارسی متعلق بقرن سیزدهم است کتابخانه وزیری

۱۰۹ ملا محمد حسین یزدی بن حسین بن احمد الکاتب الیزدی علی ما انسب نفسه کتاب

یوسفیه درشرح احوال حضرت یوسف علیه السلام دارد فارسی اتمامه سنه ۱۲۶۳ کتابخانه وزیری.

۱۱۰ حاج ملا حسین بن ملا محمد ابراهیم که قریب صد وپنجاه سال قبل درقریه بیده -

میبد متولد شده ودوره تحصیلات آن مرحوم در یزد چند سالی در عتبات عالیات بوده و

پس ازمراجعت دربیده اقامة نمود، ومدت عمر ایشان هشتاد سال.

۱۱۱ سید حسین بافقی دانشمندی است که دربعض ازکتب نامی دارد وازشاگردان

شیخ

باب الحاء

شیخ احمد احسائی است منقول از آئینهٔ دانشوران تالیف سید علیرضا ریحان یزدی.

۱۱۲ اخوند ملا محمد حسین بن حاج ملا محمد باقر پدرا واز علماء و نام او گذشت

مشار الیه در یزد تحصیل کرده سپس بهرایی برادر بزرگتر خود ملا محمد حسن باصفهان

رفته وتزد اساتید استفاده کرده و باخذ اجازات نائل شده. وممن اجازه بالروایه

وصدقه بالاجتهاد مع ثناء بلیغ فی حقه وحق ابیه محمد باقر بن زین العابدین

الموسوی بن حاج امیر زین العابدین بن سید ابی القاسم الخوانساری تاریخ الاجازه

سنه ۱۲۹۸ ثم رجع الی یزد واشتغل بامور الناس سیما القضاوة والتدریس وکتابة

السجلات ماخلا الامامة کابیه وتوطن فی جنب منزل ابیه فی دار واسعه وکان

معظما مبجلا عند الناس یرضون عنه رضی الله عنه وارتحل لجوار الله سنه ۱۳۴۸

ودفن بجوی هرهر عمره تجاوز من السبعین وکان یعظ الناس فی مسجد الجمعه

ایام رمضان بجمع قلیل وراثة عن ابیه وخلف ابناء منهم الشیخ جلال والشیخ احمد

وقد مضی ذکرهما

۱۱۳ سید حسین کاظم یزدی اثری که از او در دست است رساله قضا وقدر فارسی

است که در سال ۱۲۸۰ نوشته شده کتابخانه ملک تهران

۱۱۴ محمد حسین بن احمد بن محمد بن سمیع الیزدی مؤلف کتاب تحفة الوالی است که

در بیان شرح نامه امیر المؤمنین علیه السلام بمالک اشتر نوشته ودر سال ۱۲۲۷ تمام

شده کتابخانه ملک.

محمد

۱۱۵ محمد حسین بن محمد حسن البوزونی الیزدی صاحب شواهد ضیا نسخه کتابخانه ملک

۱۱۶ ملا محمد حسین بافقی یزدی صاحب کتاب تحفة الحسینیه فی الاحکام الشرعیه عربی بخط مصنف مورخه سنه ۱۲۸۱ کتابخانه ومعلوم باشد ما هرچه از کتابخانه ملک اسم می بریم از روی آئینه دانشوران سید علیرضا ریحان یزدی میباشد و در کتابخانه ایة الله مرعشی نجفی در قم نیز نسخه ای هست

۱۱۷ ملا محمد حسین یزدی از علماء بزرگ زمان فتحعلیشاه حکایت منقول از تاریخ یزد بقلم احمد طاهری که از یادداشتهای پدرش شیخ عبد الغفور راجع بوقایع یزد صحبت می کند در سنه ۱۲۴۲ شاه خلیل الله فرزند سید ابو الحسن خان که از سادات اسمعیلیه بوده سمت امامت بر جماعت نامبرده داشت بیزد مسافرت نموده و دو سال توقف نمود روزی اتفاق افتاد که یک دو تن از ملازمان شاه خلیل الله در بازار اهل حرفت منازعت کردند مضروبین شکایت بمیرزا جعفر صدر الممالک که یکی از اعیان یزد بود بردند صدر الممالک باحضار ملازمان شاه خلیل الله حکم داد ملازمان هراسناک شده بسرای شاه پناهنده شدند ملا محمد حسین که در زمره علماء بود با جماعتی از بازاریها آهنگ سرای شاه خلیل الله کردند او سنگر بندی کرده دفاع نمود و بالاخره شاه خلیل الله با دو یا سه تن از ملازمان کشته شدند حاجی محمد زمان خان فرزند حاجی محمد حسین خان نظام الدوله که حاکم یزد بود ملا محمد حسین وجمعی از همراهانش را توقیف نمود و صورت حال بفتحعلیشاه نوشت شاه دستور داد که ملا محمد حسین و صدر الممالک وجمعی

دیگر

دیگر از مرتکبین قتل تحت الحفظ روانه تهران گشتند پس از رسیدن بتهران ملا محمد حسین را بزندان برده در زنجیر کشیدند و بعد از زدن چوب فراوان بشفاعت نظام الدوله مستخلص شد و از صدر الممالک و سایر مرتکبین جریمه ای بعنوان دیه گرفتند و عموماً بیزد مراجعت کردند اقول عین قضیه را محمد جعفر منشی در تاریخ نقل میکند با شرح مبسوط تری ولی میگوید ملا محمد حسین بعد از ان بحج و در مراجعت بعتبات رفت و در انجا ماند تا مرحوم شد و هرچه محمد ولی میرزا بمکاتبات اصرار کرد بیزد بازگردد میسر نشد وی مینویسد محمد زمان خان و پدرش هم بنکبت گرفتار شدند و نیز در بعض تواریخ مثل منتخب التواریخ حاجی ملا هاشم خراسانی مذکور است که فتحعلیشاه حضرت رسول ص را در خواب دید که پایشان را بدستمالی بسته اند و فرمودند در اثر ضربتی است که بپای ملا محمد حسین وارد آوردی والله اعلم .

١١٨ الحاج شیخ محمد حسین بن حاج ملا حسن گردفرامرزی یزدی ، پدر ایشان از علماء و در سفر کربلا ، در اصفهان مرحوم شد ، مشار الیه برادری داشته بزرگتر از خود بنام حاج ملا علی اکبر نجار میخواسته برادر را بنجاری وادارد از دست او پیاده فرار کرده بکربلا رفته چهارده سال تحصیل کرده با ضیق معیشت فوق العاده و باخذ اجازه فوق العاده و باخذ اجازه اجتهاد از فاضل اردکانی و سید محمد کاظم نائل شده ، بیزد امده ولی کسی از اجازه ایشان آگاه نبوده مگر بعد از فوت ایشان که فرزند ایشان دیده اند مشار الیه سالیان دراز در یزد بامامت در مسجد محله تل کرده

مشغول

مشغول واز اساتید اهل منبر محسوب میشدند بعد از ۸۳ سال

۱۳۶۰ برحمت حق پیوست و در جوی هرهر مدفون شد. برای ایشان الطائب

کلام و لطائف حکایاتی است. از ایشان نقلست که شخصی مدتی از من التماس

دعا میکرد که دعا کنم مسافرین سالما برگردند روزی پرسیدم مگر شما مسافری دارید

که ما نمی شناسیم گفت بلی جفت کبوتری از من مدتیست رفته و بر نگشته

پسر بزرگ ایشان حاج شیخ محمد حسن جانشین ایشان در امامت و وعظ بعد از نود

سالگی سنه ۱۲۹۴ مرحوم شد و جانشین از اهل علم ندارد

۱۱۹ حاج میرسید محمد حسین بن عبد الغفور اهل محمود اباد حومه شهر یزد صد و پنجاه

سال پیش تقریبا روزگار بوده و دارای کتابخانه مهمی بوده و کتب زیادی وقف

کرده از در امد موقوفات، چند مدد از آن در کتابخانه سریزدی در یزد

موجود است.

۱۲۰ قاضی میرحسین میبدی بن خواجه معین الدین علی وزیر از شاگردان ملا جلال

دوانی صاحب شرح هدایه میبدی و شرح دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام نسخه ای

از دیوان که در سال ۸۹۴ نوشته شده در کتابخانه ملک تهران موجود و هم کتاب

جامع المنشآت او در کتابخانه ملک هست پدرش وزیر یزد بوده و خودش

قاضی یزد حکایتی از او با شرح احوال او در جامع مفیدی هست و فاتش اوائل

سلطنت شاه اسماعیل صفوی. ائینه دانشوران.

السید

باب الحاء

۱۲۱ السید حسین الحائری الیزدی الطباطبائی بن مرتضی. قال آیة الله السید شهاب الدین المرعشی فی حقه العلامه وهو صاحب کتاب الرق المنشور فی تفسیر آیة النور وقیل فی حقه ایضا فخر الواعظین قدوة العلماء الربانیین ادام الله ایام افاضاته وقال فی حق تقسیر حسین الطباطبائی الیزدی اصلا والنجفی مدفنا ان شاء ربی وهو الذی قرظ کتاب نجوم السماء وتاریخ التقریظ سنه ۱۲۹٦

۱۲۲ السید حیدر بن السید حسین بن سید علی ذکر فی الفیض القدسی وقال بحر العلوم ره فی حقه علی ما فی نجوم السماء وکان ممن جد فی الطلب وبذل الجهد فی تحصیل هذا المطلب وفاز بسعادتی العلم والعمل وحاز منهما الحظ الاوفر الاکمل ولدنا السید الحسیب النسیب العالم الفاضل الادیب الاریب ذو الفطنة الوقادة والقریحة النقادة والاخلاق الکریمه والفطرة المستقیم الاغر الابر الافخر السید حیدر بن السید حسین بن السید علی الموسوی اصلا ونسبا والیزدی مسکنا ومنتسبا وفقه الله تعالی للعروج الی اعلا معارج العلماء والارتقاء الی اقصی مدارج الفقهاء العرفاء وقد استجازنی بعد ان قرء علی شطرا وافیا من الحدیث والفقه وغیرهما قرائة بحث وتحقیق وتعمق وتدقیق قد کشفت عن نظر دقیق وفهم صائب رشیق وانه بالاجازة حقیق فاجزت اسعد الله جده وضاعف کده وجده ان یروی عنی الکتب الاربعه انتهی بقدر الحاجة

۱۲۳ سید حیدر بن سید مرتضی الحسینی الیزدی المشهور بحمصی (نحود بریز) صاحب کتاب یوسفیه ومختارنامه شرح انتقام از قتلة سید الشهداء علیه السلام

تاریخ

حرف الخاء والراء

تاریخ تألیف ۱۲۶۶ سنه وباید دانست که در نجوم السماء سید حیدر یزدی بدون نسبت

بپدر نام می برد ومیگوید از فقهاء ومعاصر محمد شاه قاجار وآخوند ملا اسمعیل عقدائی

است ونیز در بعض مجامع یکی از علماء بزرگ که در وقت بودن شیخ احمد احسائی

در یزد بودند آقای اسید حیدر نام می برد

حرف الخاء

۱۲۴ خسرو شاه یزدی متخلص بنامی وملقب بقطب الدین صاحب خلاصة الحساب

که در سال ۹۴۶ تألیف کرده است ودر آخر آن قصیده ای در مدح شاه نعمت الله

یزدی مشهور به باقی نواده شاه نعمت الله کرمانی سروده معاصر شاه طهماسب

صفویه بوده است از فهرست رضوی.

حرف الراء

۱۲۵ حاج سید محمد رضا بن حاج سید اسمعیل پدرشان از علماء نامشان گذشت

اما مشارالیه بعد از تحصیلات اردکان باصفهان رفته واز شاگردهای شیخ انصاری

مرتضی یزدی بوده اند وهو اول من نشر کلمات الشیخ الانصاری باصفهان ونیز

خدمت مرحوم الشیخ محمد باقر مشارکی صاحب عنوان الکلام تلمذ کرده واز انها

اجازه اجتهاد دریافت سپس مراجعت باردکان کرد وچهل سال تقریبا با تمامت

ورتق وفتق امور وتدریس گذرانیده ودختر مرحوم آقا محمد بن عبدالکریم که نام

ایشان خواهد آمد بهمسری اختیار کرده ودر سال ۱۳۵۷ در ۷۲ سالگی در

اردکان

اردکان درگذشت ومدفون شد وازبرکات وجود این مرد سلاله ای میباشد علیم وخبیر عین علماء اردکان منشاء اثر ومثمر ثمر فیه خصال الخیر حاج سید روح الله خاتمی حیاه الله.

۱۲۶ شیخ محمد رضا فرزند حاج سید میرزا عبد الحسین دریزد واصفهان ونجف تحصیل کرده صاحب اجازه اجتهاد ازعلماء اصفهان وحاج شیخ فضل الله نوری دریزد چندین سال برمسند قضاوت وتدریس وامامت ووعظ مستقر وبعد از ۵۴ سال زندگی درسال ۱۳۲۶ که سال وبائی دریزد بود از دنیا رفتند واو لادهائی که دوتای انها اهل علم بودند بنام شیخ محمد وشیخ علی باقی گذاردند ومخفی نماند پدرشان هم از علماء بودند ونامشان خواهد امد انشاء الله.





۱۲۷ رضا بن فتح الله الیزدی له رساله رد الشمس ظاهرا شیخی مسلک بوده تاریخ اواخر قرن سیزدهم بوده کتابخانه وزیری

۱۲۸ محمد رضا بن محمد هاشم الیزدی رساله دارد دراوزان شرعیه وطبیه تماما بجداول ترسیم شده خیلی عجیب دال برمهارت فوق العاده است. ظاهرا تاریخ اتمام رساله سنه ۱۲۵۷ میباشد کتابخانه وزیری.

۱۲۹ الشیخ محمد رضا بن عبد الله الیزدی الاردکانی کان من کبار العلماء تلمذ علی الحاج ملا جعفر آبادهی (فارسی) وعلی اخوند ملا حسینعلی تویسرکانی باصفهان وهمامن الاعلام وسکن اصفهان وله مجلس درس ومن تصنیفاته الموجوده المخطوطه عند المجمعین

حرف الزّاء

المجمعین بیزد عشرین مجلدا فی الفقه والاصول رأیت واحدا منها یدل علی کمال اجتهاده وتاریخ اتمامه ۱۲۷۴ والحاج مرتضی الاردکانی الاصفهانی وهو من العلماء فی العصر من اسباط

۱۳۰ حاجی رجبعلیا از دانشمندان عهد محمد ولی میرزا ابن فتحعلیشاه وظاهرا در مدرسه ایکه شاهزاده مذکور بنام اشرفیه ساخته بوده مدرس بوده وشاگردی دارد بنام زین العابدین محمد علی الیزدی. خیلی از او تمجید میکند رجبعلی از طرفداران شیخ احمد احسائی ومذاق عرفانی ودارای رسائلی در این باره هست که شیخ احمد را امام الکبیر خوانده.

حرف الزّاء

۱۳۱ اخوند زین العابدین عقدائی صاحب قضاوت وتدریس در مدرسه دومنار (محسنیه) نزد او بسیاری از علماء تحصیل کردند از انجمله مرحوم آیة الله استید محمد کاظم مرجع تقلید. اولاد ایشان کسی از اهل علم نیست وبافلاس روزگار گذرانیدند مرحوم اخوند مذکور بسیار در مرافعات قسم میدادند، مرحوم فانی در آخر کتاب فلاح الایمان در بیان اساتید خود گفته واما من تلمذت عنده فی الفقه والاصول من السطح والخارج وکان حقه علی اکثر واعظم من کل اساتیدی هو الشیخ الاعظم والفقیه الافخم والبحر الازخر والنفس القدسیه والسجیة الملکیة شیخ العلماء الاعلام الی ان قال اخوند ملا زین العابدین العقدائی الیزدی الی

ان

ان قال فهو لنز تحقیق و در فیر مرتی و خصائصه تستدعی رسالة علیحدة

۱۳۲ الشیخ میرزا محمد رضا کرمانشاهی فرزند اخوند ملا مهدی پدرشان از علماء بزرگ و مشار الیه از تلامذه شیخ انصاری ره و از بزرگان علماء یزد بشمار می آمده با حکام ارتباط کامل داشته و نیز دارای حوزه تدریس و بامامت مسجد حظیره (روضه محلیه) نائل شده وفات ایشان سنه ۱۳۰۸ و فرزند ایشان اهل علم منهم ابوطالب و قد مضی

حرف السین

۱۳۳ میرزا سلیمان الطباطبائی النائینی الیزدی المسکن والخاتمة، کان من اجلاء علماء هذه الاواخر فی دار العبادة یزد مرجعا للعام والخاص تلمذ علی ملا اسماعیل العقدائی والشیخ جعفر الکبیر ایام نزوله بیزد علی ما فی الروضات، و علی مولی عبد النبی وکذا فی الروضات انه یقیم النیاحة علی ابیعبد الله الحسین علیه السلام ایام العزاء ولسد علی نفسه ابواب التمتعات ویقرء المصیبة بنفسه علی المنبر وربما غشی علیه من شدة الحزن ویطعم الناس ویخلعهم ایام عاشوراء - یرفع العمامة عن رأسه ویحل عقود قبائه ایضا کان قلیل التصنیف ولم یبق منه اثر الا صومیة کتبها باهتمام بعض الامراء قیل له بم بلغت ما بلغت مع انه لا یعرف لك استاد ماهر فقال انما حصل لی بالتدریس لا بالتدرس توفی ۱۲۶۲ سنه ودفن فی مقبرة استاده اخوند ملا اسماعیل فی طرف القبلی من قبره والان علی قبره حجر منصوب فی الحائط وکان ره موجز الکلام فی جواب استفتائاته یکتفی بقوله لا او

نعم

حرف الشین

نعم الاستاذ ادفع الروضات ایضا حکی لنا فی نهار بلوغ ذلک الخبر الموحش الی اصفهان ان سیدنا السمی البقار لعلوم الدین صاحب مطالع الانوار (حجة الاسلام رشتی) کان قد رای لیلة وصول ذلک الخبر او قبله ان عصاه قد سقطت من یده واصابه من ذلک هوان عظیم وقد رای مثل هذه الرؤیا المهوله مره اخری فی وفاة میرزا ابو القاسم القمی انتهی کان ابنه السید حسن من العلماء ونافلته سید حسین من العلماء القاهرین وقد سبق .

۱۳۴ سید سعید فیروزآبادی از علماء و جنبه اعیانیت هم داشته زن زردشتی بدست او مسلمان شده صاحب مقبره مخصوص جنب میدان بزرگ فیروزآباد میبد معاصر حاج شیخ عبد الکریم حائری .

حرف الشین

۱۳۵

۱۳۵ شهاب الدین علی الیزدی کتاب مجمل فصیحی که در سال ۸۴۲ تألیف شده درباره اوی نویسد مولی العلامه قدوة المشایخ المحققین والعلماء الر-سخین شهاب الحق والدین علی الیزدی وفات سنه ۷۴۰

۱۳۶ شرف الدین محمد فرزند رضا خویدکی مترجم کتاب معروف جامع الاخبار است واین ترجمه چند دفعه چاپ شده است در چاپی که کتابفروشی اسلامیه تهران چاپ - کرده از یاد داشت مترجم چنین نقل میکند که ترجمه در سال ۱۱۵۷ صورت گرفته وهم چنین در الذریعه واما محلی که این عالم منسوب باو میباشد خویدک است

که

که از قراء شهر یزد است که در طرف شرقی شهر واقع شده و باندازه ۳ فرسنخ تقریبا از شهر دور است و در کتاب فرهنگ آبادیهای ایران فقط همین یک خویدک نام می برد و تلفظ آن در محل بخاء مفتوحه و واو ملفوظه و دال مفتوحه میباشد

حرف الصّاد

۱۳۷ حاج ملا محمّد صادق بن حاج علی در یزد و اصفهان مدّت مدیدی بتحصیلات خود ادامه داده سپس بمحل خود (قریه خانقابیده میبد) مراجعت و در حوزه درس خود چند نفر از محصلین علوم دینیه از وی استفاده می نموده و آثاری داشته که فعلا در دست نیست و در سن ۷۷ سالگی وفات یافته و در بقعه امام زاده بیده بخاک سپرده شد، و معاصر مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری بوده اند

۱۳۸ الحاج سیّد محمّد صادق المشهور بحاجی میرزا آقا بن الحاج میرزا سیّد علی وسیأتی ذکر ابیه من علماء المدرسیّة تلمذ عند علماء یزد مثل الشیخ عبد الرسول گلستان و السیّد حسین باغ گندمی و تخرج علی ابیه فی الیزد و برع و فاق. فاضل فقیه ذا حفظ و قوة نظر وله عدة تلامذه یعیش لبسیطا بلا تکلیف و یمشی بلا تعین. له علی حق صار الی رحمة الله ۱۳۸۳ سنة و قد مضی من عمره ۶۳ و دفن بجنب الحاج شیخ غلام رضا و لا عقب له من اهل العلم:

۱۳۹ شیخ محمد صادق بن ملا محمّد بن ملا ملا محسین من الحبیب بن مظاهر شهید الطف من اعلام المجتهدین تلمذ علی الشیخ الانصاری و آیة الله المجدد توفی بعد ۱۳۰۰

له

له شرح علی درّة بحر العلوم نقل از کتاب زندگانی شخصیت شیخ انصاری وبیتیم بیت علم.

۱۴۰. اخوند ملا صادق بن محمد قاسم ساکن تدوشن از علماء بزرگ بوده فرزند او ملا ابو القاسم تحصیل کرده. نجف ساکن تدوشن ومجتهد وخانواده او اهل علم بوده اند وفرزند ملا ابو القاسم ملا محمد باقر نام او گذشت ودر حدود ۱۲۴۰ حیات داشته.

حرف الطاء

۱۴۱ السید محمد کاظم الطباطبائی

حرف الصاد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ٩٦١

١٣٧ حاج ملا محمد صادق بن حاج علی در یزد و اصفهان [illegible]

[illegible] (فوت [illegible]) مراجعت و در حوزه درس

[illegible]

[illegible] و در سن ٧٧ سالگی وفات یافته و در بقعه امام زاده [illegible]

[illegible] و معاصر مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری بوده اند

١٣٨ الحاج سید محمد صادق المشهور [illegible] میرزا آقا بن الحاج میرزا سید علی

[illegible] ذکر ابیه من علماء [illegible] تلمذ عند علماء یزد مثل الشیخ عبد الرسول

[illegible] والسید حسین [illegible] فی الیزد [illegible] فاضل فقیه

ذا حفظ وقوة [illegible] تلامذه یعیش بسیطا بلا تکلیف ویمشی بلا [illegible]

[illegible] حتی صار الی رحمة الله ١٣٨٣ وقد مضی من عمره [illegible] ودفن بجنب الحاج شیخ [illegible]

رضا ولا عقب له من اهل العلم.

١٣٩ شیخ محمد صادق بن ملا محمد بن ملا محسن بن الحبیب بن مطاع [illegible]

[illegible] من اعلام المجتهدین تلمذ علی الشیخ الانصاری [illegible] توفی [illegible]

١٤٢ الحاج سيد عبد الحي طباطبائي اليزدي الفراشاهي (من قرى يزد)

ابن السيد ابي القاسم بن السيد ساعح ملث ازمنا في النجف واشتهر بالعلم

والتقوى وكان ختنا للسيد محمد كاظم حتى انه ارسله الى پونه هند ثم رجع الى

النجف وصار مختل الحال فارسله السيد الى يزد لتغيير الهواء سنة ١٣٢٠ ومعه ابنائه

كان رجلا غيورا خشنا في ذات الله يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر حتى انه اجرى

الحد على شارب الخمر على رغم انف الحكومة وكان يقيم الجماعة بجماعة لا

نظير له خصوصا في شهر رمضان ربما يبلغ نيفا وعشرة آلاف في مسجد ملا

اسماعيل وفي غير شهر رمضان يزيد على الالف في مسجد سرريگ وكان يصلي

الظهرين في موقع العصر كان يأمر بالاذان موقع العصر على المنارة ثم على باب المسجد

ثم يؤذن للصلوة كان رأسه عمامة خضراء مع تدلي حنكه دائما اما في حال الصلوة

فعمامه بيضاء على ماهو السنة سن سننا حسنة منها ترويج عمل ام داود وكان

من الذين تهالك وارادة السيد محمد كاظم مات سنة ١٣٤٨ ودفن في بقعة امامزاده

جعفر كان له خمسة ابناء مات السيد جعفر في حياة والده والباقي اربع السيد

هاشم والحاج سيد مرتضى وقد صار الى رحمة الله وقد بقي الحاج سيد محمد باقر

من العلماء الساكنين بتهران بعد ان اخذ العلم من علماء مشهد الرضا والسيد

جليل اصغر ابنائه وهما من زوجة جديد رحل الى النجف في طلب العلم وبقي

هناك سنين والان مفلوج ساكن بتهران.

عبد

١٤٣ عبد الغفور بن محمد اسماعيل الحسيني اليزدي من تلامذه صاحب الفصول له تحفة الغروية حاشية على قوانين الاصول فرغ منه سنه ١٢٤٤ في المشهد الغروي نسخة منه في مكتبة الوزيري ونسخة عندنا .

١٤٤ ملا عبد الكريم اردكاني در تاريخ خان درضمن اسامي علماء ئي كه براي محمد وليميرزا كتاب ترجمه كرده يانوشته اند امده زياد تر اطلاعي ندارم

١٤٥ ملا علي اكبر كرماني مثل سابق

١٤٦ الحاج ميرزا عليرضا بن حاج محمد ابراهيم بن حاج عزيز چيت ساز (مقصود از حيث سازى درضمن شرح احوال سيد حسين گذشت) اما ابوه الحاج محمد ابراهيم فلما بلغ اربعين سنة اعرض من شغل ابيه واشتغل بالعلم وصار الى مرتبة لا يستهان بها اما هو بنفسه فيكفي في المقام ما قال في حقه علم الفضل جدنا ميرزا محمد علي المدرس في حقه قال في مقدمة كتاب هدية القاصر الى مولاه محمد الباقر عليه السلام وهي ترجمة بعض مجلدات عوام العلوم قال ره مجلدات عوالم راسعي نمود جناب خاتم العلماء استادنا ومولانا ميرزا عليرضا در اطراف جمع اورى كردن ثم شرع في مدحه واليك بنذها اعلى جناب والالقاب مدار الافاضل والاقطاب مالك رقاب اولى الالباب بحر ذخار علوم ومعارف سحاب امطار فيوض وعوارف خلاصه دودمان عظمت واجلال ونقاوه خاندان فضل وافضال مفتاح خزائن علم ودانش مصباح زجاجة بصيرت وبينش سرحلقه فضلاء ماهرين وارث علوم

الاولين

الاولين والاخرين مجمع البحرين حكمت وحكمرانى ذو الرياستين ملكوت جسمانى
وروحانى تبيان فحوى انك لعلى خلق عظيم برهان دعوى فوق كل ذى علم عليم شمس
نهار الاشتهار بدر البدور والاقمار المغزار و الطمطام المغار ادريس فضاء التدريس
وكليم سيناء النواميس ومسيح سماء التقديس خاتم العلماء واعظم العظماء المولى الاولى
الافخم الاكرم الافضل الاكمل الابرع الاورع الاعلم الالمع الاعرف الارفع الارضى
لمدارس الاحكام فى الفقه الاستدلالى من الطهارة الى [illegible]
مولانا واستادنا ميرزا على رضا .. الى ان قال آخرها مكتسب لمصنفه صنف هذا
الكتاب طيلة اثنى عشر سنة ببلدة يزد يوجد منه نسختان فى مكتبة الوزيرى
احدهما بليضة بخط الكاتب كلمهانى مجلد قطور وباخره رسالة ضوابط الفقه فى
القواعد الكليه وعلى ظهر هذه النسخه تقريظ من علماء كرمان وهو كريم بن صالح بن
عبد الغفار بن صالح الكرمانى حين قدم يزد سنة ١٢٥٩ قرظ فى كلام طويل منها قوله
اتانى كتاب من فقيه كانه قلائد در فى نحور الكواعب . فقلت له اهلا وسهلا ومرحبا
بخير كتاب جاء من خير كاتب القى الى بهذا الكتاب المستطاب من المولى الذى -
صيت ذكائه فى الافاق ... ابى المكارم والمعالم الراضى بالقدر والقضا الحاج على
رضا سلمه الله تعالى

وله ايضا نقد المبادى فى اصول الفقه من اوله الى اخره يضاهى الوافيه للفاضل التونى
صنفه سنة ١٢٢٣ رايته بخط الشريف فى المكتبة الوزيرى وله ايضا معتمد الطالبين
فى المكتبة احضر من المدارس صنفه بعد سنة ١٢٤٦ فى مجلدين بخط الشريف وكتب
هذا

فهذا هو المجلد الثالث اقول بالنسبة الى تجزئته واوقفه كلها ولد المصنف حسين وكتب السجل على ظهرها ممهورا بالعلماء سنة ١٢٦٥ ثم انه من كبار قضاة يزد و بنى المدرسة الواقعة جنب جامع ملا اسماعيل وكان مدرسا فيه ومات ودفن في بقعة ملا اسماعيل جنب المدرسة والمسجد بعد ان تجاوز السبعين وخلف اولادا منهم ميرزا محمد باقر الشريف صاحب جامع الشواهد ويوجد في المكتبة مبيضتين من المعتمد بخط الشريف ثم اعلم انه لم يكن علويا واشتبه على كاتب فهرست المكتبة

١٤٢٧ الحاج ميرزا سيد على بن الحاج سيد محمد صادق من احفاد صدر الدين محمد وسيأتى ذكره وهو سبط ميرزا محمد على المدرس رأس الذكاء وتمام الحفظ عين علماء يزد في عصره بل الاعصار يشار اليه بالبنان من كل فج عميق حافظ للقران المجيد لا يذكر معه غيره في اليزد رحل في طلب العلم وهو ابن تسعة عشر و حضر بحث اية الله المجدد في سامراء واخذ العلم عن السيد محمد الاصفهانى و مكث هناك احدى عشرة سنة ثم جاء الى يزد واستقر وله حلقة درس يحضره فضلاء يزد نقل صحيحا انه بحث الاستصحاب طيلة ثلث سنين كان بجاثا لم يخفض جناحه لاحد كان معرضا عن الزخارف والتعينات وربما يحمل الزاد والطعام الى منازل الفقراء بالليل ومع ذلك عتبته مرجع للامراء والعلماء وهو ناظر سياه (وقف باد) وهو شان اعلم البلد لم يزاول الامامة الاستاذ او له احجام في الامور وله شعر رائق بالعربية والفارسية وله في يوم ولادة الحسين عليه السلام

و

وماتَ ٢ عاشوراء سنة ١٣٤٦ بعد ان مضى من عمره ٨١ ودفن فی بقعة

بجنب امام زاده جعفر وصار مهضوما فی اواخر سلطنة رضا شاه كما هو

فی وقته وقد لاقاه لما جاء الشاه الی یزد وله اولاد علماء منهم اكبرهم الحاج سید محمد

باقر وهو حی الان والحاج میرزا آقا والحاج سید علیرضا وقد صار الی رحمة الله وسیاتی

ذكرهم .

١٤٨ الحاج سید علیرضا ابن الحاج میرزا سید علی المتقدم ذكره كان فاضلا تخرج

علی ابیه فی الیزد وبرع وكان سلیم النفس مقبل علی شانه له حلقة درس صار اماما فی

جامع برخوردار فی الظهر بعد ان بنی المسجد ومات فجأة سنة ١٣٨٧ بعد ان مضی

من عمره ٥٩ ودفن بجنب الحاج شیخ غلام رضا ولا عقب له من اهل العلم .

١٤٩ آقا میرزا علی ترك ابن اسد پناه خان حاكم قفقاز از علماء ومجتهدین ومن

العلماء القاهرین شاگرد حجة الاسلام رشتی و مدرس در مدرسه خان كه

شأن اعلم اهل بلد است وكاملا متصدی رتق وفتق امور عامه بوده واظهار برتری

بر اقران می نموده وبا ابناء نوع خود منافراتی داشته منهم جد نا مدرس وابنه

السید حسن مردی بوده سخی ، غلامی برسم هدیه حلوائی از جانب مولی برای

او میاورد امیرزا علی تباله ملكی بغلام می بخشد ، مردم درباره او دو دسته بودند له

وعلیه ودر تواریخ یزد آمده كه حاكم یزد بنام دوست علیخان معیر الممالك فرزند

حسینعلیخان برای استحكام امر حكومت خود میرزا علیرضا صدر ومیرزا علی مجتهد

و

و محمد ابراهیم خان فرزند عبد الرضا خان و چند تقرد یگر بطهران فرستاد ورود ایشان مصادف فوت محمد شاه بود وفات مشارالیه سنه ۱۲۷۶ مدفون در بقعه اخوند ملا اسماعیل ولا اعرف له عقبا من اهل العلم.

۱۵۰ الحاج شیخ علی اکبر فیروزابادی بن حسین بن محمد علی ساکن فیروزاباد حومه شهر یزد، تحصیل کرده نجف دارای اجازه اجتهاد. قریب چهل سال در فیروزاباد امامت داشته و مشغول زراعت با جدیت فوق العاده و توانائی شایان خود متصدی امور زراعت میشده او اخر مبتلا بر ماتیسم (درد مفاصل) شدید شد وفات ایشان سنه ۱۳۷۰ سن ۷۳ مدفن بعض حجرات صحن شیخداد

۱۵۱ الحاج سید علی اکبر علوی بن حاج سید حسین خراسانی سبزواری، پدر او اهل علم و امامت بوده خود بعد از دوران تحصیل در یزد سالیان دراز ۲۷ سال تقریبا در نجف اشرف خدمت نائینی و اسید ابوالحسن اصفهانی مشغول تحصیل و مجاز با جازه اجتهاد از هر دو بوده سپس بیزد مراجعت فرموده و در مسجد امیر چقماق بامامت مشغول و تدریس میفرمود هو رجل خال عن الهوی معتزل عن الخلق - مقبول عند الکل لیس عنده من الدنیا شئی لازم الفقر الی ان مات سنه ۱۳۶۷ تقریبا بعد ان مضی من عمره ۶۵ و مدفنه بمزار حوی هرهر و لا عقب له من اهل العلم

۱۵۲ الشیخ علی مجتهد اردکانی ساکن اردکان دربابی کشی زمان جلال الدوله حاکم یزد اورا تبعید کرد و ایشان دائی حاج ملا محمد اردکانی بودند که نامشان بیاید انشاء الله

حرف العین

153 حاج سید علیرضا بن اسمعیل بن حسین حسینی پدر ایشان امام قریه فیروز
اباد اشکذر شده مشار الیه هفت سال تقریبا نجف بوده اند وبعد از پدر امام
قریه فیروز اباد ولی اواخر بواسطه منافرت با اهالی منتقل بشهر شده ودر مسجد
ساباط امامت داشته اند ومجلس درس هم داشته اند وخیلی با آداب زندگی
میکرده اند وجمعه ها باشکذر رفته انجا امامت میکردند وبر میگشتند ودر سن 59
سالگی در سال ۱۳۴۹ مرحوم ودر جوی هرهر مدفون و با حاج میرزا سید علی مدرس
کمال صمیمیت داشته اند وبینهما مطایبات کثیره ولا عقب له من اهل العلم وایشان
پسر عموی السید محمد فیروز ابادی مرجع تقلید بوده اند وایشان در محل مشهور
بسادات میرباقری میباشند چون از میرباقر جدشان کرامتی نقل میکنند.

154 ملا علی اکبر بناء نحوی صاحب شرح سیوطی در لسان علماء قدیم یزد مشهور بوده
ودر پشت کتاب شرح سیوطی که طبع شده نوشته بود این حاشیه از جناب عالم
فاضل اخوند ملا علی اکبر بن عبد الکریم البناء یزدی است وقریب ۹۰ سال عمر داشت
ودر یزد مدرس وریاست داشت وعالم بفقه واصول وتفسیر بوده ودر مرحوم شد
در حدود سنه ۱۲۸۵ وجمعی از فحول از مجلس درس او مستفید میشدند حرره العبد ابو
المکارم دبیر الدین صدر الاسلام علی اکبر الهمدانی النجفی سنه ۱۳۲۲

ع۲ این شخص از بنکان وبناء مسجد جامع ملا اسمعیل بوده

155 ابو محمد میرزا علی اکبر بن ابی الحسن الیزدی حکیم متاله شاگرد حاجی سبزواری صاحب
منظومه، رساله عمادیه در حکمت الهیه بخواهش عماد الدوله حاکم یزد نوشته ودر تدریس
حکمت

حکمت می‌نموده وتلامذه مهمی داشته در سال ۱۳۴۴ فوت کرده. آیة الله حاج شیخ عبد الکریم حائری بر جنازه او نماز خواندند و نزدیک مقبره میرزای قمی مدفون شد وآقای میرزا علی ناسوتی یزدی مدرس صرف ونحو در قم در زمان آیة الله حائری خواهرزاده ایشان بودند

ائمه دانشوران یا دانشمندان گمنام.

۱۵۶ حاج سید علی اکبر پیشوائی از علماء ودانشمندان وائمه جماعت قم فرزند سید رضا تولد سنه ۱۲۸۸ در قریه هزاباد یزد و در یزد تحصیل کرده نزد جماعتی منهم امیرزا سید علی مدرس ودر مشهد نیز مشغول شده نزد امیرزا سید علی حائری یزدی سپس بسبزوار رفته وازانجا بعتبات ودر سنه ۱۳۴۱ بقم هجرت واز علماء محترم واز ائمه جماعت درمسجد امام علیه السلام سنه ۱۳۷۴ از دنیا رفته‌اند ودر قم پسرانی دارند از اهل علم ویک پسر ایشان در زمان حیات در سفر عتبات در دریا غرق شد

۱۵۷ الحاج سید علیرضا ابن میرزا محمد علی من فضلاء المدرسیة رحل فی طلب العلم شابا الی قم ثم الی النجف وتخرج علی الشیخ ضیاء الدین العراقی والسید ابی الحسن الاصفهانی واجازاه بالاجتهاد واثنیا علیه ورجع الی وطنه وتصدی للتدریس والامامة فی مدرسة المصلی ورمم خرابها واحیی مآثرها واجری بعض الرزق علی طلاب یزد وهم زهاء مأتین تقریبا واصیب بعینیه وصار الی رحمة الله سنة ۱۳۹۳ وعمره ۶۳ وسمعته یقول فی اواخر عمره مصارفی ومخارجی بالنسبة الی تعمیرات المصلی وادارات الطلاب وغیره یبلغ فی کل شهر عشرة الاف تومانا وحمل جنازته من یزد الی قم ودفن فی شیخان

له

له علی حقوق جمه کان ره کثیر الرحال الی الحج والزیارات وغیره للزیاره وملاقاة الاخوان المستفاد کان ره قصیرا مربوعا بطیئا وربما یستطیل علی اقرانه ویقول مابداله وله عقب من العلم خلفه فی الامامه شاب فاضل.

١٥٨ ملا عبد الخالق بن عبد الرحیم از یزدوان وشاگردان شیخ احمد احسائی - بعد از تحصیل در ترداو در یزد، در کربلا نزد شریف العلماء وغیره تحصیل کرده وبنا بنوشته خودش از انها اجازات داشته وکتابها در فقه واصول نوشته وبوطن خود بازگشته واز انجا بمشهد امده بتدریس ووعظ ومناظرات مسلکی پرداخته ودر سنه ١٢٨٦ در مشهد درگذشت وعمر ایشان تقریبا ٤٢ سال بوده از اوست مصائب المعصومین وبیت الاحزان که هردو طبع شده وکتاب معین الطلاب که در کتابخانه ملک موجود است وکتاب مناجات فارسی وغیره

اقول یک مجموعه ای هست در کتابخانه وزیری خیلی رساله های اصولی علماء در اوست بخط صاحب ترجمه ودو رساله کوچک از خودش خیلی هم خوش خط بوده

١- رساله الامر الواقع عقیب الحظر، والحظر الواقع عقیب الامر ٢- رساله دیگری جمع کرده دران ایات واخباری که در اصول فقه بان استشهاد میشود.

١٥٩ الحاج شیخ عبد الرسول گمتیان بن حاج محمد حسن گمتی باف وکان ابوه یزاول امر الگمتی وهو نوع من الاقمشه من منسوجات یزد، من تلامذة ایة الله الخراسانی فی النجف ثم جاء الی یزد واشتغل بالتدریس وربما یدرس لغایة استاده

و

والامامة لكنه خامل الذكر راسا وصفر اليد ومات عند مراجعته من المشهد بتربة الحيدرية سنة ۱۳۴۲. له كتاب ارائة الطريق فارسی فی الاخلاق وقد طبع. وله الصالح محمد علی وله ایضا کتاب فی اصول الفقه وسننا ۶۵ نقل بعض الثقاة قال ما اعرف ولا یعرف الیزدیون قدره حتی اذا کنا فی المشهد مع صاحب الترجمة فزرنا مع الحاج شیخ عبدالکریم الحائری وکان ایضا فی المشهد فاستعظم الحائری مقدمه واصدره فی المجلس فعرفت قدره وتاسفت علی انه مجهول القدر فی الیزد. بحو رحمة الله علیه بهو فاتحة العلم وخاتمة

۱۶۰ شیخ عبدالرسول ساباطی باو ساباطی میگفتند چون درمسجد ساباط یزد امامت داشته. در اوائل امر بزاز بوده بهمت مأخود بنجف رفته واز محضر آسید محمد کاظم بهره وافر برده وتقریرات درس ایشان نوشته بیزد امده درمسجد ساباط نماز میخوانده ومدرس هم بوده واززهاد بزرگ یزد محسوب میشود واز ایشان کراماتی منقولست راح الی رحمة الله سنة ۱۳۴۵ وعمره ۶۴ مدفن او مقبره اخوند ملا اسماعیل ابداً ادعا اجتهاد نداشته.

۱۶۱ الحاج سید علیرضا بن میرزا سید علی حائری پدرا وازاعلام وخود بعد از وفات پدر بنجف مشرف وخدمت آسید محمد کاظم ونائینی وآسید ابو الحسن اصفهانی تلمذ وبیزد مراجعت کرد چند سالی دریزد وبعد بمشهد رفت ودرانجا به مرض سل ازدنیا رفت خیلی تندخو بود وبهمت ایشان کتاب الهام الحقه میرزا سید

حرف العین

سید علی مدرس در مشهد طبع شد.

۱۵۲ آشیخ علی محمد مدرس ابن احمد مسکن در یزد خدمت میرزا سید علی مدرس تحصیل کرده و باصفهان رفته خدمت اساتید آنجا استفاده کرده خیلی فاضل و خیلی متقدس بوده و سطوح را از حفظ تدریس میکرده و بنماز استیجاری و روزه غالبا امرار معاش میکرده در سال ۱۳۵۴ فوت کرده فرزندش صاحب کتاب فروشی گلبهار در یزد میباشد. صاحب ترجمه مقیم اصفهان بوده.

۱۵۳ الشیخ علی اکبر ابن حسن بن ابو القاسم اشتغل فی یزد عند حاج آخوند طزرجانی ثم فی اصفهان سبع سنین عند جهانگیرخان ثم فی النجف خمس سنین عند السید محمد کاظم ثم رجع الی مسقط رأسه و مدفنه صدرآباد من بلوک رستاق یزد و کان معیشته من الزراعة و لم یدخل من مال الله فی معیشته و اجازه بالاجتهاد السید محمد کاظم و السید محمد الفیروزآبادی و السید ابی الحسن الاصفهانی مات سنة ۱۳۴۹ و سنه ۵۴ تقریبا و لا عقب له من العلم و کثیرا ما ینشد هذین الشعرین المتقابلین.

دل نیست کبوتر که پریام نشیند   ما از لب بامیکه بریدیم بریدیم
بیهوده مزن سنگ جفا بر پر و بالم   ما بر لب بامی که نشستیم نشستیم

۱۵۴ حاج میرزا عبدالوهاب بن حاج میرزا عبدالحسین از علماء یزد دارای مقام نقاهت و تصدیق مقام اجتهاد از صاحب جواهر، پدرشان از اطباء معروف بوده و صاحب

ترجمه

حرف العین

ترجمه نیز از علم طب بهره کافی داشته

۱۶۵ حاج میرزا عبدالحسین بن حاج میرزا عبدالوهاب سلطان المدرسین معروف با مجتهد شاگرد فاضل اردکانی فوت ۱۳۳۵ قمری.

۱۶۶ سید علینقی موسوی وقت ساعتی (یعنی محله وقت ساعت) از علماء یزد شاگرد میرزا سلیمان طباطبائی یزدی معاصر حجة الاسلام رشتی که منافره با صدر العلماء ایشان جد امی حاج سید علیمحمد وزیری واعظ می باشند وجد ابی دکتر ریاضی متخصص بیماریهای چشم وجد ابی سید محمد علی ریاضی ملک الشعراء آستانه حضرت معصومه علیها السلام وجد مرحوم افصح زاده پسر افصح الملک می باشد، ایشان اولاد امامزاده سید محمد عقدا میباشند وفعلا کسی از خانواده ایشان از اهل علم نیست،

۱۶۷ ملا عبدالله بن شهاب الدین حسین یزدی، اصلا از اهل بهاباد یزد میباشند رجوع شود بتاریخ مفیدی ونیز بر السنه علماء یزد واهل بهاباد مشهور است واهل اشتباه که اورا شهابادی معرفی کرده اند از روضات الجنات است قال في ریحانة الادب لقبش نجم الدین بوده وگاهی خود را بنجم بن شهاب موسوم بعبدالله معرفی مینماید از فحول علماء امامیه است که جامع معقول ومنقول وعلامه وقت خود ومرجع استفاده اکابر ودر علم وورع بی نظیر بوده از ایشان نقلست که میگفته اگر بخواهم تمامی مسائل فقه را از روی ادله عقلیه ثابت کنم میتوانم وملا عبدالله با مقدس اردبیلی معاصر وبا ملا میرزا جان باغنوی نیز شریک درس وبهردو فن معقول را از جمال الدین محمود تلمیذ جلال

الدین

الدین دوانی خوانده وخودش از اساتید شیخ بهائی بوده وصاحب معالم ومدارک
معانی وبیان ومنطق را ازوی اموخته اند وبنوشته امل الامل ونیز از ایشان درس
فقه خوانده در نجف اشرف.

تالیفات ملاعبدالله . ۱ التجاره الرابحة فی تفسیر سورة الفاتحه ۲ حاشیه استبصار
۳ حاشیه تهذیب المنطق بعربی بس معروف وبحاشیه ملا عبدالله معروفست
وظاهر بعضی انکه ملاعبدالله دوفقره حاشیه بر تهذیب دارد یکی همین معروف ودیگری
نسخه خطی ان درکتابخانه رضوی موجود است ۴ حاشیه تهذیب المنطق بعربی که
تنها ضابطه اشکال اربعه ان کتابست ۵ حاشیه تهذیب المنطق بفارسی ۶ حاشیه
شرح شمسیه قطبی ۷. حاشیه مختصر مطول ۸ حاشیه مطول ۹ الدرة السنیه فی
شرح الرساله الالفیه که شرح الفیه شهید است ۱۰ شرح قواعد در فقه وبعضی گفته
اندمال ملاعبدالله تستری است نه یزدی

اقول ونیز برای اوست الحراره فی شرح العجاله بعربی در منطق بنا ... در فهرست
کتابخانه ایه الله مرعشی درقم مذکوراست ونیز بنابر نقل حاشیه ای برخطائی دارد که
حاشیه بر مختصر تفتازانی است وبخط خودش درکتابخانه ملک تهران موجود است
وفات ملاعبدالله سنه ۹۸۱ درعراق واز منتظم ناصری نقلست که ۹۸۸ سنه بوده واز
منتخب التواریخ نقلست که قبرش درنجف میباشد واز مجله یغما نقلست که بایران
امده ازعراق ومراجعتش معلوم نیست اقول والان در بهاباد قبری مشهور که مورد

توجه

توجه است و علی المشهور قبر ملا عبدالله است در کتاب نجوم السماء از سلافة العصر نقل میکند پسر ملا عبدالله ملا حسن علی عالم صالح و قدوه فضلای کرام

سنه ۱۰۶۹ وفات یافت .

۱۶۸ ملا عبدالکریم عماد الاسلام و متخلص بمجاهد بن حاج محمد حسین مسگر پسر عموی الشیخ علی مدرس مسگر که گذشت نام او ، در نزد شاگرد امیرزا سید علی مدرس و در سامراء مورد توجه میرزای شیرازی در یزد از خطبای عالی مقام و وکیل مجلس شورای ملی در دوره اول شدند وفات در سال ۱۳۴۲ مزار جوی هرهر سبط ایشان حاج شیخ علی اکبر سعیدی از ائمه جماعت مقدسین مورد اتفاق کل میباشد ، صاحب ترجمه باغ زیبائی درده بالا احداث کرده بود که بباغ اخوند مشهور بود و الان ویران شده .

۱۶۹ اخوند ملا عبدالرحیم و اخوند ملا عبدالکریم دو عالم بزرگ خواهرزاده مرحوم اخوند ملا اسماعیل عقدائی بودند که هردو باصفهان رفته و تحصیل کردند و از انجا بطهران رفتند و اعقاب ایشان کسی از اهل قلم نیست

۱۷۰ سید عبدالرحیم فرزند سید ابراهیم حسینی یزدی عالم عامل و فقیه کامل شخصیت . شاگرد شیخ انصاری له مؤلفات منها اللوائح اللاهوتیه نقل از کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری

۱۷۱ حاج سید علی بن مرتضی طباطبائی یزدی نقل از روزنامه اطلاعات از علماء معروف عصر

حرف العین

عصر قاجار است وی در طول حیات ۱۵ زن عقدی و صیغه (متعه) داشت که
سید ضیاء الدین طباطبائی نخست وزیر بعدی ایران فرزند اول او بود آقا -
سید علی از شاگردان میرزای شیرازی بود مظفرالدین شاه در زمان ولیعهدی
از میرزای شیرازی مجتهدی خواست که به تبریز برود ایشان آقا سید علی را فرستادند
وچون اهل منبر ودارای بیان قوی بود مریدان بسیار پیدا کرد مرحوم امیرخیزی -
میگفت آقا سید علی شبی در بالای منبر دعای ابو حمزه ثمالی را میخواند وشب احیاء
بود طلبه ای به پهلوی من زد و گفت خود امام بالای منبر است .
درسال ۱۳۱۸ قمری شمس الدوله عیال ناصرالدینشاه که قصد رفتن بعتبات ومجاور
شدن را داشت خانه اش را میفروخت مظفرالدینشاه آن خانه را بمبلغ شش هزار
تومان برای آقا سید علی خرید تا وی نزدیک کاخ باشد و کالسکه ای هم باو بخشید که
علامت تاج داشت وحق داشت مانند سائر کالسکه های سلطنتی از پشت حضرت
عبدالعظیم بگذرد واین اجازه بهیچ وسیله نقلیه دیگر داده نمیشد وقتی مظفرالدینشاه
فوت کرد بنابر وصیت او آقا سید علی برجنازه او نماز خواند واین سنگ اول مخالفت
علماء با وی شد در وقایع مشروطیت نام او با حاج شیخ فضل الله نوری باهم برده میشد
در میدان توپخانه بتری بسوی او رها شد واین سوء قصد منجر بکشتار شد آقا
سید علی بعدها در زمان استبداد صغیر علم مخالفت با محمد علیشاه را برافراشت
ومیگویند این تغییر عقیده در اثر تلقینات سید ضیاء الدین بود ولی از مخالفت

در

درحضرت عبدالعظیم تا سقوط محمد علیشاه بست نشست در دوره دوم مجلس نیز از یزد انتخاب شد ولی برگز بمجلس نرفت

اوّل نامه هائی که در روزنامه اطلاعات از مظفرالدینشاه گراور کرده است که بایشان نوشته و گاهی از ایشان التماس دعا و گاهی هم تقاضای ملاقات کرده و نیز در همان روزنامه نامه‌ای از مرحوم آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی بعنوان ایشان گراور شده عیناً درج میشود طهران پنجم شهر ذی الحجه ۱۳۲۶ خدمت جناب مستطاب شریعتمدار عمدة العلماء الاعلام ملاذ الاسلام آقای آقا سید علی آقای یزدی دامت برکاته. احکام صادره از این خدام شرع انور بر وجوب اهتمام در مشروطیت دولت ایران و تشکیل مجلس شورای ملّی عمومی و حرمت دادن مالیات بحکام حالیه بلاد جمیعاً صحیح است و صادر از داعیان است و نسبت صدور ناسخ احکام مزبوره از مرحوم مقدس آیة الله آقای حاجی قدس سره (مقصود حاجی میرزا حسین بن حاجی میرزا خلیل تهرانی است) و این خادمان شریعت مطهره از اکاذیب و مفتریات است چگونه رفع ید و اعراض از چنین نعمتی عظمی که موجب قطع تعدی و ارتکابات دلخواهانه ظالمین و متوقف علیه حفظ بیضه اسلام است ممکن و صدور ناسخ در چنین امر واضحی که از اظهر ضروریات دین مبین است محتمل الصدور تواند بود انشاء الله تعالی شرح مراتب معروضه را بعموم مسلمین ابلاغ فرموده با کمال اتحاد و اتفاق کلمه در انفاذ احکام الهیه بذل جهد نمایند تا بعون الله تعالی

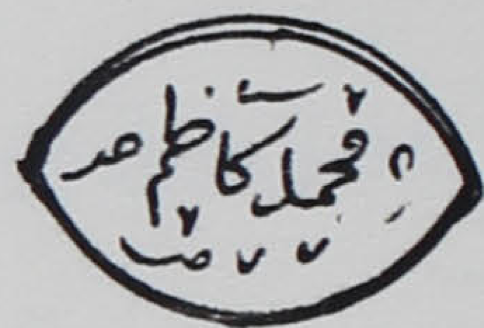
و

وحسن تأييد ، نفوس واعراض واموال مسلمين بليش ازاين تلف نشود واين لقيه ممالك اسلاميه از استيلاء وتصرف كفره مصون بماند انشاء الله ولاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

الاحقر عبد الله المازندرانی



الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی



مشارالیه درسنه ١٣٢٥ فوت کرد وبنا بر نقل کرده بعض فهارس برای ایشان کتاب وسائل مظفری میباشد که برای مظفر الدینشاه نوشته ودرسنه ١٣٢٠ چاپ شده ودربیان مصیبت سید الشهداء علیه السلام میباشد

واما فرزند ایشان سید ضیاء الدین که دارای تفسیری هم میباشد که چاپ شده ازبزرگترین شخصیتهای سیاسی اواخر قاجار وزمان رضاشاه ، ولسپریش محمدرضا شاه میباشد واول کسی است ازغیر خاندان سلطنت که بنخست وزیری (رئیس الوزراء) رسیده وداستان او بسیار مفصل است وسید حسن بن سید مرتضی الیزدی الطباطبائی وسید محمد باقر بن مرتضی الیزدی الطباطبائی که نام هر دو درفهرست بهست علی الظاهر برادران صاحب ترجمه میباشند .

١٧٢ شیخ علی بن ملا محمد بن حاج ملا حسن کسنوی درکربلا خدمت جدش تحصیل کرده سپس درتهران خدمت حاج شیخ فضل الله نوری شهید باخذ اجازه اجتهاد

اجتهاد نائل شده و بیزد آمده و در سنه از دنیا رفته و در جوی هر هر نجاک سپرده
شده اولاد او اهل علم نیست.

١٧٣ المولی عبد الله الیزدی من تلامذة العلامة المجلسی لما فی الفیض القدسی قال
فی حقه المولی الفاضل الرضی الزکی.

١٧٤ عماد الدین یزدی حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در کتاب تبیان رفیع در حسن
حال خواجه ربیع از زهر الربیع سید جزائری نقل میکند که جزائری شیخ محقق عماد
الدین یزدی را توصیفات کثیره نموده و فضائل جمه و مصنفات شیره از او نقل
فرموده گفته است ومن ملازم او بودم در مدتی مدید و از حالات ایشان در غذا
خوردن این بود که در ایام هفته نان خالی خشک میخورد مگر در روز جمعه چه انروز
مطبوخ و نجتنی صرف میکرد و میل میفرمود و این رسم و حال ان عالیمقدار بود تا
وقتی که ما از او مفارقت نمودیم و گمان ندارم سببی را ازبرای فکر دقیق صافی از
شوائب اوهام ایشان مگر کم خوردن زیرا که وقتی معده پرشد از غذا دور
می نماید صاحب خود را از فکر نمودن در علوم الهیة و استنباط احکام شرعیه و غور
کردن در مسائل عقلیه

١٧٥ علی الحسینی الیزدی جُنگی دارد که از ان بر میاید که از اهل علم و اطلاع کامل
بوده کتابخانه وزیری.

١٧٦ شیخ علی بن ملا غلام رضا بن ملا حسن با فقی در یزد ترد و الد اینجانب سید.

احمد تحصیل کرده سپس اصفهان خدمت جهانگیرخان و در مدرسه سلیمان خان نزد سیبویه استفاده کرده و عاقبت بنجف مشرف و تحصیل نموده و به بافق وطن اصلی خود بازگشته و سالیانی سرآمد علماء آن سامان بوده و بسیار زاهد. چون سال وبائی پیش امد کرده در بافق بسیار شیوع پیدا کرد همه اهل علم بافق به کوهستانها فرار کردند تنها مشار الیه برای تجهیز اموات متوکلا علی الله مانده بود برای تجهیز و در مجالس توسلات که بر سر گذرها بر پا میکردند شرکت میکرد بالاخره آخرین تعزی که بوبا مبتلا میشود و مرحوم شد ایشان بودند سن او به پنجاه نرسیده بود و در صحن امامزاده بافق مدفون شد کذا اخبرنا بهذا کله ولده الصالح صدیقنا میرزا محمد طلائی یزدی

۱۷۷ آقا علی المهرجردی الیزدی المدعو بمحمد علیا صاحب دره بیضاء رساله فارسیه فی کیفیه استنباط الاحکام من الکتاب والسنة متمایل الی الاخباریه. وصفه جدنا میرزا محمد علی المدرس علی ظهر کتاب الدره بخط الشریف بالشیخ الزاهد تاریخ الکتاب سنه ۱۱۶۶ وکان فی زمان وفاة المصنف ره.

۱۷۸ الشیخ علی بن صبیح العاملی ذکره فی جامع المفیدی وقال فی امل الامل کان عالما فاضلا فقیها محدثا عابدا زاهدا ورعا شیخ الاسلام فی یزد معاصر شیخنا البهائی قدس سرهما.

۱۷۹ الحاج الشیخ علی الیزدی البارجینی بن زین العابدین شیخ الفقها والمجتهدین

انتهت

انتهت الیه الریاسة العلمیة والقضاوة الشرعیة وتوفی سنة ۱۳۲۲ فی الحائر المقدس
بعد اقامته خمسا وستین سنة ۶۵ فی تلک البلدة الشریفة ودفن عند رجلی عباس
بن علی علیه السلام وقد الف وصنف کتبا کثیرة منها السعادة الابدیة فی ذکر الاخبار
العددیة ومنها روح السعادة طبع فی حیوته ومنها الزام الناصب فی اثبات الحجة
الغائب عجل الله تعالی فرجه ومنها منظومة فی الفقه من الطهارة الی الزکوة مشتملة
علی المدرک والاستدلالات وتصدی لطبعه نجله الجلیل الشیخ میرزا علی اکبر الحائری
رائیة مکتوبا کذا علی ظهر کتاب الزام الناصب

۱۸۰ آشیخ عبدالغفور بن آقا محمد بن حاج محمد طاهر یزدی جد ایشان از اعاظم
بوده اما مشارالیه بنا بر نوشته پسرش مهدی طاهری در کتاب خود بنام نرمان
از اعاظم دانشمندان ونویسندگان ودر غالب علوم بویژه حکمت وعرفان متبحر بوده
کتاب تذکرة السلاطین - تذکرة الواعظین - مصابیح الانوار - لؤلؤ منثور
گلزار پهلوی که منظوم از اوست - وفات مرحوم در بهرماه سنة ۱۳۱۶ یعنی سنة ۱۲۵۶ قمری
اقول در کتابخانه وزیری کتابیست بنام مفاتیح الحقائق الالهیة در اصول دین
از مشارالیه که در زمان حکومت جلال الدوله باشاره زین الفقهاء امیرزا سید حسین
نوشته (علی الظاهر مقصود سید حسین بن سید حسن بن میرزا سلیمان باشد
که نام او گذشت) ختم کتاب سنة ۱۳۱۲ وعمر صاحب ترجمه ۸۴ واول کسی است که مدارس
جدید در یزد بنا نهاد ومدرسه جدش که در محله ابوالمعالی بود مدرسه ششکلاسه جدید
کرد

حروف العین

کرد بنام مدرسه طاهری و چون رضاشاه بیزد آمد و گلهای زیاد نثار او کردند او و یزد را بنام گلزار پهلوی نامید و صاحب ترجمه باین مناسبت کتاب گلزار پهلوی نوشت و بعض اشعارات در کتاب فرمان پسرش مهدی طاهری که در اداره اوقاف وارد بود موجود است و پسر دیگرش بنام احمد طاهری داخل در امر فرهنگ (معارف) بود و یک کتاب تاریخ مختصری برای یزد نوشته که طبع شده و فعلا کسی از خانواده ایشان از اهل علم نیست والسلام خیر ختام .

۱۸۱ حاج میرزا عبدالحسین بن حاج میرزا اسدالله بن الشیخ محمد تقی جد ایشان از بزرگان و نامشان گذشت بنام میرزا محمد تقی بن حاج ملا باقر و اما پدر ایشان از علماء است و در سن پنجاه و شش سالگی مرحوم شدند و اما مشارالیه پس از تحصیل در یزد پنج سال در اصفهان و سه سال در نجف تحصیل کرده و از مرحوم آخوند خراسانی مجاز باجازه اجتهاد بودند سپس در یزد بمقام تدریس سطوح اشتغال و در هفتاد و پنج سالگی سنه ۱۳۶۱ و بحساب شمسی دیماه سنه ۱۳۲۱ مرحوم شدند و برای ایشان عقبی نیست ، مشارالیه دارای کتابخانه مهمی ذیقیمت نفیس بود که بدامادشان آقای شیخ علی علوی بن شیخ محمد رضا منتقل شد و ایشان را هم اولادی نبود و کتابها را بکتابخانه دانشگاه مرکزی تهران بقیمت ارزانی فروختند و کمی از آن هم بکتابخانه . سریزدی داده شد .

۱۸۲ حاج سید علیمحمد وزیری عریضی موسوی ابن سید مهدی پدر ایشان بهره

حیدانی

چندانی از علم نداشته طایفه هستند در یزد ملقب به وزیری چون جدشان وزیر

بعض سلاطین محلی زمان ملوک الطوائف بوده‌اند مشارالیه نیز بهره وافری از علم

نداشت و ما را بنا نبود که در این فهرست از غیر علماء نام ببریم اما چون خدمات ارزنده

ای برای اجتماع مسلمین داشته لذا لازم دانستم نام او را ذکر کنم اگرچه شرح احوال

ایشان در بسیاری از مجلات و کتب معاصر ذکر شده.

مشارالیه در سن ۱۲ سالگی پدر را از دست داده پس از تحصیلات مختصری بشغل

وعظ و تبلیغ پرداخته تا در زمره طراز اول وعاظ یزد بشمار آمده دارای صوتی دلربا

و در فن ابکاء ممتاز و اشعار زیادی در حفظ داشت که در محاورات نوعاً بآنها تمثل

می‌جست و از آنها استفاده میکرد و شنوندگان را مجذوب خود میکرد در محاورات

و از این راه بمطالب خود میرسید اما اینها را برای روح بزرگ خود کم می‌دانست از اول

جوانی شروع باقداماتی کرد از انجمله در حدود سنه ۱۳۵۳ قمری شروع بمباحثه بافرقه ضاله

بهائیه و در موقعی که امر برداشتن عمامه از سر علماء از طرف رضاشاه شد خیلی جدیت

داشت و فعالیت میکرد شاید تخفیفی داده شود نسبت ببعض بزرگان و چون

مسجد جامع کبیر یزد رو بویرانی کلی گذارده بود در سال ۱۳۰۶ تقریباً جلسه‌ای

تشکیل داد بنام حامیان مسجد و شروع باحیاء موقوفات و تعمیرات و تکمیل مبانی و

تزئینات مسجد شد و مسجد را در مدت بیست سال تقریباً به بهترین صورت

آبرومندی بیرون آورد در این بین چون چند تن فرقه ضاله بهائیه شبانه از یزد رفته بودند

و در ابرقوه یزد یک خانواده مسلمان را کشته بودند مرد و زن و بچه کوچک اهالی یزد
و آقای وزیری کمک کردند و بالاخره تا اندازه ای موفق شدند و یکنفر از آنها را
اعدام کردند و چند نفر را حبس کردند و ایشان شش باب مدرسه بنام تعلیمات اسلامی
در یزد و حومه شهر برقرار کردند دبستان و دبیرستان و در انتخاب مدیر و آموزگاران
فعال متدین سعی بلیغ مبذول داشت و نتیجه های خوب از آن عائد اطفال .
مسلمین شد . بهترین اقدام ایشان تأسیس کتابخانه بنام وزیری جنب مسجد
جامع که هسته مرکزی آن را کتابهای شخصی خود تشکیل میداد و در راه آبادانی آن رنج
فراوان متحمل شد و از هرگونه فعالیتی بصورتهای مختلف دریغ نداشت و الان کتابخانه
بهترین کتابخانه یزد و از کتابخانه های مشهور ایران بشمار میاید و دارای محتویات .
نفیسی است ، نماز جمعه را ترویج کرد بعد از آنکه جمعیت اندکی بود امروز بچند هزار نفر بالغ
میشود سالیان دراز مقرر کرده بود که روز سیزدهم محرم در مسجد ملا اسماعیل هیئت
های عزا و مردم اجتماع میکردند و عزاداری می نمودند تا قریب ظهر . بنام روز دفن
شهداء ، بسیار بینوایان را فریادرسی میکرد ، سبب پیدایش ازدواجها بود بطلاب
علوم دینیه کمک میکرد مورد توجه آیة الله بروجردی و حکیم و غیرهما بود . جُنگی
ترتیب داده بود که در آن صورت دستخط علماء شهرستانهائی که از ایشان درخواست
کرده بود هرکدام بمناسبتی موضوعی را بیان فرموده بودند و آنرا بصورت زیبائی صحافی
کرده بود یک دفعه من آنرا دیدم و الان نزد ورثه است ، مردی بود بسیار گشاده

رو

روخوش معاشرت، فعال، خلاصه کم نظیر بود. شرح فعالیتهای ایشان بسیار
نسبت بمن بسیار لطف داشت خداوند بایشان جزای خیر دهد.

بسر نیامده طومار عمر جهدی کن   که چون قلم ز تو از هر قدم اثر ماند

چند سال اخر عمر بواسطه کسالت منبر نمیرفت تا در سال ۱۳۹۷ بدرود حیات
گفت و در قبری که سابقا مهیا کرده بود بخاک سپرده شد و تشییع مفصلی از ایشان
بعمل امد و مجالس عزاء بسیار منعقد کردند اولاد ایشان چند دختر است و آقای
دکتر سید محمد حسین وزیری ایشان هیچ وقت پیرامون امامت و تدریس نگشتند
عمر ایشان ۸۵ تقریبا.

۱۸۳ میر سید علی مدرس بن العالم الحاج سید علی رضا بن الحاج میرزا زین العابدین
الطباطبائی، کان من نوادر عصره بل الاعصار و مصره بل الامصار فی جودة القریحة
وسرعة الانتقال وقوة البحث اعترف الموافق والمخالف بذلك، لم یر عین الزمان
مثله، کان سبط من اسباط میرزا محمد علی المدرس و کان مع علو درجته فی الاجتهاد
حسن الشعر والخط وبعض اشعاره مطبوع. کان زمیلا مع جدنا السید محمد
فی التحصیل وقد حضر صاحب الترجمة بحث استاده الاکبر آقا محمد جعفر الکرمانی ره
وهو ابن سبع عشر سنة وهو یلقی القوانین الاصول علی تلامذته فالقی اول
یوم حضوره اشکالا علی الاستاد فتامله واعجبه وقال هذه رمیة من غیر رام و
عکف علی الاستفادة منه ومن غیر مجد وافر الی سنه ۱۲۹۳ فاجازه بالروایه واعلن

وصدق باجتهاده ودرایته ثم بقی فی یزد الی ۱۲۹۵ سنه فرحل الی العتبات واشتغل

علی الفاضل الاردکانی وربما قیل علی حجة الاسلام الشیرازی واجازه الفاضل بالروایة

مع بیان علو مقامه فی الاستنباط والدرایه بماهما اهله ثم انی رایت اجازه هذین

الاستادین ورایت ایضا اجازه المولی میرزا محمد حسین الشهرستانی بخطه الشریف

غیر انا نذکر جمله ما کتبه الفاضل فی حقه قال ره السید السند والحبر المعتمد .

العالم العامل المؤید الفاضل الکامل المسدد فخر الافاضل وبحر الفضائل عارج معارج

التحقیق ناهج مناهج التدقیق الممدود بکمال التأیید والتوفیق وهو به قمین

حقیق نجم السماء السودد والسیاده ودرّ صدف الخیر والسعاده فرع شجرة الطیبة

النبویه وغصن دوحة العلیة العلویه ذو الفکر الحدید السلیم والفهم العمیق القویم

والذهن النقاد والطبع الوقاد الحائز للفضائل النفسانیه بتمامها والبالغ فی

منها ذروة سنامها الزکی الالمعی الاحوذی والفائق علی الاقران بالفضل الباهر الجلی

مولینا میرزا سید علی الیزدی لازال طلائع التوفیق عاکفة علیه ومحاسن

الایام متصلة لدیه ... الی اخر ما قال . تاریخ الاجازه ۱۲۹۷ سنه فعند ذلک

ینبغی ان تسکت عن مدحه لان غایة مدحنا من مثله قدحه . ثم انه رجع الی یزد .

۱۲۹۸ سنه وصار مرجعا عاما للبلد واشتغل بالتدریس فی المصلی وخرج من مجلسه

جماعة .

حکی لنا والدناره انه کان دائم الاشتغال بالعلم حتی اذا رکب لحاجة کان الکتاب

امامه

امامه يطالع ويشتغل بالتفكر فاذاً عنان حماره يجر على الارض يذهب لزيارة الرضا عليه السلام ومعه حمل كتاب يطالع اذا نزل و بعد رحلة مجدد الشيرازى ره زار ائمة العراق و عليهم السلام ولقى ائمة الفقهاء وباحثهم سيما الكاظمان الفاضلان واعجبوا واذعنوا بعلو مقامه فى العلم ومع ذلك كله اذعن واعلن اعلمية السيد محمد كاظم وهذا من اهم بواعث رجوع اليزديين اليه كما ان السيد يحيى الموسوى اقربه بذلك ثم ان السيد على لم يزاول الامامة اصلا اما الوعظ فهو اهله فى ايام شهر رمضان فى جامع سررىك له تأليفات ومكتوبات كثيرة صار كلها هباءً منثورا منها مقاصد العلية فى شرح الالفية ومنها حواشى على اوائل كتاب الاستبصار الخطى وهو موجود بمكتبة السريزدى و المطبوع منها الهام الحجة فارسى فى الكلام طبع فى المشهد بسعى من العالم الجليل السيد عليرضا بن ميرسيد على الحائرى اليزدى ثم انه ابتلى فى اواخر عمره بمرض الفواق وذهب الى زيارة الرضا عليه السلام وحين المراجعة توفى فى طبس ودفن فى امامزاده طبس وهو على مسافة قريبة من البلد يعرف ديزار، وكان ذلك فى سنة ۱۳۱۶ وتمام عمره ۵۱/۵ ورثاه بعض الوعاظ من تلامذته وقد طبعناها وشرح حاله مذكور فى اعيان الشيعة ومشجرات العلامة النسابة المرعشى ولم يكن ولد ذكور واشتبه على العلامة النسابة فيما كتب الينا فحسب ان السيد عليرضا سابق الذكر ابنه

سجع مهره



ميرزا

١٨٤ ميرزا السيد علي الحائري ابن الحاج ميرزا محمد رضا من اولاد الامام الصادق عليه السلام
وامه من الخوانين ولد سنة ١٢٦٥ ونشأ في اليزد وتلمذ عند آخوند ملا محمد هادي
امام مسجد الغرظ وكان يرجح في الاستعداد على السيد محمد كاظم الطباطبائي كما
اعترف به بعض آخر ثم رحل الى العتبات واشتغل على الفاضل الاردكاني ونال منه حظا
وافرا الى ان فاق الاقران في العلم والعمل ثم جاء الى مشهد الرضا عليه السلام وملأ فاه نفع
وصار قدوة في الفتيا والعلم وتصدى للامامة بجامع گوهرشاد الى ان الهم بالاعتزال
وجاء الى يزد قاصدا للحج ولم يحج تجانبا للامامة والتدريس والمخالطة متوجها
الى ربه العزيز مجاهدا للنفس شديد النكير على من يصانعه بالمخالطة صبرا للهجرة في
موارد ينبغي ان يأول ويحمل على الصحيح واستوطن في يزد سنين متطاولة وفي
زمان قتل مرده البهائية خذلهم الله كان في يزد وامر الناس على المنبر بالسكون
وكان على هذه الوتيرة الى ان اختاره الله سنة ١٣٢٠ ودفن في حجرة جنب قبر جده امام
زاده ابو جعفر وعلى قبره لوحان صغير وكبير مكتوب نسبه الى الامام وبالجملة كان
شخصه من اعلم (علي الطاهر) واشهر واعرف عالم نشأ من يزد واستوطن بها
كما ان السيد محمد كاظم الطباطبائي اعلم واشهر مرجع من يزد على الاطلاق وقد ذكرنا
في عدية البني ما يدل على بعض مقاماته وقد حكى عنه انه قال كنت متفكرا اهل حصل لي فتح
من المجاهدات حتى كنت رأيت في المنام اني في دن مطموس مظلم لا يهتدى فيه الى
اي شيء سوى كوة على قدر راس الابرة يطلع فيه النور والضياء فانتبهت وعلمت
ما

ما اوتيتم من العلم الا قليلا

ومن نوادر امره ما حكاه بعض الثقات من بعض وثقه . ان السيد علي الحائري
مرّ يوما راكبا تجاه قبر اخوند كرباسي وعبد النبي سلم فعند ذلك سمعنا جواب السلام
عن القبر ومعنى الحائري لحاجته فلما رجع وقت العصر وصار عند قبر الاخوند وكان
له بقعة محقرة يسكنه بعض الفقراء ناداه الحائري وقال انا نريد الذهاب في الغد
فهل تجيئ معنا فقال لا انا اجئ بعد اربعين يوما قال الراوي فلما جاء الغد مات الحائري
فجاة في الحمام قريب الظهر ومات الفقير درويش مهدي بعد اربعين يوما .
والمشهور فوز صاحب الترجمة بلقاء صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه الشريف في قضية منفصلة
لا يحضرني الان ولصاحب الترجمة ابنان اكبرهما الحاج سيد علي رضا من العلماء
وقد مضى ذكره وابنه الاخر السيد ابو الحسن حائري زاده اشتغل بالعلم قليلا
ثم دخل في حزب الحكومة الدستورية (مشروطه) كان رجلا قويا سياسيا ساحريا
فعالا . له مقالات في السياسة حتى في حيوة والده وكان غير مرضي عنده وان
كان المنقول ان والده امضى المشروطه كرها ثم انتقل الى تهران وله رفعان وخفضان
رفع امره من اوان الحكومة المشروطه الى ان اتصل بالسيد حسن المدرس الاصفهاني
الشهيد ره وصار من وكلاء مجلس الشورى فخالف وخالف رضا شاه فهلوي فيمن
خالف وبعد ان صار سلطانا وسقط امر المدرس واستشهد صار الحائري
زاده مفحما مقعدا جليس البيت الى ان ابتلى السلطان الجائر الى سريا لنكبته والانعزال
عن

عن عرش السلطنة والتبعيد الى جزيرة موريس باشنع حال ينبغى ان يعتبر

اهل النظر. قال على عليه السلام ما اكثر العبر واقل الاعتبار وصار ابنه محمد رضا شاه

الحمد لله بابيه سلطانا على كمال ضعفه فعلا امره ايضا وصار وكيلا واتصل بالدكتر

مصدق ولم يطل ذلك حتى اذا اسقطه امرا لكثر واستولى الشاه خفضه الدهلى

الامور. صار الحائرى زاده ايضا جليسا للبيت وكلمة مع ذلك كان ذا لسان طلق

فى مساوى الحكومة وله خطابات فى المجلس حول امر النفط وغيره ينبئ عن سعة

قدرته واطلاعاته هذا قليل من كثير وصار مريضا وذهب الى افرنج وتوفى هناك واوصى

ان يدفن فى اقرب مزار للمسلمين فى مملكة ايطاليا

۱۸۵ حاج ميرزا على اكبر لغوى بن حاج ميرزا محمد جعفر متطبب الحسنى الحسينى صاحب

نخبة اللغات ونخبة الميزان كه در اولى افعال ثلاثى مجرد را معنى ودر دومى كه كتاب

كوچكى است تعيين وزن انها را ميكند وهر دو طبع شده وشرح نصاب هم دارد

مسمى بدرة الثمينة كه انهم طبع شده وفراغت مصنف ازان در سنه ۱۲۹۲ ميباشد

وفراغت از نخبة الميزان سنه ۱۲۸۷ واين را براى آقا ابو الحسن بن حاج محمد رضا

الرشتى اليزدى نوشته قبر مشار اليه در كربلا است چون در اواخر عمر مجاور كربلا

شده بود

۱۸۶ عبد الحسيني ايتى بن ملا محمد تقى تفتى نام برده اگرچه از علماء نيست اما

چون روزى در كسوت روحانيت بوده ودر ضمن مرد داستانى است نامى ازاو برده ميشود

طالبین بیشتر رجوع کنند بکتاب آئینه دانشوران یا دانشمندان گمنام تألیف سید
علیرضا ریحان یزدی، مشارالیه در سنه ۱۲۸۷ تولد و قدری در یزد در مدرسه خان -
تحصیل کرده و سپس بعد از مرگ پدر در تفت صاحب محراب و منبر شده باوضع
ناهنجاری و در این شغل ۸ سال باقی بود سپس متمایل بفرقه ضاله بهائیه شده مقدم
او را گرامی داشتند و ۱۸ سال بیشتر در مسافرت داخل ایران و مملکتهای خارجه
بوده و برای تبلیغ مرام بآواره لقب گرفت ولی خود گوید یک آن هم معتقد
به بهائیت نبودم ولی کتابی هم برای انها نوشت و از سال ۱۳۴۰ توجه بجدّی
کرده و بنوشتن سه جلد کتاب کشف الحیل پرداخت و از این راه ضربه محکمی بآنان
وارد شد و تا آخر عمر براه شریعت مستقیم باقی بود من او را زیاد دیدم که در حال پیری
و فرتوتی معلم بعض دبیرستانها بود عاقبت بتهران رفت و انجا مرد، تألیفات بسیار
دارد معروف ترین انها کشف الحیل سابق الذکر و دیگر تاریخ یزد بنام آتشکده یزدان
و تفسیر نبی، شعر را هم نیکو میگفت و دیوان هم دارد، اما پدر او حاج ملا محمد بنا بگفته
ایتی پدرم مشهور بحاجی اخوند تقی پیشوای اهل تفت در قدس و تقوی و فقاهت مشهور
منظور خاص مرحوم میرزای شیرازی، گوید من مغنی را پیش برادرم خواندم و مطول را
پیش پدرم و پدرم ۱۲ سفر کربلا مشرف شده بود اما جدّ ام اعلای من نیز حاجی ملا
محمد بزرگ است که قبرش در حسینیه گرمسیر تفت بوده

---

۱۸۷ الحاج میرزا علی اکبر صلائی ابن الحاج میرزا محمد علی ابن العلامة الحاج میرزا محمد
ابراهیم

ابراهيم كان جدّه من كبار العلماء ومن احفاد شيخنا المفيد قدس سره جاء من عراق

الى ايران لتجديد المعاهدة العلمية بعد اندراسها فى فتنة الافاغنة ونادرشاه وسكن

شيراز اوكرمان وانتقل واخرهم الى يزد لموافقة هوائه واستوطن ابنه ابوصاحب

الترجمة فى محلة مصلى العتيق وصلى فى مسجده ولذا اشتهر هو وابنه بالمصلائى

اما صاحب الترجمة من كبار تلامذة الشيخ الانصارى ره. فقيها اصوليا متكلما شاعرا.

يعبر عنه جدنا السيد محمد وهو من افاضل تلامذة بالاستاد الاكبر وقال ابونا السيد

احمد فى حقه الاورع الاتقى وحيد عصره وفريد اوانه اعلم العلماء وافقه الفقهاء انتهى

وغاية ما سمعنا والعهدة على الراوى ان الميرزا المجدد الشيرازى ره اشار اليه بالمرجعية

فابى وكان ره فى غاية الزهد وربما يأكل من كديده (پينه دوزى) او (كفش دوزى) و

التزديد منى وربما يوجر بنفسه للصلوة الاموات (نماز استيجارى) ولم يداخل القضاوة

اصلا، انتقل الى محله چهارمنار وتصدى لامامة مسجد تلك المحلة حتى اصيب بعينيه

وصار الى جوار الله سنة ١٣٠٧ بعد ان مضى من عمره الشريف ٨٣ سال وكان سبب وفاته

انه عثر فى بعض الايام ومنها حتفه فى الساعة ودفن فى بعض حجرات المتصل بالرواق فى

الصحن الغربى من بقعة امام زاده جعفر وعلى قبره حجر منقوره عليه اشعار كان من منشآت

ابنه وخلفه فى العلم والتدريس والامامة وضجيعه فى المدفن ميرزا محمد المتوفى سنة ١٣٣٥

ثم انه يظهر انه كان من المكثرين فى التصنيف الا انه ذهب ادراج الرياح لعدم مبالاة

اهله ولم يبق فيما اعلم سوى كتاب فى الفقه اوله بسم الله الرحمن الرحيم كتاب الطهارة وهى

كما

کما فی مع مصدر طهر فتحا وضما بمعنی النزاهة ومثله فی صح بزیادة من الادناس
وفی یه مع النزاهة اخره فی مباحث وجوب الانحراف عن القبلة عند الخلوة
نختم بقوله ره ثم ان المدار هو قبلة المختار فان الاسامی انما هو للواقعیات فلا یجب
التشریق والتغریب نظرا الی ظاهر الامر وما ورد ان ما بینهما قبلة فان ...

وایضا له رسالة فی بیان بعض الایرادات علی ارشاد العوام للحاج محمد کریم خان
رئیس الشیخیه اوله حمدا لمن یحق الحق بکلماته ویبطل الباطل بایاته وصلوته علی اشرف
بریاته . اخره تمام شد انچه متعلق بود بمطالب قسمت اول از چهار قسمت کتاب ارشاد
العوام از اشکالات وارده باستعجال وتنگی مجال والحمد لله علی الافضال
والصلوة علی المصطفی والال واللعنة علی الناصب والغال

وایضا له رسالة فی الرد علی المثنوی در مقدمه گوید مخفی نماند که عاصی را سخن بر
احوال صاحب کتاب نیست که ناجی است یا هالك بلکه سخن بر سر کتاب است
که کتاب سنی متعصب اشعری حشوی صوفی اتحادی یا حلولی است ویك حدیث
از طریق شیعه واهل بیت در این کتاب نیست الخ اوله الحمد لله وکفی وسلام علی
عباده الذین اصطفی لا سیما محمد واله سادات الشرفا اخره تو اگر طالب
حقی دست از ایشان بردار تا بمقصد برسی والسلام علی من اتبع الهدی
وخالف الهوی والحمد لله رب العالمین سنه ۱۳۰۴ هذین الرسالتین عندنا بخط
والدناره ، وایضا له منظومة فی الحج وقد تکلم بالعربیه مناسك شیخه الانصاری

و

و هو فارسی اوله باسم اله البلد الحرام وجاعل لاحلال والاحرام، اخره والحمد لله على الامداد، مصليا على اولى الرشاد محمد واله الاطائب وصحبه الاتباع فى النوائب

وايضا له منظومة فى نظم تهذيب التفتازانى اوله الحمد لله العلى الهادى ذى المجد و الاحسان والايادى. اخره وكان فى ستين و ثنتين من بعد الف ثم مائتين -

هاتين المنظومتين عندى بخط جدى وفى الختام نقول اما الان فقد ارتحل العلم من بيته اوكان ان يرتحل وهذه بلية عامة قد شملت بيوا العلم ومعاهدة قد خلى البلاد من العلماء الاجلاء ومنها بلد يزد وقلما يقوم ابن العالم مقام ابيه وليسد مسده كما هو معلوم من تتبع هذا الفهرست والعياذ بالله سيئول الامر الى اسوء من ذالك لو جرى الامر كذلك الاان يرحمنا الله تعالى انشاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم.

۱۸۸ ملا على اكبر بن محمد باقر اجيهى اجيه (اژيه) از توابع اصفهان است، در عهد فتحعليشاه در بلده يزد منصب امامت جمعه وجماعت باو مفوض بود

(اشتباه كرده صاحب نجوم السماء در اينكه نماز جمعه ايشان اقامه ميكرده اند)

فاضلى محدث وحكيم وباسليقه انتهى نقل از نجوم السماء

اقول در اخر كتاب معروف او بنام زبدة المعارف كه چاپ شده ونسخه از ان در كتابخانه وزيرى يزد موجود ميباشد شرح احوال او مفصلا ياد داشت شده

۱۸۹ ملا على اكبر زمان كرمانى از افاضل زمان وعلماى نام ونشان خاصه در علوم ادبيه

ادبیه وفنّ تفسیر وحدیث وادعیه وکتاب نهج البلاغه وغیره نظیر خود نداشت ومرجع اهل یزد بود چندی دریزد از کرمان آمده متوطن شد وکثیر الطعن بر شیخیه (طرفداران شیخ احمد احسائی) وکشفیه (طرفداران سید جعفر کشفی دارابی که مسلکی مستقل شبیه مسلک شیخ احمد احداث کرده بوده است) بر سر منابر بود سعاة سعایت وی پیش محمد شاه کردند که مطمح نظرش افساد وفتنه است شاه او را بپایتخت در طهران طلب داشت ودران بلده محبوس بود، در آخر عمر اذنش دادند که بمشهد مقدس برود وقضای کار در مشهد مقدس یا مابین راه ارتحال فرمود. از نجوم السماء در تاریخ خانیم نام او هست از جمله کسانیکه برای محمد ولیمیرزا کتاب نوشته اند بنام ملا علی اکبر کرمانی .





---

۱۹۰ مولی عبد النبی واسم پدر او زین العابدین است علی الظاهر ملا عبد النبی از اهل قزوین وبالاخره دریزد ساکن شده تا آخر عمر والان احفاد او دریزد بسیارند. در آخر مقدمه این کتاب گذشت فرمایشات بحر العلوم درباره شخص عبد النبی وکتاب او بنام تکملة امل الامل یا تتمیم امل الامل که بنا بگفته سید احمد اشکوری در مقدمه امل الامل در سال ۱۱۹۱ ترتیب داده وایضا در نجوم السماء گوید در اجازه محمد بن محمد صالح لاهیجی که از بعض تلامذه آقا باقر بهبهانی یافته بتقریب ذکر مشایخ خود آورد، ومنها ما اخبرنی به اجازه عدة من اصحابنا الاعلام وجماعة من فضلائنا الکرام منهم السید الجلیل النبیل ... میر سید حسین القزوینی ومنهم العالم الفاضل المحقق

المحقق والحبر الخبیر المدقق جامع المعقول والمنقول ومقرر الفروع والاصول عبد النبی

القزوینی اصلا الیزدی مسکنا لحق روایتهما عن الشریف الماجد الکریم والفقیه

المتکلم الحکیم الامیر سید ابراهیم والد السید حسین المنوه باسمه وایضا در نجوم ۱۲۰۱ و

گوید مشار الیه از تلامذه سید محمد صالح حسینی خاتون ابادی وشیخ محمد جعفر بن سید

الکمرئی الاصفهانی داماد آ. حسین خونساری ودیگر از مشایخ او که در کتاب مذکور

مسطورند انتهی .

صاحب ترجمه پسر هائی داشته از اهل علم وهم چنین نواده ویکی از انها ملا اسماعیل است

که قرآنی بخط بسیار زیبا برای ناصر الدین شاه نوشته ومقرری میداشته . سال

وفات او این جمله است که ملا فلا محسین خطیب نکرد . هذه البر الوفی مقتدانا

شیخنا عبد النبی ، قبر ایشان نزدیک قبر اخوند کرباسی است که اینجا در السنه

پیشین به هفت تن مشهور بوده یعنی هفت تن از علماء بزرگ در این محوطه مدفونند

ملا غلام حسین سابق الذکر که پیرمردی است قسم یاد میکرد مکرر مرحوم اقای امیرزا

سید علی حائری ره را دیدم که نزدیک قبر او پاها را برهنه میکردند در چند قدمی وبرای

فاتحه سر قبر او میرفتند یکی از احفاد صاحب ترجمه گفت من بچه بودم روزی پدرم امد منزل

وخیلی اوراناراحت دیدم سبب را پرسیدم گفت سنگ سر قبر جد ما را دولتی

ها بردند ، از اولاد او فعلا کسی از اهل علم نمی شناسم

---

۱۹۱ الحاج شیخ عبد الرضا بن الشیخ محمد هادی پدر او از علماء بزرگ وایشان فرزند بزرگ

پدر

پدر مدتی در یزد وسپس ۷ سال در نجف خدمت السید محمد کاظم و اخوند خراسانی
وشربیانی ومامقانی تحصیل کرده ومجاز جازه اجتهاد بودند از همه انها در تقفت.
مرجع تام بوده اند. صاحب محراب ومنبر ومراجعات وغیره. امام مسجد جامع شاه ولی
۶۸ سال داشتند ودر رضاباد پیشکوه در سال ۱۳۶۲ مرحوم ودر همان جا مدفون
بعض اولاد ایشان اهل علم است.

۱۹۲ الاخوند ملا عباس الیزدی الحائری بن رضا بن احمد الیزدی الابرندبادی
نذکر حاله وحال ابنیه الشیخ علی اکبر والشیخ محمد علی علی ما ضبطه ابنه الشیخ محمد علی ره
ولیعلم ان هذه الاسرة اسرة کریمة سمیت بسیبویه وربما قیل لصاحب الترجمة اخفش
لتبحرهم فی العلوم العربیة وقد مضی ذکر اخوزوجته الشیخ محمد ابراهیم الیزدی الگلردفرا
مرزی النجفی وسیأتی ذکر اخی صاحب الترجمة الاخوند ملا علی سیبویه وهو اول من
لقب بهذا اللقب قال الشیخ محمد علی ره فی ترجمة والدنا حضرة العلامة حجة الاسلام والمسلمین
الاخوند ملا عباس ولد فی یزد سنة ۱۲۶۰ وتوفی فی کربلاء سنة ۱۳۲۹ ودفن عند اخیه اخوند
ملا علی فی مقبرتنا فی الصحن الشریف العباس علیه السلام وکان ره مشغولا بطلب العلم والکمال
فی یزد الی ان هاجر الی کربلاء المشرفة وتکمل علمه فی هذه البقعة وقد حضر مجلس درس کثیر
من الفقهاء منهم العلامة حجة الاسلام والمسلمین اية الله فی العالمین حضرة الشیخ زین
العابدین المازندرانی قده ومنهم حجة الاسلام والمسلمین اية الله السید اسماعیل الصدر قده
وغیرهم کان من اعاظم المدرسین فی کربلا الذی یشار الیه بالبنان فی ترجمة حال اخی العلامة

حجة الاسلام

حجة الاسلام والمسلمين حضرة الشيخ علي اكبر سيبويه اليزدي ولد سنة ١٢٩١ وتوفي سنة ١٣٦٢
ودفن عند قبر والده، وقد تلمذ عند والده من المقدمات الى السطح ثم حضر درس
بعض المجتهدين منهم الشيخ محمد تقي الشيرازي والشيخ عبد الكريم الحائري وغيرهما
وكان اديبا فقيها مدرسا عالما تقيا زكيا وله مصنفات كثيرة منها مفتاح الهداية
فارسي وهو مطبوع في اصول الدين ومنها مطلوب العارفين في احوال المعصومين عليهم السلام
ومنها مطلوب العارفين ايضا في احوال المعصومين ومنها الوجيزة العلية في بعض
المعجزات العلوية ومنها جمال الواعظين. اقول رأيته بخطه عند ولده في ابرندآباد
وهو من اهل المنبر واخوه الاكبر الشيخ ميرزا محمد ساكن كربلاء وهو ايضا من اهل المنبر
ومؤلفات صاحب الترجمة كثيرة اكتفينا بما ذكر

ثم قال الشيخ محمد علي في ترجمة حالي ولدت سنة ١٣١٣ وتلمذت عند والدي الآخوند ملا عباس
واخي الشيخ علي اكبر ثم حضرت مجلس درس بعض العلماء منهم حضرت آية الله السيد
محمد ابراهيم القزويني قده وحضرت العلامة السيد ميرزا هادي الخراساني وقد كتبت
كتابنا الموسوم بمحرق الفؤاد ومفرح الاكباد ومن الله التوفيق انه خير معين الجاني
محمد علي سيبويه اليزدي الحائري. اقول حين ما تشرفت بكربلاء مع والدنا واخينا.
زرت هذا الشيخ محمد علي وهو يحضر بحث السيد ميرزا مهدي الشيرازي قده، كان عيشه
في غاية البساطة ومنزله في غاية الحقارة وكان مشهورا بالزهد وهو يعظ الناس في صحن
الشريف العباس سلام الله عليه، مات سنة ١٣٩٣ تقريبا وعمره ٨٠ تقريبا. وكان

يدرس السطوح فی المدرسة المجاهد وله رسالة دفیها فتاوی نادرة یخالف الادوات
المستحدثة الافرنجیة منها حرمة رکوب الدرجه لاهل العلم وامثاله رحمة الله علیه

۱۹۳ اخوند ملا علی بن رضا بن احمد الیزدی الابرندابادی اوّل من لقب من هذا
البیت بسیبویه قال الشیخ محمد علی سیبویه ابن الاخوند ملا عباس فی ترجمة حال
عمنا الاکرام ولد فی یزد سنه ۱۲۵۰ ثم اشتغل بالعلم سنین فی المقدمات والسطوح ثم هاجر
الی کربلاء المشرفه وکمل علمه فیها وتوفی فی کربلاء سنه ۱۳۲۰ ودفن فی صحن سیدنا ابی الفضل
علیه السلام فی مقبرتنا جنب الباب الذی هو الان معروف بباب صاحب الزمان علیه السلام و
هو فی جهة الغرب من الصحن الشریف وکان ره فقیها متبحرا زاهدا وقد حضر مجلس
درس کثیر من العلماء منهم العلامة الذی لم یوجد له نظیر حجة الاسلام والمسلمین آیة
الله الاخوند ملا حسین الاردکانی الیزدی قدّه وکان من اعاظم العلماء والمدرسین
ومنهم العلامة حجة الاسلام والمسلمین الحاج شیخ علی الیزدی الشهیر بالاستاد
بکربلاء المشرفه

۱۹۴ شیخ علی عقدائی واعظی از وعاظ درجه اوّل یزد بوده خطبه غدیریه را از حفظ
میخوانده با صدای غرّاء بعض علماء ثقه نقل فرمودند که اواخر عمر بوسوسه مبتلا
شده بوده است وشبهه ارتداد درخود میکرده از اموال خود خارج شده بوده و
بالاخره تمام احکام ارتداد برخود جاری میکرده ودائما مشغول تضرع وزاری
ونماز وعبادت بوده بالاخره اورا برای ازیزد خدمت حاج میرزا محمد حسن شیرازی
مرجع وایشان اورا نصیحت میکنند تا از شبهه ووسوسه بیرون آید وبالاخره
برای

برای اطمینان خاطر او با دست مرطوب با بدن او مماسه می کنند شیخ علی میگوید
جناب آقا احتیاطا دستتان را بشوئید نعوذ بالله من الوسوسه.

۱۹۵ اخوند ملا علیا از اکابر علماء اردکان جد اعلای بسیاری از علماء سهم اردکان از سادات وغیرهم. شبی خواب می بیند که پسرهای او از نردبان میخواهند بالا بروند وتنها کسی که موفق شد یکی از فرزندانش بنام ابیطالب بوده پلیش خود تعبیر می کند که موفق به تحصیل میشود اتفاقا همین طور شده واز نسل او هم علماء زیادی پیدا شده اند انتهی.

اقول شاید همان جد محمد تقی بن ابیطالب بن علا اردکانی باشد که ذکر شد والله العالم

۱۹۶ حاج ملا علی اصغر بن حاج رجبعلی الملقب بمجد العلماء از ارباب ذوق وقریحه وانشاء، نزد شیخ محمد رضا بن عبدالله اردکانی تحصیل کرده واز اساتید اصفهان هم استفاده کرده ودر اردکان از اعیان ومتمولین ان سامان محسوب می شد و زیاد امد وشد بیزد داشته وبامشیر الممالک یزدی ارتباط خصوصی داشته صاحب کتاب هدیة المهدویه است که در سال ۱۳۲۰ نوشته فارسی در رد بر فرقه ضاله وبعد بهمت فرزند ارشدش مرحوم الشیخ محمود فرساد بطبع رسید.

۱۹۷ الحاج علی محمد رفیعی ابن حاج محمد جواد، صاحب ترجمه از علمای منزوی وکم حرف ومشغول باصلاح نفس خود بود، ایشان داماد مرحوم امیرزا سید علی حائری یزدی بودند ودارای بالنسبه ثروتی که از این راه امرار معاش میکردند

سالیان

سالیان دراز در محضر درس مرحوم حاج میرزا سید علی لب خندقی حاضر واستفاده
می نمودند و هیچگونه داعیه ای در وجود ایشان نبود وگاهی امامت مختصری در مسجد
محله گازرگاه، فوت ایشان ۱۳۹۰ سنه عمر ۹۰ تقریبا رحمة الله علیه

۱۹۸ میرزا سید علی حجازی (مشهور بسید علیشاه) ابن حاج سید یحیی مقدس
نوه سید محمد کاظم در نجف درس خوانده و با فرزند گرامش مرحوم سید محمد
شهید رفیق درس بحث بوده اند و نزد اخوند نیز تلمذ نموده است، برای او در نجف اختلال
حواس پیدا شده و بیزد امده در بغداداباد یزد ساکن گشته بهانجا مرحوم شد، و
از او کراماتی نقل میشود

۱۹۹ شیخ علی حائری بن ملا محمد تقی شرح حال ایشان بنا برانچه فرزند ایشان آقای شیخ
عبد الکریم که امامت جماعت محله استریج یزد میباشند مرقوم داشته اند، شروع
تحصیل در سن چهارده سالگی در یزد و مدرسه خان بعد از چند سال در مشهد مقدس
بعد در سامره زمان مرحوم میرزای شیرازی بعد در نجف دوره تحصیلی تخمینا ۲۶ سال
مدت عمر ۸۵ سال منبر هم میرفتند تاریخ فوت سنه ۱۳۵۹ محل دفن جنب مسجد
محله براستین (مهرپادیق) یزد میدان محل ساکن همان محله دارای اجازه اجتهاد
بوده اند اما در عین حال خیلی هم محتاط بوده اند

۲۰۰ ملا علی اکبر بن ملا عبد الرحیم بن اخوند ملا علی عقدائی این سه تن از علماء فاضل
بوده و در محله اباد چاهوک در مسجدی که بنام اخوند ملا علی ساخته بودند امامت
داشتند

داشتند و مرجع اهالی بوده اند

۲۰۱ ملا علی اکبر بن ملا محمد حسین هر دو از علماء بوده اند و در مسجد جامع محمد اباد چاهوک امامت داشته اند و مرجع اهالی بوده اند

۲۰۲ آشیخ علی اخوندیان بن محمد بن عبدالرحیم بن رجبعلی تولد سنه ۱۳۱۶ در تفت پس از کمی تحصیل با پدر و مادر بمشهد مشرف شده و بکار شاگردی بناء روزی یکریال یا دو ریال مشغول شده و در سال ۲۶ در مشهد با فقر مشغول تحصیل شده بالاخره خدمت اساتید بزرگ خراسان حاضر شده حاج اقا حسین قمی حاج شیخ مرتضی اشتیانی. میرزا مهدی اصفهانی الشیخ هاشم قزوینی و غیرهم و مدتی سردفتر ازدواج شده در بعض دهات مشهد بعد استعفا داده و برگشته مشهد و با مرحوم ایة الله میلانی ارتباط پیدا کرده و در سال ۱۳۹۵ در مشهد درگذشت دارای کتاب ثمره انسان میباشد بفارسی که طبع شده و شرح احوال خود را مفصلا دران جا نگاشته واز کلماتش بر میاید که نسبت بسلاطین معاصر خودش خوش بین بوده والعلم عند الله شغل ایشان منبر بوده است

۲۰۳ الحاج سید علی بن محمد علی الحسینی المیبدی در پشت کتاب بدایع اللغة شرح احوال صاحب کتاب بقلم فرزندشان العلام الفقیه الحاج اقا محمد حسینی نوشته شده وفات مرحوم مغفور عالم ربانی و فاضل صمدانی حجة الاسلام والمسلمین الفقیه النبیه آقای حاج سید علی مجتهد یزدی میبدی اعلی الله مقامه الشریف ۱۳۱۳

تلمذ

تلمذ نموده نزد عالمین علمین آیتین کاملین مرحومین مغفورین فاضل اردکانی و شیخ عبد الحسین طهرانی الملقب بشیخ العراقین تولد و نشوونما مرحوم در میبد بوده و در بهجرت بکربلاء نموده و از فاضل اردکانی اجازه اجتهاد داشته و جامع جمیع علوم و فضائل بوده اند و صاحب تصنیفات و تألیفات بوده اند

اقول اسامی کتب ایشان چنین نوشته بود الکشکول و هو مطبوع و منها کتاب هدایة النصیریه (فرقه من الغلاة) و رساله فی اثبات حرمة حلق اللحیة. و رساله فی الفقه و وجیزة فی النحو و کان من الآمرین بالمعروف والناهین عن المنکر و قامع اهل البدع سیما الفرقة النصیریه القاطنین بنواحی کرمانشاه (لان صاحب الترجمه کان نزیل کرمانشاه) اقول و لعل نسخه در کتابخانه آیة الله مرعشی در قم موجود است بنابر آنچه در فهرست نوشته بود. اقول فرزند ایشان که سابقا نامبرده شد از علماء کاملین و مدرسین شامخین در شهر کرمانشاه، که سالیان دراز در کربلا خدمت میرزا محمد تقی شیرازی و در نجف خدمت مرحوم نائینی تلمذ فرموده و با اعتبار کامل در کرمانشاه مشغول بوظائف روحانیت می باشند، چند سال پیش مختصر کاغذی برای ایشان پیش آمد و از کرمانشاه بقم منتقل شدند و طولی نکشید مراجعت کردند. سن ایشان از هشتاد بیشتر است

۲۰۴ سید علی صائن الدین قاضی یزد زمان شاهرخ تیموری، دارای تألیفات بسیار و کتابهائی هم در تصوف دارد. مورد اتهام صوفیگری قرار گرفته و برای رفع تهمت

دو بار بخراسان بحضور شاهرخ رسیده و بالاخره از ارها و شکنجه ها دید واجازه

خواجه افضل الدین محمد صدر ترکه اصفهانی میباشد شرح احوال این دو در

ترجمه کتاب ملل و نحل شهرستانی که این ترجمه از خواجه افضل الدین میباشد و مقدمه

بقلم سید محمد رضا جلالی نائینی معاصر میباشد ثبت است وهم چنین در حبیب السیر

۲۰۵ علی بن شاه محمود باقی معاصر شیخ حرعاملی مردی دانشمند و فقیه بوده در امل الامل

نام او هست و در نجوم السماء گوید منهاج الفلاح دارد در اعمال سال و مجمع المسائل

در فقه از اول طهارت تا آخر صلوة که در آن بطور مبسوط و استیعاب نقل اخبار

واقوال فرموده رجوع بآنها دانشوران باعث مزید فائده است گوید شاگرد شیخ

بهائی بوده و کتاب مفتاح الفلاح بخط آن مرحوم که در سال ۱۰۱۵ نوشته در کتابخانه

ملک تهران موجود است [حرف العین]

۲۰۶ الحاج شیخ غلام رضا الفقیه الخراسانی بن حاج ابراهیم المشهور (بکوچه بیوکی)

وکوچه بیوک من ضاحیة یزد متصل به . من مشاهیر علماء یزد کان تحصیله فی یزد

واصفهان ومشهد ونجف عند حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل تهرانی والسید

محمد کاظم والآخوند واخذ المعقول من الشیخ محمد باقر الاصطهباناتی وهو الذی

ذهب اعنی صاحب الترجمه من یزد الی شیراز راجلا للزیارة لما بلغه انه استشهد فی

فتنة المشروطه . وکان رفیق البحث مع السید حسن القوچانی المعروف بآقا نجفی

صاحب کتاب سیاحت شرق وله مع صاحب الترجمة احوال ربما یشیر الیه فی کتابه

کان

كان ره مجازا بالاجتهاد من اية الله الحائرى المؤسس والحاج ميرزا سيد على مدرس
لب خندقى وكان يحضر درسه الى غروب نجم الاستاد وكان معتمد المراجع العظام
فى اخذ الوجوهات وربما يبلغ ماة الف تومان فى السنه واما امرار عيش نفسه
واهله من اجرة الوعظ وقرائة الروضة فى المجالس وربما يعطى اجره للمساكين
والسادات وربما لم يتفحص مقداره وهو ره من الساعين فى حاجات المحتاجين
وتكريم السادات ومع كونه مجازا يستنكف من العمل بالاجتهاد
والحاصل وان لم ينل العلم بكماله فقد نال اقصى مراتب العمل من الزهد والاعراض
عن الشهوه والتقشف فى الماكل والملبس والجد فى الترويج حضرا وسفرا
يدور فى القرى والبلاد وينصح مواعظ فى محالها وربما يرسل بعضا من اهل العلم
اصبح فى اليزد وهو مشار بالبنان فريد بين الاقران لم ير عين الزمان مثله
لتضلع بالتفسير وله كتاب مفتاح علوم القران مطبوع وعلى ظهرها شرح حاله بقلم
الشريف. كان اماما بجامع سرريك بعد الشيخ جعفر بن الشيخ محمد وقد مضى ذكره
الى ان مات دائم التهجد والنوافل مات ١٣٧٨ سنه وعمره ٨٣ وحمل نعشه من
طزرجان الى يزد على اكتاف الرجال ودفن فى جنب امام زاده جعفر يزد وله بقيه مع
تباين كثير فى العلم والعمل وبعضهم ذهب فى حياته افراطا

٢٠٧ شيخ غلام رضا بن المسيح ابرندابادى يزدى شاگرد ميرزا محمد تقى شيرازى
مرجع معروف وحاج ميرزا سيد على مدرس يزدى. معروف باجتهاد ترد كل صاحب
قوت

حرف العین

قوت حفظ و دقت نظر کم نظیر و فاقد حظ و بهره دنیوی و مدرس [illegible] ١٣٢

درسال ١٣٦٨ برحمت ایزدی پیوست و عمر ایشان ٧٢ یا ٧٣ مدفن بعض

حجرات امامزاده جعفر و با مرحوم حاج سید ابوالقاسم جندقی ره در یک روز فوت

کردند و پهلوی هم دفن شدند . ازصاحب ترجمه کسی از اهل علم نیست بلکه هو فاتحة

العلم و خاتمته رحم الله من قرء الفاتحه .

٢٠٨ ملا غلام رضا از اهل بغداداباد مهریز مردی بوده است دانشمند و مورد توجه

میرزای شیرازی بزرگ ، چنین حکایت میشود که چون وفات یافت و در قبر نهادند

او را ملقن که برای تلقین رفت جسد او را در قبر نیافت و هنگامه ای بپا شد در همان

وقت یکی از اعیان بغداداباد (حاجی اسماعیل پدر احمد شجاع لشکر) که عادت

خواب قیلوله داشت در خواب می بیند که در نجف اشرف هنگامه ای است

و میگویند جنازه ملا غلام رضا میآورند سراسیمه از خواب بیدار میشود

وخود را بقبرستان میرساند می بیند سر و صدا است که جنازه در قبر ناپدید

شده خواب خود را نقل می کند

اقول از این گونه قضایا در کتب سیر از ابدال و اوتاد حکایتها نقل شده

حرف الفاء

٢٠٩ الشیخ فرج الله ثقفی از اهل بیاضه بیابانک . در مدرسه مصلی منزل داشته

خدمت الشیخ محمد رضا بن حاج میرزا عبد الحسین و حاج شیخ غلام رضا بن حاج ابراهیم

و

وخدمت استاد حاج میرزا سید علی لب خندقی بن حاج میرزا محمد صادق تحصیل کرده و در مشهد خدمت اقا محمد بن اخوند خراسانی استفاده کرده و باخذ اجازه از ایشان نائل شده و در محل خود رفته و در انجا بامور روحانیت مشغول، مردی بود ساده و بی الایش متجاوز از هشتاد سال عمر کرد و در سال . در محل خود وفات یافت بعد از انکه چند سال مبتلا بفلج بود فرزندی دارند بنام شیخ کاظم فاضل چند ساله در یزد تحصیل کرده اکنون در محل خود میباشد

۲۱۰ الفاضل الیزدی له رسالة فی بیان ان کل شئی لا یستلزم وجوده رفع عدمه السابق فهو قدیم موجود فی مکتبة الوزیری تاریخ الکتابة سنه ۱۱۲۷

حرف القاف

۲۱۱ میرزا قاضی الدین بن حکیم کاشف الدین محمد اردکانی یزدی از علماء بزرگ و از شاگردان شیخ بهائی صاحب اوزان الشرعیه و شرح صحیفه وغیره ولسپرش هم محمد نصیر از علماء بزرگ است فهرست کتابخانه استان قدس

حرف الکاف

۲۱۲ السید محمد کاظم الیزدی : مرحوم ایة الله اقای اقا سید محمد کاظم یزدی در سال ۱۲۴۷ ۱۲۵۶ هجری قمری در قریه کسنویه معروف بکهنو دیده بدنیا گشوده بدر او سید صالح سید عبد العظیم طباطبائی از کشاورزان و مالکین کوچک کهنو بشمار میرفت ابتدا مرحوم سید قدس سره شغل بدری را دنبال کرده مشغول بتحصیل نمیشد لکن

بنقل مرحوم شیخ علی قمی در فوائد الرضویه از تکمله سید حسن صدر

حرف الکاف

لکن پدر او ذکاوت وهوش فوق العاده او را درک نموده بایشان سفارش اکید میکرد که شغل کشاورزی را ترک نموده بتحصیل علوم شرعیه روی آورد و ایشان در این امر اهمال می نمودند تا اینکه اجل محتوم پدر را در سن جوانی از ایشان گرفت فوت پدر در روحیه ایشان اثر بسزائی نمود سفارش پدر را بخاطر آورده تصمیم به تحصیل علوم شرعیه نمودند. دروس ابتدائی را در قریه خودشان شروع نموده بعد از مدتی کم تمام آنها را فرا گرفتند. عموی ایشان بنام آقا سیّد محمّد صادق پیشنهاد شغل منشی گری یک انبار خانه غلات را که بدست او اداره میشد بایشان نمود ایشان نپذیرفتند و روزها بشهر یزد دار المؤمنین می آمدند و مشغول تحصیل بودند و شبها بقریه خودشان باز میگشتند و مدتی بر این حال بودند تا اینکه تصمیم گرفتند که روزها و شبها را در شهر یزد بسر برند و در مدرسه دو منار حجره گرفتند وحقیر که بیزد رفتم بآن مدرسه رفتم و رفقا حجره ایشان نشان دادند که ظاهراً حجره آخر یا یکی با آخر مانده از سمت راست مدرسه بود بهر حال دروسی را که باید در یزد بخوانند خواندند و از تمام آنها فارغ شده عازم مشهد مقدس شدند گفته میشود که بعضی از مربوطین ایشان در یزد از ایشان خواستند که در یزد مانده مشغول با امامت جماعت و ترویج و تدریس شوند اما ایشان نپذیرفتند و فرمودند پدرم بمن سفارش کرده درس بخوانم می خواهم بسفارش پدر عمل کنم دروس نهائی از فقه و اصول و فلسفه را در مشهد مقدس بپایان رسانیدند سپس عازم اصفهان که در آن زمان حوزه علمیه محترمی بحساب میآمد شدند

لذا الوصول بدرس مرحوم آیة الله آقای آقا شیخ محمد باقر نجفی اصفهانی فرزند مرحوم آیة الله آقای ۱۲۹
آقا شیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدین که از مراجع بزرگ ایران و مدرسین درجه اول اصفهان
بشمار میامدند حاضر شده‌اند. عموزاده ما جناب آقای آقا کمال طباطبائی که فعلا از مشایخ و
معمرین هستند و در تهران سکونت دارند از مرحوم سید قدس سره نقل می‌کنند که ایشان
با ما فرمودند وقتیکه بدرس مرحوم آقا شیخ محمد باقر نجفی آمدم ایشان روی منبر
نشسته و در اول درس خود بودند و من در ردیف آخر با وضعی فقیرانه و تازه از
راه رسیده نشستم مقداری که صحبت کردند بلند شده با دست اشاره کردم
که مطلبی دارم طلبه‌ای که در جنب من نشسته بود عبای مرا گرفته نشانید و گفت
سید اینجا جای حرف زدن تو نیست مرتبه دوم بلند شدم آن طلبه کار خود را
تکرار کرد در مرتبه سوم مرحوم آقا شیخ محمد باقر فرمودند بگذارید ببینم این سید
چه میگوید ایشان فرمودند که من تمام آنچه را که استاد میخواست بیان کند با
بیان یزدی خودم گفتم و مطلب را بچهار صورت تقسیم کرده بر هر صورت اشکالی ذکر نمودم
استاد در محاصره اشکالات من افتاده سر بزیر انداختند و بعد از تاملی کوتاه
فرمودند فعلا جوابی از این اشکالات ندارم و از منبر بزیر آمدند مرا صدا زدند
پیش او رفتم از نام من و اینکه از کجا میایم و در کجا هستم سؤال کردند با ایشان
گفتم نامم سید محمد کاظم یزدی است و از مشهد میایم و در فلان کاروانسرا وارد شده‌ام
فرمودند کاروانسرا جای مناسب شما نیست در همان دم امر کردند یک دست لباس پاکیزه
برایم

۲۱۳ كاشف الدين محمد اردكانى يزدى والد قاضى الدين كه گذشت از علماء و در روضات او را از مشايخ شيخ بهائى معرفى كرده بزرگ زمان صفويه وپسرش ميرزا ابراهيم نيز از علماء واز مرحوم ميرزا ملا محمد تقى مجلسى اجازه روايت داشته

آئينه دانشوران

حرف الميم

۲۱۴ السيد محمد بن السيد حسن بن سيد مهدى من علية علماء المدرسية تلمذ عند الكاظمين الفاضلين فى النجف واجازاه بالاجتهاد ثم رجع الى يزد وصار فى ضيق المعيشة. نقل والدنا ان السيد محمد كاظم وصى بعض التجار بان يعطيه كل سنة خمسين تومانا حتى انه باع ما ملكته زوجته من الاثاث والعقار ثم هاجر الى تهران واتصل بابناء الحاج ميرزا محمد حسن الاشتيانى ره لسابقة كانت بينهما ونال حظا وافرا صار مدرسا فى المدرسة المروى وكان دره بازاء التدريس كل يوم خمسة ريال وكانه يكفى بالاقتصاد لعائلته ثم صار من القضاة المقبول الحكم عند الدولة فى اوائل الحكومة الدستورية ثم صار قاضيا بلا مشاركة غيره من المجتهدين وربما يذهب الى اداره العدلية فى زمان وزارة منصور السلطنة. عدل والمشهور انه حكم بقتل رجل على حسب قانون الشرع فى زمان قضاوته فاستولى عليه وحشة القلب ومات سنة ۱۳۴۵ وعمره ۶۳ سال ودفن فى شيخان قم وابتلت امه بمصيبته كما ابتلت بمصيبته اخويه الطبيب الوجيه ميرزا سيد محسن قوام الحكماء والتاجر

الفاضل

الفاضل الوجیه میرزا محمد علی ثم ان صاحب الترجمه خلف اولادا منهم السید ابوطالب
وقد مضی ذکره ومنهم الطبیب الوجیه الحاج سید محمود دکتر مدرسی کان نزیل قم و
رئیسا لادارة الصحة فی زمان اية الله الحاج شیخ عبد الکریم وزمن اية الله الحاج
اغا حسین البروجردی وکان خصیصا بهما ثم صار متقاعدا وکان من اعیان رجال
قم وذوی الهیبة الی ان مات سنه ١٣٩٢

٢١٥ حاج ملا محمد بن حاج حسیب از علماء بزرگ و دارای مقام زهد از کسب ید
امرار معاش میکردند معاصر شیخ انصاری تقریبا

٢١٦ الحاج شیخ محمد تقی یزدی ساکن کربلا ومتوفی بهانجا سنه ١٣٣٢ صاحب کتاب
دوحة الانظار وتباشیر المحرورین که بر دو بطبع رسیده پسر ایشان حاج شیخ
مصطفی از وعاظ یزد و او اخر بهجرت به بمبئی کرد و کتاب دوحة الانظار پدر خود
را بطبع نمود ومرجع ایرانیهای انجا بود وبهانجا مرحوم شد

٢١٧ الحاج سید محمد بن السید جعفر کان من اهل احمد اباد اردکان یزد
ومن اهل بیت العلم کان ره اية فی الفهم والذکاء وسرعة الانتقال والجد فی
التحصیل والتدریس قلیل النظیر رحل الی یزد واشتغل عند اساتیده منهم
سید حسین باغ گندمی ووالدنا السید احمد والحاج سید علیرضا فیروزابادی والحاج
شیخ غلام رضا الفقیه الخراسانی وکان هو الباعث فی تحصیله نقل لنا صاحب الترجمه
کنت اقرء علی الحاج شیخ غلام رضا قوانین الاصول فاستشکلت علیه فتامل و

اخر

واخر الجواب الى الغد فقال ينبغي لك ان تذهب الى قم فهيّأنا له زاداً ولباساً و ١٤٢
غير ذلك فجزاه الله خيراً سنة ١٣٤١ وعند ذلك جدّ في التحصيل وقرء عند اساطين
السيد محمد الحجة والحاج شيخ عبدالكريم وتصهر على ابنته ولذا لقب بداماد كما
يلقب بالمحقق وحضر بحث اية الله البروجردي سنين متطاوله وكان ره من اكابر
المجتهدين والمدرسين العظام قد حضر بحثه عشرات من الافاضل وخرج من مجلسه
فقهاء كاملين ومع ذلك يحرا الفتوى حضرنا مجلسه برهة حين ينعقد في مسجد
الامام عليه السلام وله صراحة لهجه في بعض الامور والاشخاص وابتلى بمرض القلب
فارق روحه الجسد سنة ١٣٨٨ وعمره ٩٥ سال ودفن في بعض حجرات صحن الحضرة
المعصومة سلام الله عليها وابتم له الماء في اليزد ولم غيره وله ولدان عالمان فاضلان
٢١٨ الامير محمد مفيد اقول من منن الله تعالى ان ظفرنا بالمجلد الثاني عشر وهو
اخر مجلدات مرآة العقول بخط صاحب الترجمه وفي اخره عين خط المجلسي مجيزاً
صاحب الترجمه هكذا اما بعد فقد قرء على وسمع مني واخذ عني السيد الايد الشريف
النجيب الحسيب الفاضل البارع الكامل المتوقد الذكي الالمعي السديد الرشيد
الامير محمد مفيد بن الامير محمد تقي الحسيني اليزدي ايده الله بضيفه الجلي والخفي
وصانه من شر كل شيطان غوى سطراً وافياً من العلوم العقليه والنقليه لا سيما
الاخبار المأثوره عن النبي والائمة الطاهرين صلوات الله عليه وعليهم اجمعين فالتمس مني ان
اجيز له كلما صحت لي روايته الخ ثم ورخه سنة ١٠٨٥ في المشهد الرضوي

سيد

۲۱۹ سید موسی غضنفری بن میرزا محمد صادق غضنفر من الفضلاء خصوصا فی المقدمات تلمذ عند جماعة منهم الحاج شیخ غلام رضا الفقیه الخراسانی وصلی فی مسجد بیاق خان ودرس فی مدرسه شفیعیه ومات سنه ۱۳۷۴ ودفن بحوی هرهر واستخلف علیه فی الامامة ولا عقب له من اهل العلم

۲۲۰ اخوند ملا مهدی کرمانشاهی بن ملا علی اقصی الی یزد بامر فتحعلیشاه وکان من تلامذة حکیم ملا مهدی کرمانشاهی کما فی تاریخ خان یزد وکان من نوادر الدهر مات سنه ۱۲۳۶ وقد مضی من عمره ۴۸ سال وخلف اولادا منهم ولده السامی میرزا محمد کرمانشاهی وقد سبق ذکره وقبر صاحب الترجمه بحوار حوی هرهر بمقام مقبره اخوند کرباسی وبنی حفیده السامی الشیخ محمد الصدوقی عین علماء یزد فی العصر علیه عمارة ولا یخفی ان صاحب الترجمه من احفاد الصدوق ره

۲۲۱ السید محمد بن مهدی حیدری میبدی از علماء بزرگ ومجتهدین امام جمعه میبد مشهور بسادات حیدری وفات ایشان سنه ۱۲۶۵ بوده وفرزند ایشان آسید حسن امام . امام جمعه میبد بوده و در سنه ۱۳۴۵ مرحوم شده فرزند سید حسن آقای حاج محمد رضای امامی ساکن یزد واز علماء متفکر در امور سیاسی یزد محسوب میشد وشهریه میرفتند وخیلی مرد زیرکی بود ودر سال —— از دنیا رفت ودر بعض حجرات امام زاده جعفر بخاک سپرده شد وعلم از خانواده پدر وجدش منقرض گردید تقریبا برادر صاحب ترجمه سید محمد بنام سید ابو الحسن حیدری ساکن یزد

و

وازعلماء شهر یزد محسوب ونام آور گذشت این صادات حیدری با مرحوم اسید علی آقا یزدی که نام ایشان گذشت اقوام بودند .

۲۲۲ سید محمد بن سید علی از علماء یزد تحصیل کرده نجف خدمت سید محمد کاظم واخوند خراسانی . وقتی یزد آمده با اسعما استقبال فراوان اهالی یزد مواجه شده وازطائفه محترم خوانین بوده خیلی مبادی آداب ولی در یزد مهجور وگمنام در پنجاه ونه سالگی درحدود سنه ۱۳۴۷ مرحوم شده اند پدرشان هم از علماء وازاهل ثروت ترکه اسید علی ۲۱۰۰۰/ تومان ، اولاد ایشان اهل علم نیست .

۲۲۳ حاج شیخ محمود فرساد بن حاج علی اصغر مجد العلماء اردکانی از احفاد واسباط حاج بابا قزوینی یزدی که نام آور گذشت . پدر مشارالیه از اهل علم ونام آور گذشت اما معظم له دارای مال وجمال وکمال که در هر کدام کم نظیر بود وصاحب ذوق سرشار درشعر وادبیات بعض اشعار ایشان مشهور در سنه ۱۳۰۹ متولد در پانزده سالگی باصفهان رفته وتحصیل کرده تا باخذ اجازه از آخوند جزی از مدرسین ومجتهدین بزرگ اصفهان نائل شده در سنه ۱۳۳۲ بنجف رفته خدمت اسید ابوالحسن اصفهانی تلمذ کرده ۳۷ مراجعت کرده ۴۰ بقم رفته خدمت آیة الله حائری تحصیل کرده وهم تدریس می نموده ۴۵ یزد را برای توطن اختیار نموده . بسیاری دارای بیانی عالی وروان بوده خلاصه صفات فاضله دراو جمع و

و در سلک اعیان و اکابر شهر و رؤسا و حکام بیرون امده و در اوائل پیدایش محضر

(دفتر معاملات و ازدواج) قبول محضر کرده تا اخر عمر و تقریبا روحانیت او تا

درجه ای ساقط شد ه و در سال ۱۳۸۴ ۱۳۸۳ بدرود حیات گفت و در مزار جوی هرهر مدفون

بر قبر او سنگ مرمر منقور با حوال او نصب است پسران و احفاد ایشان کسی از

اهل علم نیست رحم الله من قرء الفاتحه .

۲۲۴ حاج سید مهدی خرانقی یزدی از علماء یزد سالی خرانق تحصیل کرده سامرا

و نجف از رفقاء مرحوم حاج میرزا سید علی مدرس لب خندقی مات سنه ۱۳۶۳

تقریبا مزار ایشان جوی هرهر .

۲۲۵ میرزا محمد علی بن حاج سید محمد صادق من احفاد صدرالدین محمد طباطبائی کان

ره من علماء المدرسیه اخا للحاج میرزا سید علی لب خندقی تخرج علی ایة الله المجدد

الشیرازی و تلمیذ ه الاکبر السید محمد الفشارکی و غیرهما و کان خصیصا بالمیرزا و

ربما یکتب له لجودة خط و حسن سلیقة مدة اقامته فی سامراء ۱۲ سنه و رجع الی یزد

سنه ۱۳۱۵ و اشتغل بامر التدریس و کتابة السجلات و غیرهما خلا الامامه .

کان رجلا ظریفا فاضلا و من خصائصه ضبط الحوادث و الوقایع سجلات العلماء

واستفتائاتهم و ربما استفدنا مما ضبطه فی هذه الورقیات بتوسط حفیده السید

ابوالحسن ایده الله مات سنه ۱۳۲۹ و قد جاوز سنه ستین و دفن بمقبره جوی هرهر ثم بنی

ابنه الحاج سید علیرضا من اعیان علماء یزد علی قبره عماره و خلف ولدین هو و الحاج سید محمد .

حرف الميم

٢٢٦ الحاج سيد محمد محمد بن ميرزا محمد على المتقدم ذكره هاجر الى النجف فى شبابه واشتغل على النائينى والسيد ابى الحسن الاصفهانى . هو رجل دين [illegible] على الطاعات والقربات متهجد لا يفوته كثير من السنن وتصدى لامامة مسجد سهله ليالى الاربعاء مات سنة ١٣٨٥ وهو ابن احد وثمانين وكان له ابن من اهل العلم السيد حسين مات شابا فى حيوة والده وله عقب من العلم والثانى اكبر منه السيد مهدى حى مرزوق من شيوخ جامعة النجف خلف ابيه فى التدريس والامامة وله عقب من العلم .

٢٢٧ السيد مرتضى بن الحاج ميرزا عليرضا المعروف بالشيخ مرتضى تعالى لانه يصير كالانصارى عالم متفنن للعلوم المتنوعة فقيه اصولى مدرس قاض انتهت اليه تدريس البقعة الاسحقية له مفتاح البيان موجز مطبوع فى النحو وله ايضا مناهج السوية فى العلوم المهمة الفقه سنة ١٣٠٩ مات سنة ١٣٣٣ ودفن بجوى هرهر وقد جاوز الستين ولا عقب له من اهل العلم الا بعض اسباطه وان اردت زياده الاطلاع فارجع الى النبشه دانشوران تاليف سبطه سيد عليرضا ريحان تلمذ صاحب الترجمة عند الحاج جعفر لرمانى و اخيه ميرزا سيد على ولم يخرج من يزد للتحصيل .

٢٢٨ ملا مقيم بن محمد على بن قاسم على بن اسمعيل بن تاج الدين على ما نسب نفسه فى اواخر بعض تصنيفاته المعروف بملا مقيما ذكره فى جامع المفيدى واثنى عليه غاية الثناء . تلمذ على ملا محمد تقى المجلسى الاول على ما قيل وكان شيخ الاخباريين بيزد

مطاعا مقدما. زار بيت الله الحرام واقام الجمعة والجماعة في المسجد الجامع الكبير بيزد
اربعين عاما بل هو اول من اقام الجمعة بيزد كما ان الشيخ حسين والد الشيخ البهائي
اول من اقام الجمعة في ممالك محروسة ايران على ما قيل وخلف اولادا علماء صلحاء
وكان اقامة الجمعة باقيا في اعقابه على الظاهر الى زمان فتحعليشاه قاجار وكان
مقيم الجمعة في ذلك الزمان من احفاده من يسمى بملا محمد على صالحاً عالماً اخباريا
على ما قيل وح انتقل في قضية الجدنا العلامة الاصولي الميرزا محمد على المدرس
وكان باقيا في اعقابه الى الان ولصاحب الترجمة عدة تصانيف ذكر بعضها في
الجامع منها ترجمة من لا يحضره الفقيه المسمى باخبار الصادقين يوجد نسخة منه بمدينة
اراك (سلطان اباد) ومنها تفسير كبير فارسي مسمى بسفينة النجاة قال في الجامع
وانها متداول.

اقول مجلدان من هذا التفسير يوجد بمكتبة الوزيري ومجلدان منه بمكتبة ملك
بتهران والمجلد الثاني من ملك بخط ولد المصنف محمد تقي فرغ منه سنة ١٠٧٧ وفي
ختامه وصايا جمة متخذة من وصايا الائمة عليهم السلام وكلمات العلماء والحكماء
ومن وصاياه اقامة الجمعة ومنها ترجمة جامع الاخبار كما في الجامع ومنها ترجمة الاستبصار
يوجد بمكتبة دانشكده حقوق بتهران ومنها وسيلة النجاة في عدة مجلدات
والموجود منه في المكتبة الوزيري المجلد الاول فارسي ذكر في اوله ما حاصله بالعربية
اشار الى بعض الاعيان الاجلة واطرى عليه بصفات لا مزيد عليه من العلم و
العرفان

حرف الميم

العرفان والزهد واقامه العدل والتقرب الى الملوك الى غير ذلك ثم قال سلالة اولاد النبي صلعم الميرزا ابو المهدي بجمع كتاب مقتبس من كتاب الله تعالى والكتب (اقول ميرزا ابو المهدي هذا مذكور في جامع مفيدي مع شرح احواله مفصلا) الاربعة وروضة الكافي يشتمل على ما يتم علمه في الدين من اول كتاب العقل والجهل الى اخر كتاب الديات والطرائف وردت في روضة الكافي. اقول وفي الحقيقة ترجمة للكتب المذكوره فرغ من المجلد الاول منه سنة ١٠٧٧ قال ويتلوه المجلد الثاني في الطهارة والصلوة، شكر الله مساعيه، ومنها رسالة لطيفة مسماة بالحجة في بيان وجوب العيني لصلوة الجمعة ناضل فيه بعض العلماء المعاصرين المنكرين لها فرغ سنة ١٠٦٣ وقد طبعناها مع ترجمة في سالف الزمان مع رسالة عقد الطهماسبي للشيخ حسين بن عبد الصمد والد الشيخ البهائي ره وله رسالة اخرى في وجوب صلوة الجمعة مذكور في تفسير كبيره سفينة النجاة في سورة الجمعة وفاته وكان سبب وفاته على ما في الجامع صدمة فرس بعض الفرسان في ميدان قلعه (والان صارت تكيه و حسينيه محوطه مبوبة معدة لاقامة عزاء الحسيني سيد الشهداء عليه السلام ويكون جنب الشارع مقابل مسجد قلعه كهنه المسمى بشاه يحيى) واتصل روحه بالملاء الاعلى في تمام ١٠٨٤ ودفن في خطيرة حوالى وقت الساعة على ما في الجامع واقيمت له الماتم حشره الله مع محمد واله الطاهرين وقد نقل بعض السادات الاجلة نقلا عن مشايخ القوم ان قبره كان في خطيره اي محوطه قرب وقت الساعه ثم نبش والقى عظامه في

بئر

بئر واستنكر ذلك لجلالة شان ملا مقيمارة وموضع قبره الان صار دارا نعوذ بالله

اقول فعلى هذا المراد بالحظيرة معناها اللغوى لا البقعة المسماة بالحظيرة (روضه محمديه)

وهو احدى البقاع المشهورة بيزد

٢٢٩ ميرزا محمد على المدرس بن السيد محمد الطباطبائى. كان ابوه من العلماء وله التدريس بالبقعة الاسحقيه الشهيرة بالمصلى وراثة عن ابائه فى مدة قليلة ثم فوض الارا لى ابنه هذا ثم ان صاحب الترجمة من كبار العلماء وعظمائهم فقيه فائق وخطاط رائق ذو فضل عريق وفكر دقيق يكاد زيتها يضيئى ولو لم تمسسه نار لم يخرج من يزد ولم نعرف من اساتيذه الا ميرزا على رضا صاحب مدارس الاحكام ولعله اخذ عن الاخوند ملا اسماعيل وقد تقدم ومع ذلك فاق الاقران وقد وصفه صاحب الجواهر مع انه لم يلقه فيما اصدره من الاجازة لابنه السيد حسن المتقدم فى مقام ذكر ابيه العالم العامل والفاضل الكامل قدوة العلماء المحققين وزهرة القضاة المدققين الميرزا محمد على المدرس اليزدى سلمه الله تعالى وابقاه وزاد فى سودده وعلاه انتهى موضع الحاجة ووصف ولده الفقيه السيد حسن افقه فقهاء مصره تصدى صاحب الترجمة لامامة مسجد جامع الكبير ولامامة الجمعة وله خطب حسنة فى الجمعات موجود عند بعض الاقرباء وقلما يكرر الخطبة بل ينشاء جديدا كما ان له خطب رشيقة فى غيرها بالعربية والفارسية وله ايضا شعر حسن بالفارسية كثيرا وبالعربية نادرا واشعاره مذكور فى كتاب تذكرة ميكده للواثق المعاصر له الموجود فى مكتبة الوزيرى

و

حرف الميم

وكما انه مدرس نوابا الوراثة في المصلى كذلك تصدى بالاستحقاق التدريس للمدرسة ١٥٠
الاشرفية التي بناها شاهزاده محمد وليميرزا بمقام چهارسوق كما تقدم في المقدمة واسمه
مذكور في تاريخ جعفري (خان) بعنوان انه ترجم كتبا للشاهزاده وعنونه بميرزا
محمد علي قلعه كهنه اي لانه كان ساكنا في محلة قلعه كهنه والان صار داره معلا للنساجة
وآثاره المطبوعة منحصرة فيما اعلم في ترجمة اعتقادات الصدوق وله ايضا ترجمة بعض
مجلدات عوالم العلوم سماه هدية القاصر الى الامام الباقر في شرح حال الامام عليه السلام
كتبه لبعض ابناء محمد تقي خان الكبير وله ترجمة جواهر الكلام في علم الكلام لجده
صدر الدين محمد موجود في مكتبة مركزي دانشگاه تهران واستنسخت منه ومن
بركاته انه نشأ من بيته كثير من العلماء والاطباء والشعراء والخطاطين وبعض
ارباب المناصب واكبر اولاده السيد احمد خلفه في امامة الجمعة والجماعة في مسجد
جامع كبير وقد مضى ذكره واعلم اولاده ولده الاصغر السيد حسن مات شابا وقد
تقدم وبينهما رجال ونساء بعضهن ولدن رجالا كاملين وكان ره مضطهدا من بعض
ابناء نوعه وعاش اثنين وسبعين واقطعه بعض الحكومات اراضي واسعة في خيرآباد
(حومه يزد) وحاز عقارا وكان ابوه ايضا ذا ثروة وتوفي سنه ١٢٦٥ وحمل جنازته
الى النجف الاشرف على السرير (تخت روان) ودفن عند هود وصالح القديم وعلى قبره
حجر محكوك عليه هذا الشعر من بعض الادباء لا لنفسه وهو موجود في الكتب.

فلك جام وجهان ساقي اجل مي   خلايق باده نوش مجلس وي.

ربانی نیست اصلا بمجلس را   ازاین جام ازاین ساقی ازاین می

وله در منثور حاشیة علی القوانین الی آخره وله ایضا جواب استفتاآت

جمعها والدی ره وسماه (استفتاء وفتوی) الی غیر ذلک من الفوائد والحواشی.

المتفرقة.

٢٣٠ حاج سید مهدی سیبویه ملقب بمدرس بن سید حسین پدرشان ازعلماء

مدرسین وخود ایشان دریزد نزد جماعتی منهم پدرما سید احمد تلمذکرده وبلبیشتر توجه

او بمقدمات بوده وازاین جهت به سیبویه مشهور شده است سپس بتهران

رفت درزمان شهرت عمویش سید ابوالقاسم بن حاج سید باقر ونام ایشان لذا بنش

وانجا مشغول تحصیل وتدریس شده ودرانجا رحل اقامت افکند ودر مدرسه

شیخ هادی مسکن گزید وداماد نشد ودرسال ١٣٦٩ وفات یافت

٢٣١ الحاج میرزا مهدی ملقب بپویا ابن محمد حسن بن احمد جعفر الکرمانی ابوه

وجده من العلماء سافر الی النجف وتلمذ عند النائینی وغیره.

رجل سخی حلو المعاشرة لرقوة نظر وعلو مقام فی العلم ثم سافر الی بلاد هند واستقر

فی کراجی وکان هناک معظما عند الایرانیین بل رئیسهم وله مخالطة بالحکومات

ولذا کان ره مع وفور فضله غیر مستقبل الناس مات سنة ١٣٩٢ فی کراجی ولم یخلف

ولدا عالما سنه ٧٤ سال له تفسیر بالانگلیزیه مطبوع متداول علی مذهب اهل البیت

٢٣٢ شیخ محمد بن شیخ محمد رضا بن حاج میرزا عبدالحسین عالم زاهد متقی له مقامات

فی المعرفة رحل الی اصفهان ومکث هنا ستة وتلمذ علی مشایخه هیر زمانه سیما آقا نجفی ۱۵۲

ثم رجع الی یزد واشتغل بالتدریس وغیر ذلک وفی اواخر عمره لازم البیت توفی

سنه ۱۳۸۷ بعد ان مضی من عمره ۹۶ سال ودفن فی بعض حجرات صحن امامزاده

جعفر وله تصدیق للاجتهاد من العلماء وله ابناء منعزلین عن العلم الدینی بل وارد

فی امور الدوله وان کان بیته بیت علم.

۲۳۳ محمد بن محمود حسینی یزدی صاحب کتاب بهجة الطالبین که شرح است بر

رساله کبری در منطق تاریخ کتابت نسخه سنه ۱۲۹۶ کتابخانه وزیری

۲۳۴ جمال الدین محمد عوفی یزدی متعلق بقرن (۷) صاحب جوامع الحکایات

ولوامع الروایات فهرست کتابخانه آیة الله مرعشی قم

۲۳۵ میرزا محمد معروف به مجتهد پسر میرزا علیرضا خیاط از اهل اردکان تحصیلات

نزد حاج میرزا بدیع اصفهانی در سطوح وسپس نزد اساتید بزرگ اصفهان

تحصیلات خود را تکمیل در اردکان مراجعت و مرجع امور شرعیه و فصل خصومات

وقضاوت بوده وفات سنه ۱۳۴۵ تقریبا

۲۳۶ حاج ملا محمد بن حاج ملا حسینی اردکانی در دوازده سالگی در اردکان مشغول

تحصیل شده ۴ سال. سپس باصفهان رفته ۴ سال تا سطح را تماما خوانده

بعد نجف ۴ سال خدمت اساتید و صاحب اجازه اجتهاد از استید محمد کاظم بوده

سالیان دراز در اردکان مرجع اهالی و مورد احترام همه واواخر بلا قرین بودند ودارای

تقدی

قدی بلبند وخطی نیکو ومعاشرتی مؤدّبانه کارها منظم بمشهور باجتهاد عمر ایشان ۸۴ وسال ۱۳۸۰ فوت کردند دراردکان ایشان برادری داشتند بزرگتر از خود بنام اخوند ملاعلی از علماء ومحترمین اردکان واما از خانواده صاحب ترجمه کسی از اهل علم نیست.

۲۳۷ شیخ محمد رضا بن حاج میرزا عبدالحسین بن حاج میرزا عبدالوهاب پدرشان وجدشان از علماء سابق الذکر خود در اصفهان ونجف تحصیل کرده صاحب اجازات علماء اصفهان وحاج شیخ فضل الله نوری ره . دریزد چندین سال درزمان حیات پدرشان برمسند قضاوت وتدریس در مدرسه عبدالرحیم خان وامامت ووعظ مستقر وبعد از ۵۴ سال زندگی درسال ۱۳۳۶ که سال وبائی دریزد بود یکسال بعد از پدر از دنیا رفتند .

۲۳۸ الحاج میرزا محمد سونیزدی بن اخوند ملاعلی اکبر کان فی اوائل الامر مشغولا بالمنبر ثم رحل الی النجف وتلمذ علی الشیخ ضیاء الدین العراقی وجاء الی یزد واشتغل بالامامة والتدریس وحضر مجلس درس الحاج میرزا سید علی . کان رجلا ظریفا صبورا وقورا مقبول العامه وداخل فی بعض امر السیاسة فی زمان الدکتور مصدق ونبوغ آیة الله حاج میر سید ابو القاسم الکاشانی زعما منه انه صلاح للقوم وکل امره بدور مدار انتخاب الدکیل الصالح مثلا الوجیه العالم الشیخ مهدی نجل آیة الله الحاج شیخ عبدالکریم ولم یتم لدی لغیره الامر ومات فجاة سنة ۱۳۷۶ وورثه امه ودفن فی بعض حجرات امامزاده جعفر ولم یتزوج

يتزوج ولم يترك شيئا سوى كتب لم يبلغ الالف ونقل الشيخ محمد الصدوقي برضا والدته
تلك الكتب الى مدرسة عبدالرحيم خان واسس باسم السيد يزدی مکتبة خلو...
وعمره تجاوز السبعين تقريبا ولحيته اسود

٢٣٩ محمد بن عبدالله يزدی ملقب بجلال الدين منجم باشی شاه عباس اول تاریخ مفصل
دارد که در تواريخ يزد ثبت است برای نمونه اسم او وامثال او درج میشود

٢٤٠ محمد صدرالدين (ميرزا صدرا) ابن السيد نصيربن مير محمد صالح الاردكانی
اماجده من الاعلام اما ابوه من العلماء ورث التدريس من ابيه ومنه انتقل الى
ابنه المنوه بذكره يعنى صاحب الترجمة فهو اس لطائفة المدرسية من بيته الشريف
تشعبت العلم والفضل وبقى الى الان قال سبطه ميرزا محمد على الواسق فى تذكره ميكده
فى حقه قطب الاقطاب ميرزا صدرالدين محمد مدرس وقال حفيده العلامه ميرزا محمد على
المدرس المتقدم ذكره فى مقام سرد نسبه على ظهر كتاب نهج البلاغة التى بخط صاحب
الترجمه جدى الامجد الافضل الاكمل الاعلم الالمع الازهد الاورع الافخم الاعظم الاوحد
الميرزا صدرالدين محمد الخ تلمذ صاحب الترجمة على ميرزای شيروانی وآقاجمال خونساری
وفى علم الكلام على ابى اسحق ويعبر عنه فى كتابه جواهر الكلام باستادنا ابواسحق
كان ره متضلعا فى العلوم المتداولة من التفسير والفقه والكلام واللغة فى غاية
النزاهة والعفة قال فى حق نفسه زيب دانش در لباس فقر دارد جلوه ای وقت
من خوش کاین دورا کامل عیارم داده اند

وله

وله مقامات معنوية ومما سمعناه انه ره يوم الافاغنة ايامهم فوشى به انه رافضى فعينوا

الجواسيس ليروا كيف يتوضا فلما كان ذالك اليوم قال لتدائه انى اريد اليوم

ان توضئنى منكوسا على طريقة العامة فلما اخبروا الجواسيس رئيسهم طاب نفسه

من المولى المترجم واكرمه وله عدة تصانيف قد طبعنا بعضها تفسير فى سورة القدر

والدهر والاخلاص مع شرح حاله وبيان تصانيفه منها جواهر الكلام فى علم الكلام

موجزة الاصول الخمسة نسختان منه موجود عند بعض الاقرباء وقد يضن

به كل الضن ومنها مرصع الحواشى حاشية على حاشية ملا عبد الله كتبه باسم .

ولده السيد محمد ونسخة كثير بالنسبة الى غير ذلك من الحواشى والفوائد وكان

منشئا وشاعرا بالعربية والفارسية واجاب دعوة ربه سنة ١١٥٤ ودفن بمقبرة جوى

مرجنب مقبره اخوند كرباسى والقبر واقع فى سمت جنوبى غربى من بقعة الاخوند

على راس امتار جنب لشارع وكان عليه عمارة وحجر كلن اغيرت الاحجار لبناء ـ

(كاخ مرمر) فى تهران زمان رضا شاه پهلوى وقرضته صار بستانا من قبل الحكومة فى

زماننا نعوذ بالله من شرور انفسنا وكان سكناه محلة لب خندق فى دار كان يسكنها

سلالته العلامة الحاج ميرزا سيد على لب خندقى ره واز احفاد ايشان مرحوم ـ

صدر الدين محمد مدرسى بن سيد حسن بن الحاج ميرزا محمد على بن الحاج سيد على

بن ميرزا محمد على المدرس . پدران او همه اهل علم وخود جوانى عاشق ودلباخته تحصيل

واز شدت اشتياق برخلاف طور وعادت مشغول تحصيل در يزد وقم وسرانجام

مسلول

مسلول شد ودر نود سنه ۱۲۵۱ درگذشت ودر مزار جوی هرهر پهلوی پدر مدفون وجد او حاج میرزا محمد علی لسبوک او لنشست

۲۴۱ سید محمد بن صدر الدین محمد طباطبائی پدر ایشان علامه سابق الذکر است وخود ایشان از علماء بزرگ وبعد از پدر مدرس در مدرسه مصلی وایشان جد ما میباشند کتابی از ایشان بیادگار مانده است بنام ایضاح مشکلات العوامل درسال ۱۱۳۶ تالیف کرده است گویند مایل باخباریت بوده بخلاف پدر که مجتهد صرف بوده وگویند بعض کتب پدر را که بمذاق او مناسب نبوده از بین برده مشار الیه سی جلد کتاب وقف کرده براولادش وسندی برای نوشته که بخط حفیدش علامه میرزا محمد علی مدرس دیدم وبعد از فوت ایشان پسر ایشان سید مرتضی بمسند تدریس مصلی قرار گرفت

۲۴۲ سید محمد بن الحاج سید مرتضی بن میرزا محمد علی المدرس اما جده من - الاعلام واما ابوه فقد كان عالما منزويا واما صاحب الترجمه فهو جد تاتلمذ على محمد جعفر الكرباسي والحاج ميرزا على اكبر المصلائى والميرزا محمد رضا الكرماشاهى وفوض اليه التدريس بالمصلى وذهب له مشهد الرضا عليه السلام وبقى هناك سنتين واتصل بالحكومة والتوليه ونظم المعالم وسماه فيروزه الرضويه وله مكتوبات كثيره منها في - اصول الدين المسمى باسلام العوام ومنها في الرد على دعوى المهدويه من ميرزا على محمد باب سماه كفاف الصفاف ومنها مجموعة سماه بوستان وعكسه موجود في مكتبة الوزيرى

و

وذهب الی اصفهان واتصل بظل السلطان واصدر حکما بان یعطیه حکومة الیزد
حسین توماناً فی کل سنة لنفسه وثلثین توماناً لابنه سید احمد وبهذا فرج
فی امر معیشته بعض الفرج واضطهد من بعض ابناء نوعه وانتصر له قومه من
المدرسیه وبعض مراجع الوقت حتی صار خصمه مغلوبا منکوبا مخذولا فیما یطول
قصته ومن نماذج المکتوبات من یزد الی النجف فی القضیه از اخبار جدیده
انکه جناب مستطاب شریعتمدار آقای میرزا سید محمد حاج سید مرتضی در
دولت خانه جناب ملک التجار رفته بجهت تعزیه داری حضرت خامس آل عبا
روحی فداه در انوقت شیخ محمد جعفر سبزواری علیه ما علیه وارد شده جناب آقا
میرزا سید علی محمد با نهایت مراعات ادب فرموده ولشیخ جعفر راه داده بعد
ازان ملعون حاجی ابو القاسم لپسر شیخ باقر میخواست مقدم بنشیند ان سید
مظلوم راه نداد بعد ازان غضب کرده وبعد از فراغ از تعزیه ایشان را زدند و
حال هم حضرات مدرسیه در صدد میباشند ... دیگر ان که شخصی از اهل محله
خودمان در یوم سیم عاشورا رفت در بالای تکیه حسینیه بزرگ وگفت که ای مردم
هرکدام داماد شدید که هیچ وهرکدام نشدید داماد نشوید وخود را بالای تکیه
سرازیر کرد وبعد از دو روز از دنیا رفت انتهی وبالجمله رحمه الله کان فاضلا شاعرا متشاعرا
بالعربیه والفارسیه له خطب الماتم والعرائس الا انه اهمل التدریس فی اواخر
عمره وکذا الامامه بعد ان کان اماما بمسجد بیاق خان وربما یعظ الناس ایام رمضان

و

ومات سنة ۱۳۲۳ تقریبا وعمره بین الستین والسبعین وحمل عظامه الی النجف بوصیة
منه ره وخلف ولدا عالما صالحا یسمی بالسید احمد وقد مضی.

۲۴۳ میرزا محمد علیم مروستی فرزند کدخدای مروست بیزد امد، وباطائفه مدرسیه مصاحبت کرده ونزد السید یحیی موسوی وحاج میرزا سید علی لب خندقی والسید مرتضی مدرسی معروف به آشیخ مرتضی تحصیل کرده ومدت قریب بیست سال در بغداداباد مهریز بامامت ورتق وفتق امور مردم اشتغال داشته وعاقبت وارد عدلیه شده و بعد از بازنشست دریزد از دنیا رفت وبرای او در اواخر اختلال حواس پیدا شده بود فرزندان او ارباب مناصب دولتی هستند کسی از او اهل علم نیست وبعضی از انها از دنیا رفته اند منهم دکتر غلام حسین مروستی از اطباء وجراحهای معروف تهران

۲۴۴ شیخ محمد محقق تفتی متخلص به پریشان اوائل امر مشغول بزازی بوده بتشویق میرزا سید حسین بن سید حسن بن میرزا سلیمان طباطبائی رو بتحصیل اورده، واز برجسته ترین شاگردهای مرحوم السید یحیی الموسوی بشمار امده ودرمدرسه شفیعیه تدریس میکرده ودرحوزه امتحانیه طلاب زمان رضاشاه پهلوی شرکت میکرده کما اینکه جماعتی از علماء یزد شرکت کرده اند چون حاج میرزا سید علی لب خندقی وشیخ اسد الله بن شیخ محمد تقی وسید محمد بن سید یحیی موسوی وغیرهم صاحب ترجمه دارای صاحب ترجمه دارای انشاء نیکو بوده اواخر بعد از بازنشست وتقاعد بتهران مهاجرت کرده متعنا الله ببقائه وانجا مرحوم شد اینکه می نویسد اکنون که ۱۳۱۷ شمسی است

صاحب

صاحب ترجمه ۷۰ سال دارد ناگفته نماند فرزند انی به سیره پدر ندارد ابتدا العلم به واختتم به ایضا.

۲۴۵ آمحمد مهدی پاشنه طلا بن محمد اسماعیل. گفته شده اورا پاشنه طلای گفتند چون پاشنه های پای او قرمز بوده، تولد انجناب سنه ۱۲۱۹ وازاحفاد پیر جمال الدین اردستانی میباشد که رضا قلی خان هدایت در ریاض العارفین شرح حال وتصنیفات اورا آورده مشارالیه ازعلمای معروف ودر علوم غریبه و حکمت وریاضیات وغیره مشهور بوده ایشان را چهار پسر بوده از اهل علم شیخ عبد الصالح که مانند پدر در علوم غریبه خیلی استاد بوده ودیگر میرزا آقا که بصفت پدر ونزا در بوده وسومی شیخ یوسف اواخر عمر امام مسجد ابوالمعالی بوده اند وچهارمی - شیخ محمد رضا ولی اکنون نام ونشانی ازعلم درمیانشان نیست نعم ابناء الدنیا.

۲۴۶ ملا محمد بن فولاد پدر صاحب ترجمه مجوسی بوده واما ملا محمد تا پنجاه سالگی بدین زردشتی بوده بلکه ازعلمائی دستور قوم بوده دراثر مطالعات دراطراف اسلام وتوجه بمبانی سست ائین خود متمایل باسلام شده گویا بدست جدمادری مرحوم میرزا محمد علی مدرس متوفی ۱۲۶۵ اظهار اسلام کرده واز طرف ایشان مسمی شده بملا محمد بعد ازآنکه نام اد رستم بوده واولاد اوهم مسلمان شده اند اما عیالش بدین زردشتی باقی بوده ولی درحباله زوجیت مشارالیه باقی بوده بقانون اسلام که اگر زوج مسلمان شدی تواند زوجه کتابیه سابق را نگاه دارد. صاحب ترجمه پنجاه سال

سال هم در اسلام گذرانیده و مشغول مطالعات علمی اسلام ... اواخر بنجف
مشرف و هم انجا مرحوم شده اثری از او در دست نیست و از احفاد او است مرحوم
شیخ احمد بن محمد حسن بن محمد صادق بن لطفعلی بن صاحب ترجمه از محصلین
و دانشمندان علوم دینی مشارالیه از اشخاص با ذکاوت و استعداد و جدی در
تحصیل، در یزد خدمت اساتید سطح را بپایان رسانیده و در سال ۱۳۴۷ باراک
(سلطان اباد) مهاجرت کرده و خدمت مرحوم حاج شیخ عبد الکریم باستفاده پرداخته
و در سال ۵۰ بهمراه معظم له بقم امده و در سال ۴۳ در همان قم مرحوم شده در جوانی یعنی
بیست و شش سالگی، پدران او تجار بوده اند

۲۴۷ اقا مهدیا در ظهر کتاب منهاج الهدایه کلباسی موجود در کتابخانه وزیری چنین
نوشته شده بود که جناب سماء عالم علم یقین و مهبط فیوضات انوار غیبی مرات عین
و یقین و نبراس ضیاء شمس ملت و دین جامع جوامع فضائل و حائز سبق
اماثل کهف العلماء الالباب محیی السنة والکتاب العالم الفهیم الجلیل الاکمل
الاوحد النبیل مجتهد الزمان فرید الدوران مرجع الاسلام مقتدی الانام.
سرکار شریعتمدار اقائی اقا محمد مهدیا دام ظله العالی بوکالت کربلائی محمد خان
بن حاج تقی علی لاری با القاب بسیار برای ایند و ایضا یا نصف جلد کتاب وقف
محصلین علوم دینیه دار العباده یزد نمودند و متولی اعلم بلد مزبور میباشد
در سنه ۱۲۶۵.

مجتبی

۲۴۸ مجتبی ابن المرتضی بن المجتبی الحسینی الیزدی کتب محمد تقی بن محمد باقر. الشریف فی مجموعة ان المشار الیه شرح اداب المناظره للسمرقندی.

۲۴۹ ملا مصطفی بن حاج محمد بن عبد الرضا الخوئی الاذربایجانی الترک. ظاهراً پدرش تاجر بوده و پدرش وخودش دریزد سکونت اختیار کرده اند انچه تردمن ثابت شده نزد شیخ احمد احسائی تلمذ کرده. واز افکار او متاثر شده ولی لشنیده ام که شیخی شده باشد ودرشما بمسلک شیخ گرویده باشد واگرچه استشمام غلو از بعض کلمات او میشود مثلاً میگوید شیخ ما روایت کرده که یک شب پیغمبر صلی الله علیه واله وعلی علیه السلام خلوت کردند از سر شب تا نیمه پیغمبر تعلیم علی ع کرد علوم ظاهری ولی از نیمه تا صبح علی تعلیم پیغمبر کرد از علوم باطنی نعوذ بالله. انچه مسلم است مشار الیه در لغت وادبیات وعرفان وتفسیر استاد بوده قریب دوازده تصنیف وتالیف از ایشان بنظر رسیده واکثر انها در کتابخانه وزیری بخط مؤلف موجود میباشد که از طرف نواده های مرحوم بکتابخانه اهداء شده از انهاست شرح دعاء صباح در دو نسخه. سفره درویشان جام جم. جام سفالین وغیر ذلک. نزد من یک شرح نصاب مفصل او هست که خیلی در ان کتاب درباره خود غلو کرده میگوید هیچ شرحی بر کتاب نصاب کسی ننوشته وتخواهد نوشت. اسم کتاب سرمایه دانش است ومعلقب گردانید. بمفتاح بینش وتاریخ تالیف ان از همه کتابها ایش موخرتر است ودرسال ۱۲۵۲ باتمام رسیده نسخه اصل ان نزد بعض اقوام ما میباشد کما

اینکه

اینکه کتابی در اوراد و ختومات دارد و نسخه ان نزد بعض دیگر از اقوام میباشد مشار الیه از حیث وضعیات مالی در مضیقه بوده فرزند مشار الیه جناب اخوند ملا محمد هادی نام ایشان میاید عنقریب انشاء الله

۲۵۰ اخوند ملا محمد هادی بن ملا مصطفی از علماء و مجتهدین، و بخط پدرش دیدم در سال ۱۲۵۵ متولد شده و در محراب مسجد فرط نوشته بود که در سال ۱۳۰۸ فوت کرده اند ایشان در یزد بکار قضاوت اشتغال و دارای سجل نوکر و در محله دار الشفاء سکونت و در مسجد فرط بامامت مشغول و نیز بکار تدریس اشتغال داشتند و بسیار مورد قبول عامه و خاصه بوده اند و بنابر نقل فرزندشان وصی مرحوم حاج ملا تقی کدبانی بودند در ثلث مال او که صد هزار تومان بوده و ناصر الدینشاه بوجود همچو ثروتمندی افتخار میکرده مع ذلک بالکمال زهد روزگار میگذرانیده و شاید مقصود میرزا ابو الحسن اصطهباناتی در اول کتاب تشریح الافلاک همین صاحب ترجمه است قال الاستاد الاعظم والسناد الافخم مولانا محمد هادی لازال نور هدایته ممدوده و نار ارشاده موقده صاحب ترجمه را فرزندانی بود منهم شیخ محمد جواد علیه که تحصیل کرده بود و اوائل تاسیس مدارس بخدمت فرهنگ درآمده بود و با حال زاری از دنیا رفت فعلا در این خانواده کسی از اهل علم نمیشناسم

۲۵۱ حاج ملا مهدی بن حاج ملا حسین بن عبد العلی نام پدر گذشت و صاحب

ترجمه

ترجمه از علماء و وعاظ بسیار عالی مرتبه و مقبول عامه در یزد، هنگام رحلت بلند شدند و فرمودند السلام علیك یا حجة الله، در زمان خود ان قدر مجلس داشتند که محتاج بیك قاطر و یك الاغ بودند و از کثرت حافظه تکرار کم داشتند متعلق باوائل قرن چهاردهم.

۲۵۲ الشیخ محمد مهدی بیده ئی بن حاج ملا حسین بن ملا محمد ابراهیم نام پدر رشت پدر اند واما صاحب ترجمه در سن چهارده سالگی شروع بتحصیل در یزد سپس باصفهان رفته مدتی انجا بوده و بعد در نجف اشرف مدت بیست و هفت ۲۷ سال تمام در خدمت آقای آسید محمد کاظم تحصیل نموده و از شاگردان برجسته امرحوم و طبق اجازه ای که از سوای امرحوم صادر نموده او در طراز اول شاگردان محسوب و قلمداد نموده است قریب پنجاه سالگی در بیده میبد که اهل انجا بوده داماد شده و تا اخرین لحظات عمرش مشغول تدریس و مطالعات بوده و چند کتاب از تقریرات اساتید داشته که در موقع حمله سارقین به بیده باسائر اثاثیه منزل بوده اند پس از هشتاد سال تقریبا مرحوم و در قبرستان بیده مدفون

۲۵۳ حاج سید محمد بن حاج سید رضا آلشوری (سلغراباد) پدرشان از اهل علم نبوده بلکه دارای ثروت بوده و باجد مامرحوم مدرس بمصاهرت پیوسته یعنی خواهر حاج سید محمد عیال حاج میرزا سید علی پسر مدرس بوده روزی صاحب ترجمه تحفه ای از شکار منزل مدرس می برد و در انحال عالمی در محضر مدرس بوده و

طرف

طرف تمام توجه ایشان این امر بر صاحب ترجمه گران امده و متوجه مقام علم میشود

وبرای تحصیل علم دامن همت بکمر زند وبرای ان از یزد کوچ میکند تا زمانیکه

بمقامی بلند از علم میرسد بیزد مراجعت و حوزه درسی تشکیل میدهد و دارای

ثروتی سرشار بوده، وکثیر السفر بزیارات در حدود سنه ۱۳۰۵ وفات یافت از احفاد

ایشان است اقای دکتر حاج سید رضا پاک نژاد صاحب کتاب (اولین دانشگاه

واخرین پیامبر) که بیست وچند جلد است ودران احکام طبی وتشریحی را از ایات

واخبار استخراج کرده با وسعت نظری فوق العاده وطرف توجه هم واقع شده

ودیگر کتابهای دینی نیز نوشته حیاه الله

۲۵۴ الحاج سید محمد بن جعفر من اهل احمد اباد اردکان ومن بیت العلم رجال

یزد تکرار ذکر تحت شماره ۲۱۷

۲۵۴ شیخ محمد علی بافقی ساکن مشهد ومتوفی هناک ولپسرش عالم فاضل واعظ

جوانمرگ شیخ جعفر

۲۵۵ ملا محمد علی عقدائی ساکن اصفهان استاد محمد جعفر منشی صاحب تاریخ

جان (جعفری) درباره اومی نولیسد علامه نحریر است که اطراف علوم صرف و

نحو ومنطق ومعانی بیان وتفسیر را مستطرف است ودستی بالا تر از دست

وی نلیست حدود سنه ۱۲۳۵

۲۵۶ الحاج سید مهدی متوفی سنه ۱۲۶۲ از علماء بزرگ یزد صاحب مقام فتوی

چند

چند استفتاء از ایشان هست.

٢٥٧ شیخ مهدی بن اخوند ملا محمد باقر بن ملا محمد بن ملا غلامحسین من آل حبیب بن مظاهر الشهید بالطف کان آبائه من العلماء اما نفسه فهو عبقریة من العباقرة عدیم النظیر فی جودة الذهن وعظم غور الفکر وقوة النظر وشدة البحث عندنا. صورة اجازه المحقق الخراسانی وبهامشه توقیع الحاج شیخ فضل الله النوری الشهید وایضا اجازة الشیخ میرزا محمد تقی الشیرازی وقد کان تلمیذا له وللمحقق الخراسانی والسید محمد الاصفهانی والمجدد الشیرازی رحمهم الله تعالی ومما کتب المحقق المذکور فی حقه وممن وفقه الله بهذه الموهبة العظمة والمنقبة الکریمة العالم العامل والفاضل الکامل محقق شرایع الاسلام علامه قواعد الاحکام السالک مسالک التحقیق العارج معارج التدقیق الجامع مجامع السداد والناهج مناهج الرشاد صاحب الذهن الوقاد والفکر القاد النقاد عمدة ارباب التحقیق وقدوة اصحاب التدقیق ابو الفواضل والفضائل الولد الروحانی الشیخ مهدی الیزدی الخ ثم انه اختاره السید المجدد الشیرازی فی من اختاره لمرافقة ابنه حضرت ایت الله الشیخ میرزا آقا لما جاء الی ایران واتی ناصر الدین شاه مع الشیخ مهدی وحضر مجلس الضیافة لمیرزا علی اصغرخان اتابک ولما ذهب اتابک الی العتبات اهدی الی العلماء ومنه صاحب الترجمه ثم انه جاء الی یزد بعد ان اقام فی سامراء ونجف اثنی عشر سنة وصار اماما لجامع امیرچقماق وراثة عن ابیه ومدرسا فی المدرسة المصلی

مات

مات سنه ۱۳۳۵ وقبره یحوی حرم وعمره ۴۸ کل ذلک حلی له ولده العالم الشیخ حسین وقال له رسالة عملیة وتفسیر للقران المجید وله ایضا الشیخ مرتضی مات شابا صاحب العلم والفضل والزهد وللشیخ مرتضی اولاد منهم اکبرهم الشیخ محمد رضا شهاب من افاضل اهل العلم والزهد مدرس فی الفلسفه فی المشهد الرضوی بجامعه (دانشگاه دولتی) واما ابو صاحب الترجمه یعنی ملا محمد کان من اهل العلم ارتحل الی النجف ومات هناک رای المتولی لامر الحضرة العلویه لیلة وفاته انه قیل له قم فقد مات ملا محمد وعمه حاج ملا محمد صادق من اعلام المجتهدین من تلامذة الشیخ الانصاری

۲۵۸ میرزا محمد علی صالح بن سید یحیی بن سید سعید قلعه کهنه ای الحسینی الحسنی از علماء صالحین ولپسر عموی میرزا محمد علی واسق صاحب تذکره میکده سال فوت میرزا صالح سنه ۱۲۶۹

۲۵۹ ملا محمد علی از اهل باغ دهوک مرینز وباغ دهول مهریز ابادی کوچکی - است که دارای دو عالم بوده اوائل مائه ۱۳

۲۶۰ حاج محمد طاهر نقل از کتاب فرسان تالیف مهدی طاهری فرزند شیخ عبد الغفور فرزند آقا محمد فرزند حاجی محمد طاهر، مرحوم حاجی محمد طاهر جد پدری نویسنده که از اعاظم فقهاء، ودانشمندان بوده است واثار خیریه بسیار دارد از جمله رباط الخیره اولین رباطی است از یزد بخراسان ومدرسه ابو المعالی که امروز بطرز جدید دائر است وموسوم است بدبستان طاهری. تعمیر کامل اب انبار محله ابو المعالی ساختمان

مدخل

مدخل آب انبار سر پلک و حاجی یوسف تعمیر مسجد ابوالمعالی که منهدم شده بود و نیز از طرف مرحوم حسین خان آجودان حاکم خیرخواه یزد با تخت روان بتهران رفت و ۳ هزار جره میاه خالصه ابرستان را از دولت خرید و وقف کرده بر شهر نمود بطوریکه در وقف نامچه مصرح است و وقف نامچه در اداره فرماندار یزد موجود است تاریخ تنظیم سنه ۱۲۵۹ و پس از تعمیر مسجد ابوالمعالی مقبره خود را در کنار مسجد بنا نهاد که اینک بطور آبرومند تعمیر شده است وفات سنه ۱۲۶۴ سن ۷۲ سال و از احفاد او میباشد شیخ هادی معروف بدکتر طاهری ابن آقا حسین حکیم بن محمد ابن حاج محمد طاهر که اولاً در سلک طلاب و سپس بتحصیل طب پرداخت و درجوانی وارد مرحله سیاست گردید و ظاهرا دوازده ۱۲ دوره وکیل مجلس مقدس شورای ملی از یزد گردید در زمان رضا شاه و پسرش علیهما ما علیهما و از دهاة سیاستمداران محسوب بود در زمان خود و نام او را در بازیگران عصر طلائی آمده است و پسرا درکو چلی تری داشت بنام دکتر محمد طاهری رئیس بهداری یزد. راستی درفن طبابت مجتهد و در معالجه امراض گاهی اعجاز میکرد و دارای خلق حلیم و بی اعتنا بمال و مردی کم نظیر بود فعلا خانواده های طاهری ها مشهور و لکن کسی از اهل علم درمیان آنها نیست

۲۶۱ ملا محمد علی بن حاج محمد حسن اردکانی مشهور بفاضل و نحوی، از علماء بزرگ و دارای فنون مختلفه و آثار متکثره منها لوامع التنزیل در علم تجوید و مکرر در آن کتاب

حرف المیم

کتاب شیخ جعفر کاشف الغطاء را استاد خود معرفی میکند گویند شاگرد
خواجه شرف الدین عقدائی که از اولاد خواجه نصیر الدین طوسی است نیز میباشد
با شاهزاده محمد ولی میرزا ارتباط داشته و کتبی برای او نوشته یا ترجمه کرده که در تاریخ
جعفری که اخیرا طبع شده موجود است و ان جمله ترجمه توحید صدوق و تنها کتاب
صاحب ترجمه است که تاکنون طبع شده و از جمله علوم صاحب ترجمه علم تعبیر خواب
بوده و مرات الرائی فارسی موجود در کتابخانه مدرسه علمیه اردکان بنام کتابخانه
فاضل در این باب نوشته و در تاریخ فوق مذکور است که محمد ولی میرزا هنگام رفتن
از یزد بتهران در اردکان خوابی دیده و از فاضل مذکور تعبیر خواسته و او تعبیر ناخوشی
نمود و همان هم چنان واقع شد و ترجمه بعض مجلدات عوالم بنام مصائب الاسلام
در مسئله امامت و خلافت جلد ۱ و ۲ در کتابخانه عمومی بنام فاضل اردکانی در اردکان موجود
است و همچنین هدایة الاعلام در ترجمه کفایة الاحکام سبزواری برای اوست چهار
جلد کتاب بنام المطالب السنیه فی شرح الدرة الالفیه در فقه جلدی از ان بخط مؤلف
زیارت شد و اتمام ان در سال ۱۲۴۳ است و دیگر رسالة الغوافی فی شرح
العروض والقوافی بخط مؤلف مورخه سنه ۱۲۲۸ و دیگر مدارک الایات و دیگر الرائق
فی ترصیف لغات الفائق اتمامه سنه ۱۲۳۳ و با وجود اینکه او را نحوی میگویند اثری
از نحو از ایشان دیده نشده، و خیلی کتابها را هم استنساخ کرده که بعض از انها
الان موجود است و برمیاید دانشمندی پرکار بوده و ساکن در اردکان هم بوده
نقل

نقل میشود خدمت بحرالعلوم بیشتر استفاده او بوده و لی مع ذلك کلمه

کلمه روزگار بسختی میگذرانده



۲۶۲ شیخ محمد معروف بآقای اردکانی بن ملا عبدالکریم، صاحب ترجمه بسر عموی.

فاضل اردکانی وهم وابسته بخانواده اخوند ملا اسماعیل عقدائی. تحصیلات

در اصفهان خدمت حاج محمد جعفر ابادهی و ملا حسینعلی تویسرکانی دارای رتبه

اجتهاد و قریحه شعر و انشاء نیکو و ذوق فوق العاده، چند سال در اردکان -

مشغول تدریس بودند و عاقبت بواسطه مخالفت با حکام و جریانات سیاسی

منتقل بمحمود اباد میبد شدند که باغ شخصی انجا داشتند و بهمانجا بودند سن

ایشان ۸۵ سال فوت سنه ۱۳۳۷ مدفن اردکان.





۲۶۳ حاج ملا محمد بن حاج ملا حسین اردکانی دوازده سالگی مشغول تحصیل

در اردکان مدت چهار سال سپس باصفهان رفته ۴ سال تا سطح را تماماً خوانده

بعد در نجف ۴ سال خدمت اساتید، صاحب اجازه اجتهاد از سید محمد کاظم

در اردکان مرجع اهالی و مورد احترام همه و او اخر بلاقرین بودند دارای قدی بلند

وخطی نیکو معاشرتی مؤدبانه و دارای انضباط کامل مشهور باجتهاد عمر ایشان ۸۴

سال فوت سنه ۱۳۸۰ کسی از ایشان از اهل علم باقی نیست برادر بزرگتر ایشان

اخوند ملا علی از علماء و محترمین اردکان بشمار میرفته است.

سید

۲۶۴ سید محمد شهید منقول از یادداشتهای آقای حاج سید حسین محق یزدی مقیم تهران که مرد دانشمند وادیبی است در مقبره شاه خلیل الله واقع در تفت . زیر یکی از سردابه ها جسدی دیگر پیدا شد که بهم خشک شده بود ولی پس از چهار صد سال هنوز متلاشی نشده بود و در پوست گردن او اثری شبیه به بریدگی دیده میشد ولی پس از آنکه بسنگ قبر که بر فراز آن بود درست توجه کردند معلوم شد که آن جسد سید محمد شهید است که یکی از اکابر علماء آن عصر بوده است .

۲۶۵ محمد مومن الموسوی الیزدی الیزدوئی بن علی الرضا مظنون است که از علماء بوده چنانکه پسرش سید میرزا بظن قوی از علماء بوده است و در حوالی سنه ۱۰۷۰ زندگانی داشته کذا قیل .

۲۶۶ میر محمد مؤمن متخلص بادانی از دانشمندان بزرگ یزد بشمار است صاحب ترجمه در کتب تواریخ از پارسی وارد و صفحاتی را مشتمل بر مقام علمی سهیم است وی آغاز امر در ایران مسند قضاوت داشته وهم خطیب بی نظیر بوده و سرانجام بهندوستان رفته وبنابنوشته محبوب الزمن چند مدت در شهر سورت توقف داشته آنگاه بحیدرآباد دکن آمده ونزد سلطان قلی قطب شاه باریافته وبمعرفی میر محمد مؤمن استرابادی منصب عمده ای برای او مقرر شده که تا آخر عمرش خوش وخرم زیست میکرده وبالاخره سنه ۱۰۳۰ در هندوستان بدرود حیات گفته است آئینه دانشوران .

۲۶۷ ملا محمد معروف بشاه قاضی یزدی بن حاج حسین از اکابر علماء امامیه و تا سال ۱۰۴۱ حیات داشته صاحب کتاب ایات الاحکام معروف به تفسیر قطب شاهی و هم مختصر دیگری در همین باب دارد که انرا هم بدستور محمد قطب شاه نوشته هر دو الهها در کتابخانه سالارجنگ واقع در حیدراباد موجود است انشاءالله

۲۶۸ محمد بن حسین بن سلام ابرقوئی یزدی رساله های متعددی ازاو در کتابخانه ملک طهران موجود است که در سال ۸۴۱ ان مرد فاضل نوشته.

۲۶۹ محمد بن محمد جعفر الیزدی صاحب کتاب نخبة الخصال است فارسی - کتابخانه ملک تهران.

۲۷۰ محمد ابرقوئی صاحب سوانح الافکار رشیدی. کتابخانه ملک

۲۷۱ الحاج شیخ محمد فکور بن حسین بارقة انوار الملکوت ومطواع اوامر الحی الذی لا یموت الذی بدنه من الضعف کالعنکبوت اعان مولاه علیا بالزهد فی المأکل والمنزل والملبس ذهب الی ربه ولم یضع لبنة علی لبنة ولا ملاطا علی اجر ولا ادخر لنفسه ذهبا ولا فضة وان کان میسورا له وورث باحمد اباد اردکان اریضة باعها فی ثمن مئازر لما سمع ان بعض الصعلوکات من قریته یدخلن الحمام بغیر مئزر. اشتغل بالکسب فی الصباوة فی دکان ابیه وهو من الدین قیل فی حقهم المؤمن غر کریم وله حکایات ح فی کرامة النفس ثم اشتغل بالعلم قلیلا فی الیزد ورحل الی قم واخذ العلم عن ایة الله المؤسس والسید محمد الحجة وایة الله البروجردی

البروجردی فی الفقه والاصول والشیخ الشهابادی فی العرفان حتی برع وفاق فی
الفقه والاصول والفلسفة والعرفان وکان یدرسه فی هذه العلوم واستقل
بالتدریس لتطری الاجتهادی بعد البروجردی فی الفقه ویحضره اکثر من عشرة
من ذوی الفضل. کان ره آیة فی التواضع وحسن الخلق والسخاء وحلو المعاشرة
یحمده ویمدحه کل من رآه او سمعه وفی اواخر عمره لیسافر الی العتبات ویقیم شهور
الصیف هناک ویرجع الی قم فی الخریف وکان علی هذا حتی سد الطریق من قبل
سلطان الجور وربما کان له افراط فی شرب السیجار (السیگار) وکذا کان مفرطا فی مقام
التطهیر حتی نطق به الوسواس اعاذنا الله منه واشتهر بالاستخارة وربما استدعوا
منه من اقاصی البلدان ولم یبق منه الا بنت قد زوجت وعمره ۷۴ تقریبا وفی
کثیر من عمره کان دنفا مریضا واشتد حتی مات بالسعادة سنة ۱۳۹۴ وشیع جنازته
فی حفلة جامعة وصلی علیه الحاج سید محمد رضا الگلپایگانی من المراجع العظام
ودفن فی شیخان قم واقیمت له المآتم الکثیرة فی قم وفی البلدان وبعض القری.

۲۷۲ محمد بن محمد جعفر الیزدی صاحب کتاب نخبة الخصال است فارسی کتابخانه ملک

۲۷۳ محمد بن نصیر بن قاضی الیزدی محمد نصیر مؤلف تحفه عباسیه در شرح رساله
رضویه وگاهی تحفه سلیمانیه نامیده میشده وشاید متعدد باشد. ملک

۲۷۴ حاج معین الدین. از دانشمندان روزگار محمد مظفر ودر سال ۷۵۷ تاریخ
آل مظفر نوشته واورا مواهب الهی موسوم ساخته ودر تاریخ معتمدی بنام تاریخ
معینی

معینی مظفری یاد شده و در سنه ۷۵۴ بتدریس دارالسیاده کرمان که از بناهای محمد مظفر است مأمور شده توضیحا آنکه دارالسیاده نام مکان مقدسی بوده است که بنا بگفته مجمل فصیحی آثاری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در آنجا نگاهداری میشد صاحب ترجمه کتاب دیگری دارد بنام حل ائق الحقائق تفسیر سوره یوسف که در کتابخانه آیة الله بروجردی هست.

جامع مفیدی نوشته معین الدین معلم یزدی در زمان خود اعلم علماء و افقه فقها بوده و بتدریس علوم عقلی و نقلی میپرداخته و از آغاز سلطنت آل مظفر تا پایان آن در شهر یزد بر سجاده تقوی مستقر بوده و طلبه از او فیض یاب بوده اند و باید دانست شاه شجاع از روزگار صبا تا اوقات شباب بمجلس درس او حاضر شده و حسب استدعای آن شهریار معین الدین تاریخ معینی مظفری را نگاشت و در سال ۷۸۰ در ابرستان بموضع (دارندک) مسجد عالی ساخته و گنبدی رفیع برایش ساخته و در همانسال بدرود زندگی گفت و در آن گنبد بخاک سپرده شد. اصول مسجد تا بحال هست و چند نوبت تعمیر شده جنب شارع و خیابان است آئینه دانشوران

۲۷۵ عفیف الدین محمد بن یعقوب مجمل فصیحی مینو یسد در سال ۷۵۳ چون مسجد جامع کرمان که بدستور امیر مبارز الدین محمد مظفر بنا شده بود باتمام رسید شاه مولانا امام ربانی مولانا عفیف الملة والدین محمد بن یعقوب را درخواست کرد

از

از یزد بکرمان آمد و روز جمعه اول را تیمناً در ان مسجد امامت فرمود اقول الان
هم مسجد کرمان همانست واسم بانی برسردران منقوش است.

٢٧٦ معزالدین شیخ الاسلام قصبه تفت او اواخر زمان صفویه از اولادهای جلال
الدین شیخ الاسلام اعظم است که نام او گذشت اولادهای او در تفت هستند.

٢٧٧ محمد ملقب بشرف الدین فرزند رضا خویدکی مترجم کتاب معروف جامع
الاخبار است واین ترجمه چند دفعه چاپ شده است در چاپیکه کتابفروشی اسلامیه
تهران چاپ کرده از یاد داشت مترجم چنین نقل می کند که ترجمه در سال ١١٥٧
صورت گرفته وهم چنین در الذریعه واما محلی که این عالم منسوب باو میباشد
خویدک است که از قراء شهر یزد است که در طرف شرقی شهر واقعست وبانداره
سه فرسخ تقریبا از شهر دور است ودر کتاب فرهنگ آبادیهای ایران نقطه ئی
یک خویدک نام می برد وتلفظ ان در محل بخاء معجمه مفتوحه وواو ملفوظه و
دال مهمله مفتوحه میباشد

٢٧٨ میرزا محمد یزدی دارای حاشیه بر حاشیه ملا عبد الله کذا فی الذریعة
وقال انه مطبوع.

٢٧٩ سید محمد بن حسین حسینی فیروزابادی یزدی از اهل فیروزاباد است که از
بکربلا مشرف شد. ودر مدرسه حسن خان اقامت داشته وبکمال عسرت با
شوق وافر تحصیل میکردند وقدری بدرس فاضل اردکانی رفته سپس منتقل

نجف مشرف ملیشوند و بدرس اخوند خراسانی میرفتند تا فتنه مشروطه بعد تنها درس السید محمد کاظم یزدی را اختیار کردند بعد از مرحوم سید مرجعیت تقلید تا اندازه‌ای پیدا کردند بالخصوص اهالی تبریز ولی در یزد مرجعیتی نداشتند و تمام بمرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری ره مراجعه نمودند سن ایشان بین ۸۵ و ۹۰ بوده و مجلس درس و امامت مهمی داشتند و قبل از درس کمی تفسیری فرمودند در سال ۱۳۴۵ درگذشتند و بالجمله ایشان و استادشان السید محمد کاظم و معاصرشان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری سه بزرگواری هستند از اهل یزد که بمقام مرجعیت رسیدند علی اختلاف مراتبهم رحمة الله و برکاته علیهم.

اخوی اقای السید محمد فیروزابادی نیز در نجف تحصیل کرده و از اخوی خود باخذ اجازه نائل و بوطن برگشته و در جوانی از دنیا رفته

فرزند صاحب ترجمه یعنی السید محمد آیة الله آقای السید مرتضی از فقهاء و اصولیین بزرگ صاحب تصنیفات و تالیفات زیاد و لیس از عمری توقف در نجف اشرف جبرا بایران امده و در قم توقف دارند و مشغول امامت و تصنیف و تدریس میباشند شرح احوال ایشان در گنجینه دانشمندان آقای رازی موجود است همان نطوری که در شرح احوال حاج سید علیرضا پسر عموی صاحب ترجمه گذشت.

این خانواده مشهور بسادات میرباقری میباشند و علت اشتهار انها بمیرباقر بخاطر انکه نام جدشان میرباقر بوده (سید باقر بن سید حسین بن سید باقر)

حرف المیم

دیگر اینکه وقتی سید باقر جد شان بمکتب میرفته یکروز ملا باو پولی میدهد تا میر
باقر روغن برایش بخرد ولی وقتی بیرون میرود برای خرید با بچه ها سرگرم بازی
میشود تا اینکه مغازه تعطیل میکرد ولبس ظرف را پر از آفتاب میکند به خانه ملای برد
وفورا بیرون میاید و ملا بعد از ان استفاده میکند درحالیکه روغن بوده واین روغن
بهیچ وجه تمام نمیشود ولبس از توجه ولشف سر روغن هم تمام میشود.

۲۸۰ الحاج سید مرتضی بن الحاج سید عبد الحی قد تقدم ذکر ابیه جاء الی یزد
مع ابیه فی الصباوه ورجع الی النجف لتحصیل العلم وبقی هناك سنین متطاوله
اخذ من العلماء منهم السید عبد الهادی الشیرازی جاء مارا الی ایران حتی استقر
فی یزد مشتغلا بالامامه کان رجلا جسیما جمیلا عالی الهمه وابتلی بمرض القلب ومات
سنه ۱۳۷۸ ودفن بجوی هرهر له عقب من العلم بناهز عمره خمسا وخمسین.

۲۸۱ سید مهدی بن سید تاج الدین اصلش از سبزوار است ولی در یزد متولد
شد. مادرش دختر میر عبد الباقی فرزند شاه نعمت الله ولی است. اهل اطلاع
درباره اش نوشته اند که مردی فقیه وزاهد بوده وبواسطه ظهور کراماتها.
مورد الطاف شاه طهماسب صفوی شده. ائینه دانشوران

حرف النون

۲۸۲ سید نور الدین شاه نعمت الله ولی ازاو درکتب بسیاری یاد شده واز
مشایخ عرفا بشمار میاید ودرباره شرح حال او اختلاف است بنابر نقل بعضی در

نعمت یزد بوده وهمراه شرف الدین علی بمکه مشرف شده وتزد شیخ رکن الدین
شیرازی وشیخ شمس الدین مکی وسید جلال الدین خوارزمی وقاضی عضد الدین
درس خوانده وعلاقه زیادی بکتاب مرصاد العباد داشته وباسید شریف
جرجانی ملاقات کرده درشیراز روز جمعه برای نماز جمعه حاضر شده. ازاولاد امام
جعفرصادق علیه السلام میباشد بنا برقول مجمل فصیحی درسال ۸۲۴ درماهان
کرمان ازدنیارفته ودرانجامدفونست برای اطلاعات بیشتررجوع شود بکتاب
آئینه دانشوران چاپ دوم وغیره ومن صرف نظرمیکنم خصوصا که بیشتر ادعاها
درباره مشایخ صوفیه مبنی براغراقست سپس رجوع کن بفرمایشات حضرت
میرزا ابوالقاسم قمی دراواخرکتاب مستطاب جامع الشتات وببین درباره
شاه نعمت الله واشعار کفرامیزاو وهمه صوفیه چه میگویید ولنسبت وحدت وجود باوی
دهند واشعاریکه منسوب باوست دربیان سلسله اجازات اونوعا اشخاص
سنی کج عقیده اند ودران اشعار اسم امام رضا علیه السلام که صوفیه ادعامیکنند
نیست بلی اسم موسی موجود است ودراخراسم علی بن ابیطالب هست ولی در
مجمل فصیحی که بیان مشایخ اومیکند مستقیما بعدازمعروف کرخی داود طائی می
گویند بدون واسطه ودراخرحسن بصری ودرانجاختم میکنند بدون نام علی علیه السلام
وبد انکه ماموظف بلیستیم هرکه رادراینجا یاد میکنیم به نیکی یادکنیم بلکه. شعر.

بابدان بد باش وبانیکان نکو — جای گل گل باش وجای خارخار

گر

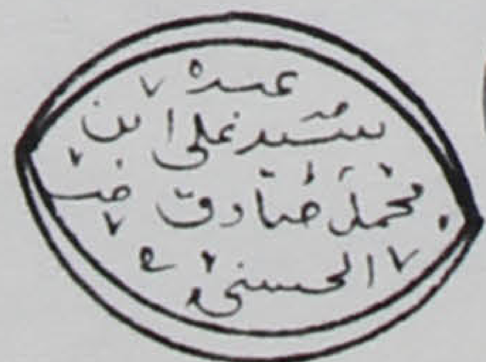
گرچه اسم این فهرست را نجوم الشرد بذکر علماء یزد گذارده ام اما این را هم بخوان واذا النجوم انکدرت

۲۸۳ شاه نعمت الله یزدی نواده شاه نعمت الله کرمانی معاصر شاه طهماسب صفوی ممدوح قطب الدین خسروشاه یزدی .

۲۸۴ ملا نعیم بن عبدالنبی از علماء یزد زمان محاصره جعفرخان زند یزد را حیات داشته ونام او در تاریخ جامع جعفری مشهور بتاریخ خان که بتازگی طبع شده هست .

۲۸۵ شیخ محمد هادی بن عبدالرحیم بن ابراهیم بن حسین بن مفید نصرابادی از قراء پیشکوه یزد پدرانش از اهل علم نبودند قدری در یزد تحصیل کرده پس عزیمت باصفهان نموده است در انجا خدمت اساتید بکسب معقول ومنقول پرداخته است بالخصوص خدمت میرزا محمد هاشم چهارسوقی .۱۳ سه اجازه اجتهاد وروایت از اساتید برای ایشان دیده شده

! میر سید علی بن العلام الفهام زبدة علماء عصره الامیر محمد المدعو بالصادق الحسنی الحسینی الموسوی الخاتون ابادی الاصفهانی ابن العلام الفهام الامیر محمد رضا بن علامة الزمان الامیر ابوالقاسم المدرس اعلی الله درجتهم مورخه سنه ۱۳۰۲



سجع خاتم

و فی ماقاله قوله الفاضل لکامل الفاضل العادل الحائز درجة الکمال البالغ رتبة الاجتهاد
الفائق عن الاقران والامثال ذوالفهم العالی والادراک المتعالی جامع رتبتی المعقول
والمنقول

٢ اجازه اخری بخط شکسته بسیار زیبای ممتاز وفی اخره حرره الجانی محمد هادی
الحسینی الاصفهانی فی سنة ١٣٠٢ سجع خاتمه



واثنی فیها علی صاحب الترجمة بمثل مامضی

٣ اجازه از حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی وفیها قوله فیمن مَنّ مَنْ مَنّ مِنْ
فضله العمیم علی عبده الاثیم ماشرفنی به مصاحبة اهل الاخوان ومجالسته اعنی
الخلان .... المجتهد الورع الصفی فانه دام مجده قد صرف برهة من عمره الشریف
فی حضور مجالس مباحثاتی ومذاکراتی وبرز من جنابه مصنفات رشیقة مشتملة
علی تحقیقات انیقة وتدقیقات عمیقة سجع خاتمه



ایشان داماد شیخ مهدی نواده اخوند ملا اسماعیل عقدائی شدند وازایشان
علمائی پیدا شد در تفت ونصراباد سالها ودرمحله سرده تفت امامت. دارای تالیفات
بسیار در حکمت وکلام وفلسفه وفقه، ازان جمله چهار جلد دیده شد که درمیان ان
ها بود کتاب انوار الجوادیه چون بشرح کلمه جود شروع کرده باین اسم نامیده شده
این بالخصوص مبیضه (پاکنویس) شده است کتابی است بسیار قطور چون
کتاب قاموس اللغه چاپ ایران که دریک جلد است اوله الحمد لله الذی افاض

الوجود

حرف الهاء

الوجود علی الممکنات بجوده والبس علی الماهیات لباس الخیر بکرمه این کتاب را در حدود چهل سالگی نوشته بعض مباحث انرا مطالعه کردم بسیار صاحب تتبع بوده وگاهی کلمات صدر المتالهین نقل می کند باین عبارت قال الفاضل فی الاسفار واز این جمله معلوم میشود کمال غلو در حق خود داشته است این کتاب بسال ۱۳۱۴ تمام شده ودر اخران نوشته شد ، ویتلوه المجلد الثانی این کتاب تماما بخط عبدالحسین بن محمد تقی ملقب بآیتی (آواره) صاحب تاریخ بزد که اوائل - سنش در خدمت ایشان بوده واز اطرافیان ایشان محسوب میشده وداستان زندگی او مختصر اگذشت کتابت هم نیز در سال ۱۳۱۴ بوده ، صاحب ترجمه در تفت حوزه درس مرتبی نداشته ودائما مشغول تصنیف وتالیف بوده سال فوت ۱۳۲۰ ودر صحن کوچک معروف به باغچه شمسی که در طرف غربی امام زاده جعفر است مدفون شد وعمر ایشان در حدود پنجاه سال .

سبب فوت ایشان

مخفی نماند انچه راکه در شرح احوال ایشان نوشتم یا از کتابهای ایشان استفاده کردم یا از منقولات فرزند بزرگوارشان علام فهام آقای شیخ جلال الدین ایة اللهی بود ایشان فرمودند بظن متاخم علم ایشان رابهائیها مسموم کردند باین شرح مدتی بود پدرم در نصرآباد بود و تفت نیامده بود چون عیال دیگری در انجا اختیار کرده بود در این مدت چند نفر از اخوندهای کم سواد هرزه تفت میل به بهائیت پیدا کرده بودند از ان

از جمله عبد الحسین ایتی که نام او گذشت (نامش) و عباس افندی رئیس بهائیها او را لقب داده بود آواره کوی دوست و بعدها توبه کرد و شرح آن گذشت و پدر من خبر نداشت امد گفت اینها کافر السابق با پدر من مراوده داشتند و پدر من هم با خطابه های جالب استدلالی عوام پسند بالای منبرها رد بهائیها میکرد تا بالاخره همین ها پدرم را مسموم کردند با سید کلانتر گفت ولی او قی کرد اما در مزاج پدر من کارگر شد و مبتلا بفلج گردید و از دنیا رفت رحمة الله علیه انتهی

اولاد ایشان مرحوم الحاج شیخ عبد الرضا که مشان گذشت و آقای حاج شیخ اسد الله که اکنون پیرمردی است در حدود ۹۵ سالگی و آقای حاج شیخ جلال الدین در حدود ۹۰ سالگی متولد ۱۳۰۹ همه از علماء اتقیاء و بعض نواده های ایشان نیز اهل علم میباشند (مشغل)

۲۸۶ سید هاشم الطباطبائی بن الحاج سید عبد الحی وقد مضی ذکر ابیه ولد فی النجف الاشرف وجاء مع ابیه الی یزد ثم هاجر الی النجف وبقی هناك برهة ولابتلائه بضیق النفس وکان حلیفه الی اخر العمر لم یطل هناك اقامته ثم جاء الی یزد فی حیوة ابیه واقامه والده مقامه فی الامامه وربما حضر مجلس بحث الحاج میرزا سید علی، کان رجلا ظریفا خفیفا عدلا مقبلا علی شانه وفی اواخر عمره آکب علی التألیف والف مجامع صغیرة کثیرة اکثرها مطبوع منها تهذیب المغنی (مغنی اللبیب) متداول ومنها رسالة نوروزیه فی اثبات ان یوم انتقال الشمس ببرج الحمل هو النیروز وصح انه عید موضوعاً وحکما ومنها جامع الشتات جمع فیه استفتائات المراجع وکتاب الادعیه

حرف الیاء

الادعیه وغیره وهاجر الی تهران اثر جلا من اهالی یزد واستقر هناک ... سنتین

تقریبا مشتغلا بالامامه الی ان اختاره الله سنه ۱۳۹۵ ودفن فی قم واقیمت له الماتم فی الیزد

وبعض القری وفی الغالب کان نواماتم ماتم للمرجع المعظم السید محمد هادی المیلانی

الخراسانی ولا عقب له من اهل العلم وعمره قریب من ۷۵ سال

حرف الیاء

۲۸۷ سید یحیی موسوی یزدی ابن سید کاظم از اولاد امامزاده داود جبل ق د

بیا بانک پدرشان از اهل علم نبوده این فقیه بزرگ انچه در دست دارم دو سال

در مشهد مقدس هیئت وریاضیات تحصیل کردند ونه سال در نجف اشرف خدمت

میرزای شیرازی استفاده کرده وبا مرحوم اسید محمد کاظم الفت تام داشته وارادت

تام میورزیده حتی انکه حتی المقدور استفتائات را بفتوای آقای اسید محمد کاظم

جواب میفرموده . پس از تکمیل تحصیلات بیزد مراجعت ودر اندک زمانی مرجع تام

اهالی شده مرحوم آقای میرسید علی مدرس ابن حاج میرزا زین العابدین که نام ایشان

گذشت از ایشان ترویج زیادی میکرده صاحب ترجمه در مدرسه بزرگ مدرسه خان

درس میگفته با حوزه درس قابل توجهی وشاگردان خوبی از حوزه درس او استفاده

کرده اند چون سید احمد مدرس پدر من وشیخ محمد محقق تفتی ومیرزا محمد علی فیلسوف

فرزند محمد جواد وفرزند خودشان سید محمد وغیرهم ، عالم ثقه پسرشان آقای حاج سید

مرتضی نقل کردند که پدرم میفرمود در ایام ورود بنجف در غرفه ای منزل داشتم زیر ان پیر

مردی

پیرمردی بود برنج لوب سحرها بر میخاست و مشغول کار میلیشد من متنبه شدم
و مداومت بر تهجد کردم که تا اخر عمر با وجود کمال ضعف و لاغری اندام تهجد را ترک نکرد
پدرم ، باز حاج سید مرتضی گفت پدرم نوشتجات علمی بسیار داشتند ولی از چاپ
کردن ان خودداری داشتند حتی آنکه میرزا فتح الله مشیر الممالک رئیس اداره مالیه خیلی
اصرار داشت برای اقدام در چاپ بعض انها و پدرم حاضر نشد ، یک کتاب فقهی
ایشان شاید در کتابخانه وزیری بوده باشد ، صاحب ترجمه مردی بود برد بار و دور بین
و عمیق النظر و مانع و مخالف حکومت مشروطه ، پدر من مرحوم سید احمد نقل کرد که میرزا محمد
من یک قلم قدیمی از نی (نیزه) از یزد بردم نجف و در طول نه ۹ سال با ان نوشتم و ان
را باز به یزد برگرداندم . ایشان در قضیه فتنه مشروطیت بر کنار و هیچ گونه همراهی
با ان نداشتند و گوشه و کنار رفقا سید انزا گوسفند میکردند تبعا لسیدنا استاد
محمد کاظم و فی قباله میرزا سید حسین بلغ بن سید حسن که نام او گذشت اصرار
در امر مشروطیت داشت (هکذا اجری الامر من الابتداء الی الانتهاء)

صاحب ترجمه در اواخر در یزد تنها مرجع اهالی و ناظر اوقاف وقف اباد که شان اعلم اهل بلد
است و متولی ان هم حاکم شهر است بودند و در اواخر عمر بواسطه کم بود مواد غذائی
بیدن در جوانی بسیار لاغر اندام و مریض بودند و سرانجام سال ۱۳۴۶ پس
از هشتاد و یکسال زندگی پر برکت در تحت بقعه امامزاده جعفر بخاک سپرده شدند
و اکنون مرقد ایشان مورد زیارت و فاتحه است ایشان را اولادهائی از اهل

علم

علم میباشند یکی از آنها مرحوم السید جواد بوده که برای تحصیل نجف مشرف شده و دارای مقام علمی گردیده و همانجا جوانمرگ و مدفون شده در زمان پدر و دیگری مرحوم السید محمد شاگرد پدر و رتق و فتق امور در زمان حیات پدر بدست ایشان بوده و مورد احترام اهالی و از راه وجاهت و کارپردازی مردم ثروتی اندوخته و بعد از پدر متصدی دفتر معاملات و ازدواج گردیده و مجبور را از لباس روحانیت خارج و قریب هفتاد سال عمر کرده و در یکی از حجرات امام زاده جعفر بخاک سپرده شد دیگری آقای حاج سید مرتضی در یزد با اصفهان و قم تحصیل نموده نیز مراجعت و سالیان دراز است عالمی است منزوی فقط مختصر اماتی را مشغول است و دارای ثروتی است که از آن راه امرار معاش میکند و هشتاد سال دارد و دیگر آقای حاج سید مصطفی است چند سال است بامامت مسجد ریگ اشتغال دارد با گوشه گیری مرحوم السید یحیی دامادهائی هم دارند ولی نواده ای از اهل علم من از ایشان نمی شناسم ایشان در یزد مشهور به آیة الله شدند و اکنون فامیل بزرگی بهمین مناسبت بنام آیة اللهی مشهور میباشند فیهم فث وسمین.

۲۸۸ حاج سید یحیی مقدس بن سید علی بن حاج میرزا محمد علی مشهور بصوم و صلوتی بن میرزا عبدالصالح بن میر عبد الکریم از علماء بزرگ یزد و بنقل بعض موثقین ۳۰۰۰ هزار حدیث در حفظ داشته و در یزد مدرس بوده او خر عمر بنا بر دعوت بعض اهل بغداد ابادهٔ ریز منتقل بانجا شده و در حدود سنه ۱۳۲۳ وفات یافته

و

و در مقبره شاه عبدالعظیم شهر یزد مدفون است فرزند ایشان مرحوم میرزا سید علی مشهور به سید علیشاه میباشند که از اهل علم بوده که نامشان گذشت

۲۸۹ حاج سید یحیی بن سید حسین یزدی اردکانی و امّه کانت من احمداباد اردکان و نشاء فی حجر والدته هاجر الی اصفهان واخذ المنقول والمعقول من العلماء وجدّ فی صناعة الوعظ حتی فاق الاقران والاماثل یشار الیه البنان فی الاقطار واستوطن فی یزد وسافر الی البلاد واعترف اهل الصناعة بتفوقه علی الکل واستجمع ثروتا ضخمة من صناعته حتی انه قام علی المنبر مرّات وقرء علی الناس خطبة الغدیریه بطولها من ظهر قلب لم یر مثله فی قوة الحفظ الا من الشیخ محمد تقی البهلول الگنابادی المعاصر له وهو الان هی اية فی الحفظ یقرء دعاء ابی حمزة الثمالی عن ظهر قلب وکان یحفظ الشی فی شبابه بقرائته مرة واحدة. ابتلی السید فی اواخر عمره ومات سنة ۱۳۵۷ بعد ان مضی من عمره بضع وخمسین سنة ودفن بجوی هرهر ولا عقب له من اهل العلم مکاشفة در گنجینه دانشمندان جلد ۱ صفحه ۲۴۱ تألیف آقای الشیخ محمد رازی چنین مسطور است یکی از امور عجیبه مرحوم ایت الله کرمانی این بود که وقتی از مرحوم حاج سید یحیی واعظ یزدی دعوت کرده برای تبلیغ و مبارزه با شیخی های کرمان وان مرحوم ان فرقه ضاله را رسوا نمود و مردم را با انحرافات آنان متوجه ساخت پس شخصیتها تصمیم قتل سید را گرفته و بالنتیجه یکی از ایشان دعوت کردند که برای منبر بعد از منزل تشریف بیاورید وامدند ایشان را بخارج شهر در بیابانی بردند پس پس از

ساعتی

ساقی احساس خطری کنه پس توسل بجده خود حضرت زهرا علیها السلام باید ابکند نماز استغاثه بان حضرت راخواند، ودرسجده یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی میگوید نزدیک بود که انها ادرانابود کنند که صدای تکبیر وفریاد مردم بلند شده ان باغ را محاصره کرده واز دیوار بدرون باغ ریخته وحساب شیخها را رسیده ومرحوم حاج سید یحیی را درمعیت ایت الله حاج میرزا محمد رضا کرمانی بشهر وتهران آقای اورند از ایت الله سوال میکنند شما ازکجا مطلع شدید که انها چنین قصدای دارند میفرماید خوابیده بودم درعالم خواب حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها را دیدم فرزند شیخ محمد رضا فورا خودرا به پسرم سید یحیی برسان اورا نجات بده که اگر دیر کنی کشته خواهد شد

٢٩٠ السید یحیی المدرسی الطباطبائی ابن میرزا علی اصغر بن میرزا محمد تقی بن الحاج میرزا زین العابدین من سلالة المدرسیه کلما کان ابوه من اهل العلم ولد سنة ١٣٢٠ واشتغل بالعلم فی الیزد ورحل الی قم عند ترعرع شبابه واکب علی التحصیل عند الاساطین کالسید محمد الحجة وآیة الله المؤسس وغیرهم ثم جاء الی یزد وارتحل الی النجف واستقر هناك مجدا فی التحصیل عند اولی العزم من الاساطین منهم الشیخ ضیاء الدین العراقی والسید ابی الحسن الاصفهانی وبعدهما استقل بالتدریس وحضر مجلسه جماعة من العلماء الفضلاء وله مکاتیب کثیرة فی اصول الفقه وفروعهما کان رسیخ سخی بهلول لین العریکه سهل التناول جاء مرارا الی ایران وتزوج فی النجف علی بعض اقربائه

اقربائه القاطنين طهران هناك وابتلى بمرض القلب و لما اشتد مرضه ره جاء الى ايران وتوفى سنة ١٣٨٤ و دفن فى شيخان قم رحمة الله عليه. كان ره عليه علماء الطائفة المدرسية و ما اعرف بينهم اكثر طولا للتحصيل واكثر استادا منه وقد بقى منه ذكورات واناث اما احدهما فهو الفقيه الاصولى السيد محمد على من اساتيد النجف والثانى السيد عباس شاب مجد فى التحصيل والتدريس يرجى منهما الخير وهما ذخر الشيعة استاد الله ولده ره اصهار علماء سادات منهم الحاج سيد محمد باقر المدرسى اليزدى ابن السيد محمد ذهب الى النجف واخذ العلم عن العلمين الاعلمين السيد محسن الطباطبائى الحكيم والسيد محمود الحسينى الشاهرودى وتزوج على بنت الكبرى للسيد يحيى ورجع مع عائلته الى يزد واشتغل بالاقامة والتدريس وابتلى بالسرطان ومات سنة ١٣٩٧ ودفن فى بعض حجرات الصحن الكبير من امام زاده جعفر بعد ان مضى من عمره نيف وخمسون سنة

خاتمة هذا قليل من كثير من العلماء الذين ظفرنا بتراجمهم فى التراجم او سماعا من الشيوخ او برأى العين والا فالعلماء اليزديون اكثر من ذلك بكثير مع انا طوينا الكشح من ذكر المذكورين فى تواريخ اليزد مثل جامع المفيدى واقتصرنا على الاغلب على الشاردين والحمد لله رب العالمين

تنبیه اسماء عده ای از علما بدون اطلاع بر حال انها تود

تودمن موجود است من جمله چون علماء با فوق را یاد

نکردیم و نمیدانستیم اسماء انها را یادداشت مینمایم

ازصد سال پیش حاج سید احمد مقتول

صد سال پیش تقریبا حاج سید علیرضا

حاج سید محمد باقر برادر حاج سید علیرضا

اسید حسن برادر او سید علیرضا

حاج سید محمد کاظم بن سید محمد

حاج سید حسن شیخ علی

پدر شیخ محمد تقی امام جمعه

اخوند بزرگ هشتاد

سال پیش تقریبا

حاج اخوند

پدرش شیخ

بعبد الصالح پدر مرحوم حاج شیخ محمد دهاد تمت استنساخ هذا الکتاب تالیف عالم الفاضل

المحقق حجة الاسلام والمسلمین السید جواد المدرسی ادام الله ظله العالی بید اقل الطلاب

عبد الخالق الحمدیات الیزدی الکستوی فی یوم الثلاثین من شهر الشعبان المکرم فی

بقیه احوالات مرحوم آیة الله سید محمد کاظم یزدی

برایم آوردند لباسهایم را عوض کردند در مدرسه صدر که معروفترین مدارس اصفهان بود حجره برایم اختصاص دادند سپس مرا بمجلس استفتای خود طلب نمودند و تا مدتی که در اصفهان بودند بدرس آقا شیخ محمد باقر میرفتند و در ساعت دیگر تدریس مینمودند تا اینکه از استاد اذن مسافرت بعراق را خواستند ایشان قبول کردند و باتفاق فرزند ایشان آقای آقا نجفی اصفهانی با نامه که برای مرحوم آیة الله آقا میرزا محمد حسن شیرازی قدس سره مرقوم فرموده بودند و در آن نامه سفارش اکید راجع بایشان نموده بودند بعراق رهسپار شدند بعضی از اقربای مرحوم آیة الله بروجردی که فعلا در قید حیات هستند در مجلسی که حقیر در آن حضور داشتم از آن مرحوم نقل کردند که مرحوم آیة الله آقا نجفی اصفهانی بایشان فرموده بودند وقتیکه من و آقا سید محمد کاظم از اصفهان بطرف عراق حرکت کردیم در میان راه مباحثه کتاب جواهر الکلام مرحوم آیة الله آقا شیخ محمد حسن نجفی را شروع کردیم و هر روز یک صفحه از کتاب جواهر را سه مرتبه مطالعه و مباحثه میکردیم و ظاهرا زمان ورود ایشان بنجف اشرف بعد از فوت مرحوم آیة الله شیخ انصاری قدس سره بوده و چون مرحوم شیخ در سنه ۱۲۸۱ وفات کردند و سال تولد مرحوم سید قدس سره در سنه ۱۲۵۶ بوده پس سن ایشان زمان ورود بنجف اشرف بیست و پنج سال بوده و چون ایشان بنجف اشرف رسیدند بدرس مرحوم آیة الله آقای آقا میرزا محمد حسن شیرازی و مرحوم آیة الله آقای شیخ راضی نجفی (۱) مرتب حاضر شدند و تا وقتیکه مرحوم میرزای شیرازی در نجف اشرف بودند ایشان ملازم حضور بودند لکن بعد از رفتن ایشان بسامراء

---

(۱) درباره مرحوم مقام معاصر آقای آقا شیخ راضی نجفی گفته شده است که فقه در نزد ایشان مانند انگشتری بوده که بطوریکه در انگشت ایشان بوده بهر طرف که بخواهد آن را میچرخاند

با ایشان نرفته و در نجف منحصر اً درس مرحوم آقا شیخ راضی نجفی میرفتند منقولست که مرحوم آقای
آیة الله آخوند خراسانی و مرحوم سید قدس سرهما با هم بدرس مرحوم شیخ راضی نجفی میرفتند
و هر وقت یکی از این دو نفر باستاد اشکال میکردند با کمال توجه گوش داده جواب میدادند
اما سائر شاگردان ایشان که اکثرا از طلبه های عرب بودند اشکال که میکردند
ایشان توجه نمیکردند تا اینکه روزی یکی از طلبه های عرب بایشان اعتراض کرد که چه
شده هر وقت یکی از این دو نفر که طلبه عجم هستند اشکال میکنند بعد از توجه کامل
بان جواب میدهید و لکن یکی از ما که همه عرب و مانند شما هستیم اشکال میکند به اشکال او نزرات
او توجهی نمیکنید ایشان در جواب ان طلبه عرب بزبان عربی فرمودند ما تقول
هذان مجتهدان قاما وان فعدا و اشاره بمرحوم سید و مرحوم آخوند کردند بهر حال
بعد از ورود بنجف اشرف مرحوم سید در مدرسه صدر که در بازار بزرگ نجف اشرف قرار دارد
حجره گرفتند و پیوسته بحالت تجرد و بی زنی میگذراندند تا اینکه شخصی از تجار صالح و
محترم یزد بنام آقای حاج ملا حسن یزدی که مرحوم شیخ عباس قمی قدس سره در مفاتیح
الجنان درباب فوائد زیارت عاشورا نام ایشان را با ذکر حکایتی از ایشان
بنقل استاد خود مرحوم محدث نوری قدس سره در دار السلام آورده است وارد نجف
اشرف شده و بنای مجاورت را میگذارد و دختر خود را هم با خود شان آورده بود تا اینکه
روزی در مدرسه صدر می آید و بیکی از طلبه ها میگوید طلبه ایکه سید و فاضل و یزدی باشد
سراغ داری الشخص می گوید بله در همین مدرسه هم حجره دارد نام او را می پرسد او می گوید نامش
سید

سید محمد کاظم یزدی است و حجره ایشان را نشان میدهد مرحوم حاج ملا حسن بحجره ایشان
رفته بعد از سلام و احوال پرسی با ایشان میگوید آقا سید اگر بخواهم دخترم را برای
شما عقد کنم قبول میکنید یا نه مرحوم سید که از ظاهر وضع مرحوم حاج ملا حسن فهمیده
بودند که ایشان باید یکی از تجار بزرگ باشد فرمودند خیر. حاج ملا حسن علت
نپذیرفتن را از ایشان جویا شدند ایشان فرمودند زیرا که دختر شما بلحاظ اینکه دختر
یک تاجر است با یک زندگی راحت و مرفهی انس گرفته و نشو و نما نموده و من یک طلبه
فقیری بیش نیستم میترسم در خانه من با وفشار آمده اسباب ناراحتی او را فراهم کند و
من راضی بفشار و ناراحتی کسی نیستم مرحوم حاج ملا حسن از جواب ایشان خوشش
آمده و در دل بفکر و اندیشه بلند ایشان تحسینها کرد و با ایشان عرض میکند اگر چنانچه
بنده تا زمانیکه در قید حیات هستم زندگی و معاش شما را بعهده بگیرم قبول میکنید ایشان
راضی میشوند و حاج ملا حسن دختر خود را بعقد ایشان درمی آورد و بعد از زمانی قلیل مقدار
معتدبه پول از تجار ایرانی که مجاور نجف اشرف بودند تهیه میکند و خانه برای ایشان میخرد و فعلا
آن خانه موجود و در کوچه پشت مسجد شیخ انصاری معروف بمسجد ترکها واقع شده و بسیار
خانه موجه و وسیعی است که مشتمل بر یک عدد خانه بیرونی و یک عدد خانه اندرونی میباشد
و فعلا متاسفانه هر دوی آن خانه ها در ملک دیگران است و چون حاج ملا حسن مخارج را بعهده
میگیرد ایشان از این فرصت استفاده نموده تمام اوقات را به تدریس و مطالعه
و نوشتن میگذرانند. معروف است که ایشان بعد از رفتن مرحوم میرزای شیرازی

بسامرا

بسیار ماه شروع بتدریس درس خارج فقه و اصول میکنند و روز بروز مقام علمی و فقاهتی ایشان
در حوزه علمیه نجف اشرف معلومتر میشد تا اینکه میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲
وفات میکنند ایشان در آن ایام در مسجد سهله مشغول بحاشیه مکاسب شیخ انصاری
بوده در مجالس ختم استاد حاضر نمیشوند معروفست که عده از همدرسیشان شدت شوق
ایشان را بتحصیل تا این اندازه که در ختم استاد حاضر نشده می فهمند از ایشان
تقلید کرده و بعد از میرزای شیرازی با ایشان رجوع میکنند و از اینجا مرجعیت ایشان
شروع میشود و ایشان در سن پنجاه و شش ۵۶ سالگی بودند تا اینکه در سال ۱۳۲۳
یعنی بعد از یازده ساله از فوت میرزای شیرازی بزرگ مرحوم آیة الله آقای آقا شیخ محمد طه
که از فقهاء و مراجع بزرگ عرب بعد از میرزای شیرازی بسیار موثق و آیتی در تقوا و زهد
بود وفات کردند و اکثر بلاد عراق که مقلدان عالم بزرگوار بودند در امر تقلید مرحوم
سید رجوع کرده مقلد ایشان شدند البته بلاد ایران بین ایشان و مرحوم
آیة الله آخوند خراسانی تقسیم شده بود که بعد از فوت آقای آخوند در سنه ۱۳۲۷
بلادی را که از ایشان تقلید میکردند بمرحوم سید رجوع کرده مقلد ایشان شدند
و میشود گفت اکثر بلاد ایران هم از ایشان تقلید میکردند و معروفست که چند شهر از
شهرهای ایران در انحصار ایشان بوده مانند قم و دزفول و شوشتر و حقیر کثیر از سالخوردگان
بلده مقدسه قم را درک کردم که اظهار میکردند تا بحال هم بتقلید سید هستند
و حقیر در بیست و پنج سال پیش یا کمتر از آن باتفاق مرحوم والد و تمام خانواده از عراق
عازم

عازم سوریا بقصد زیارت حضرت زینب سلام الله علیها شدم در دمشق منزلی اجاره کردم و در نزدیکی
آن منزل مسجدی که محلی بود که شیعه های دمشق در آن مسجد نماز جماعت میخوانند این
مسجد دو امام جماعت داشت یکی مرحوم آقا سید علی مکی که جوانها با ایشان اقتدا میکردند
و دیگری آقای شیخ علی جمال که پیرمردها و سالخوردگان با ایشان اقتدا میکردند و از لطف
اتفاق اینکه سالخوردگان اول وقت مسجد میآمدند و اطراف مسجد می‌نشستند تا
اینکه نماز جماعت آقا سید علی مکی تمام شود و شیخ علی جمال اقتدا کنند به هر حال حقیر
وارد مسجد شدم بعد از فراغت از نماز با سید علی مکی آقا شیخ علی جمال نزدیک حقیر آمده سوالاتی
کرد از جمله سوال کرد شما از چه خانواده ای هستید من عرض کردم از خانواده آقا سید
محمد کاظم یزدی ایشان گفتند عجیب و اشاره بسالخوردگانی که در مسجد حاضر
بودند کرد و گفت تمام اینها تا بحال مقلد آقا سید محمد کاظم یزدی جد شما هستند و
بتقلید ایشان باقی مانده اند بهر حال با فوت یک یک معاصرین ایشان دائره مرجعیت
ایشان وسیعتر و وسیعتر میشد تا اینکه اکثر بلاد شیعه نشین بتقلید ایشان رجوع
کردند و زعامت عظمی و ریاست کبرای شیعه با ایشان محول شد چنانچه معاصر و شریک
درس ایشان آیة الله آقا سید حسن صدر در تکمله امل الآمل مینویسد قال بالقطع
له مصنفات مطبوعة منها تعلیقاته علی المکاسب واحسن مؤلفاته العروة الوثقی [ع]
فی الفروع عملها لعمل المقلدین وهی من احسن کتب الفروع والمتون الفقهیه
تلمذ فی الاصفهان علی الشیخ محمد باقر بن الشیخ محمد تقی حتی صدقه واجازه ثم هاجر
الی

ع بنقل از فوائد الرضویه مرحوم محدث قمی ص ۶۹۲

الى النجف وتلمذ على الشيخ راضي بن الشيخ محمد الجعفري وعلى سيد الاساتذة حجة الاسلام
الشيرازي فاستقل بعد السيد بالتدريس فلم ار مثله في بذل الجهد وكثرة الكد و
الجد والاشتغال حتى ملك من العلم زمامه وكشف عن الفقه لثامه ولم يضيع
الله سبحانه له تعبه وجهاده في الدين فاعطاه الرياسة الكبرى والجلالة العظمى الخ

وقال اية الله الشيخ محمد تقي الآملي في اخر الجزء الاول من كتابه المعروف
مصباح الهدى في شرح العروة الوثقى ما لفظه (فقيه اهل البيت وكاشف الرموز
والمعضلات ومبين الحقائق والمشكلات اية الله على الاطلاق الحبر المعتمد والسيد
السند السيد محمد كاظم اليزدي قدس سره وطيب رمسه مؤلف متن هذا الشرح -
(العروة الوثقى) التي لا انفصام لها ومن تمسك بها نجى ابن السيد عبد
العظيم الطباطبائي اليزدي فقيه متبحر جامع محقق محيط بالفقه وفروعه احاطة
بكثرة لا ابد وسعة تحقيقه وتدقيقه ما ابرزه في تعليقته على متاجر استاد
الاساتيد الشيخ الاكبر الانصاري قدس سره ولد في قرية من قرا يزد ونشأ
فيها منشأ راقيا ثم هاجر الى اصفهان وتلمذ عند علماء عصره كالشيخ محمد
باقر الاصفهاني الخاتون ابادي وغيره قدس الله اسرارهم ثم هاجر الى النجف الاشرف
فتلمذ افذ الاعلام من علماء العراق حتى انتهت اليه الرياسة العامة
وصار مرجعا للشيعة كافة الى ان يتوفى وله مؤلفات شائعة اشهر
ها هذا المؤلف الشريف (العروة الوثقى) الذي لم يسبقه سابق بمثله ولم

يلحقه لاحق حتى الآن ولا يعلم ما الله سبحانه صانع بعده و تعليقته المنيفه على المكاسب)

وقال المحدث الشهير الشيخ عباس القمي قدس سره في الفوائد الرضويه ص ۸۹۶ - ص ۸۹۷

ما لفظه «سيد علماء الامه وشيخ طائفتها حامل لواء الشيعه ومحلفها وقطب

رحى الشريعه ومؤئلها فقيه بيت العصمه وكاظمهم والناهض باعباء الائمه

وناصحهم فقيه عصرنا وبركة دهرنا قد ملأت فتاواه الاسماع ووقع على

تقدمه وفضله الاجماع صاحب المصنفات المعروفه والتعليقات المشهوره من

اكبر جهابذه الاسلام ومن يرجع الى قوله في الحل والابرام والحلال والحرام

قبلة الانام وسيد الفقهاء العظام حجة الاسلام وآية الله الملك العلام ادام

الله بركات بره وجوده وازهر الزمان بشريف وجوده

وبالجمله مرحوم سيد قدس سره پيوسته اوقات خود را در زمان مرجعيت بين تدريس

فقه و مطالعه و نوشتن و حضور در مجلس استفتا و جواب از فتواهائيكه از اطراف بلاد

از طرف مقلدين خودشان مى امد و عيادت و تهجد و مناجات با قاضى الحاجات و رفع منازعات

و اختلافات و امامت جماعت در صحن مولا امير المومنين عليه السلام و كارهاى ديگر مانند

اينها ميگذرانيدند و انى از كوشش و جديت در امر ترويج دين مبين و تربيت محصلان

و محصلين فارغ نمى شدند و هميشه گذشته حال خود را در نظر مى اورد تا خداى

نكرده در اثر اقبال مردم بايشان و اظهار ارادت و اخذ و دست بوسى و

چاكرى غرور و نخوتى در ايشان بوجود نيايد چنانچه جريان ذيل شاهد اين مدعا

است

است که حضرت آیة الله آقای آقا نجفی مرعشی دام ظله که از مراجع بنام ایران میباشند چندی پیش باتفاق دو نفر از بستگان و فامیل در منزل ایشان (اندرونی) خدمتشان شرفیاب شدم ایشان فرمودند زمانیکه در نجف اشرف بودیم و ابتدای شروع بتحصیل بود بدائی خودم که از اطرافیان مرحوم سید قدس سره بود و در منزل ایشان رفت و آمد داشتند گفتم من این سید را در بیرون از منزل دیده ام ولکن دوست دارم ایشان را در داخل منزل هم ببینم اگر این مرتبه حرمت ایشان لطفاً مرا هم با خودتان ببرید دائی محترم ایشان این مطلب را می پذیرد روزیکه میخواست بمنزل مرحوم سید قدس سره برود ایشان را با خودش برد ایشان فرمودند دائیم مرا به سید قدس سره معرفی کردند مرحوم سید از من سؤال کردند چه میخوانی گفتم مطول فرمودند کجای مطول هستی عرض کردم باب مسند و مسند الیه فرمودند کجای مسند و مسند الیه عرض کردم در بدل اشتمال هستم فرمودند بدل اشتمال را برایم معنی کن من مثال معروفی که برای بدل اشتمال میزنند عرض کردم فرمودند اینکه مثال بدل اشتمال است معنای آن چیست نتوانستم جواب بدهم لب ایشان رو بدائیم کرده فرمودند از امروز یک کتاب جامع المقدمات یا سیوطی اگر تردید از حقیر است برای ایشان بخرید و از ابتدا شروع بدرس کند سپس آیة الله مرعشی فرمودند اگر نبود این جریان از مرحوم سید و من هم تکفیر جلو میرفتم الان در این مقام که فعلا دارا هستم نبودم و مقام علمی من

مرهون

وچون این دستور از جانب مرحوم سید قدس سره میباشد بعد فرمودند چشم من بطاق

اتاق سید افتاد دیدم دیکی کوچک وسیاه وکج وکول دران آویزان کرده اند

از دائم پرسیدم از آقا بپرسید این دیک چیست واینجا چکار میکند دائیم لبخندی

زدند واین مطلب را از زبان من از مرحوم سید استفسار کردند ایشان فرمودند

این دیک همان دیکی است که من در ایام طلبگی وتجرد با ان ابگوشت وغیره می

پختم واین دیک در نزد من بود تا اینکه بمقام مرجعیت رسیدم ان را در اطاق خودم

اویزان کردم که هر وقت چشمم بان بیفتد حالت گذشته خودم را بخاطر بیاورم و

مغرور بمقام ریاست ومرجعیت مسلمین که بهر حال از بین رفتنی است نشوم بهر

حال ایشان در ایام مرجعیتشان تابستان را در کوفه در منزل کوچک که در اختیارش

گذاشته بودند بسر می بردند وکسی جز عیال ودو ایشان با او نمیرفت وکار تدارکات

خرید روزانه را خود ایشان بعهده میگرفتند. معروف است ایشان در

فن اشنا مهارت زیادی داشتند روزی بعد از ظهر تابستان در عراق

مردی از اهل کوفه در لب اب فرات قدم میزد اب هم بالا زده طغیان کرده

بود این مرد میگوید از دور در وسط اب سر کسی را دیدم گفتم هر که باشد اشنا گر

ماهری است با او مسابقه میگیرم لباسهایم را کندم خودم را در اب انداختم و

با اشنا بان مرد رسانیدم دیدم آقا سید محمد کاظم یزدی است خیلی خجالت

زده شدم واز شرم میخواستم غرق شوم ولی بهر حال بر تصمیم خودم باقی بودم

با ایشان

با ایشان عرض کردم بدارایش قصه خودم را دراب افکندم ایشان فرمودند اشکال ندارد امایک شرط دارم اگر موافقت کنی با تو مسابقه میگیرم عرض کردم چه شرطی فرمودند مسابقه برخلاف جریان اب شروع کنیم، از روی تحوت عربی که داشتم گفتم حاضرم و ما شروع بمسابقه کردیم مرحوم سید قدس سره چند پازده از من جلو افتادند هر چه سعی کردم خودم را با ایشان برسانم نتوانستم و مسابقه را ایشان بردند بهرحال این داستان داستان قبل مقام تواضع و فروتنی یک مرجع معروف و مشهور را میرساند،

یکی از تجار معروف اهواز بنام حاج عبدالرحیم لاری که از مقلدین ایشان بود در جنب فرات زمین بزرگی داشت از ایشان تقاضا کرد که نماز مغرب و عشا را بمسجد کوفه که فاصله زیادی با منزل ایشان داشت نروند و در همان زمین که برش اجتماع نموده اقامه جماعت نمایند ایشان پذیرفتند و اکثر اوقات قبل از نماز تشریف میاوردند و برلب نهر فرات می نشستند و چپق میکشیدند و طلبه ها حلقه وار دور ایشان میگرفتند و با بعضی از انها بحث هم میکردند بدون اینکه توجهی بمقام ریاست و مرجعیت خودشان داشته باشند،

جناب حجة الاسلام والمسلمین اقای آقا سید مرتضی فیروزابادی دام ظله که از علمای معروف فعلی است و در قم سکونت دارند بحقیر نقل کردند از جناب مرحوم ایة الله اقا میر سید علی یثربی کاشانی که از شاگردان طبقه اول مرحوم ایة الله آقای آقا شیخ ضیاء الدین عراقی نجفی بودند که آقا سید علی فرمودند هزار تومان توسط ایة الله عراقی برای مرحوم

سید

سیدقدس سره از ایران بعراق فرستاده شد که آیة الله عراقی وجه را بسید رسانیده قبض آنرا بایران ارسال دارد ایشان فرمودند که آقا ضیاء بمن گفتند آقا سید علی تو میدانی که من باین پول احتیاج دارم اگر میتوانی قبض آنرا از سید برایم بگیری بدون اینکه من وجه را بایشان بدهم مرحوم آقا میر سید علی فرمودند من قبول کردم اما مشروط باینکه خود آقا ضیاء هم با من بیاید. باتفاق بکوفه رفتیم وقتی رسیدیم که مرحوم سید بر لب نهر نشسته چپق میکشیدند پلیش رفتیم وسلام کردیم و نشستیم وبعد از احوال پرسی مختصر عرض کردم سیدنا شما پدر ما طلبه ها هستید تا این را گفتم بالحن بدی فرمودند چی میخواهی اصل مطلب را بگو عرض کردم هزار تومان سهم امام علیه السلام برای شما توسط جناب آقا آقا ضیاء عراقی آمده ایشان احتیاج باین مبلغ دارند اگر میشود لطفی فرموده قبض مرقوم دارید وایشان ارسال دارد. آقا میر سید علی میگوید مرحوم سید بلافاصله فرمودند ماهی را هر وقت از آب دربیاری تازه است وقلم وکاغذ بدست گرفته قبض را مرقوم فرمودند وبدست آقا ضیاء عراقی دادند سپس با آقا ضیاء فرمودند چه تدریس میکنید آقا ضیاء فرمودند اصول، مرحوم سید فرمودند کجا را اصول آقا ضیاء فرمودند حجیت اجماع، مرحوم سید فرمودند چه کار کردید، آقا ضیاء فرمودند از ادله نتوانستیم حجیت اجماع را ثابت کنیم. مرحوم سید با آقا ضیاء فرمودند تسبیح دارید آقا ضیاء عرض کرد بله و تسبیح را از جیب خودشان بیرون.

بیرون آوردند فرمودند بشمارید، آقا میرسید علی میگویند مرحوم سید فی البداهه بیست و پنج فتوی که دلیلی جز اجماع نداشت که خود جناب آقا ضیاء عراقی اگر میخواستند فتوی بدهند باید باجماع متمسک شوند شمردند و بعد فرمودند آقا ضیاء اگر اجماع حجت نباشد با این فتاوا چکار میکنید، آقا ضیاء جوابی نداشتند و ساکت ماندند، لکن آقا ضیاء دیدند که جریان بنفع سید و بضرر او تمام شد لذا فوراً مسئله ای از یکی از ابواب فقه که ادله آنرا مستحضر بودند و استبعاد میکردند که سید مستحضر باشد از سید سؤال کردند، سید شروع کردند بجواب دادن و اول اقوال را یکی یکی نقل کردند بعد ادله اقوال اجمالاً بیان فرمودند و مناقشات و آن قلت قلتهائیکه وارد بود در اطراف آن ادله بیان کردند سپس نظر خودشان را باذکر دلیل بیان فرمودند و در تمام این مدت آقا ضیاء همچنان ساکت و مبهوت بایشان گوش فرا میدادند بدون اینکه یک کلمه هم بایشان صحبت کنند، مرحوم آقا میرسید علی باقای فیروزآبادی فرمودند وقتیکه از محضر ایشان بلند شدیم و رفتیم در میان راه آقا ضیاء از کثرت استحضار ایشان تعجب میکرد و مکرر میگفت مطالب را سید در اطراف این مسئله بیان کردند که اصلاً در ذهن من خطور نکرده بود

از کارهای چشم گیری که ایشان برای خصوص اهالی نجف اشرف که ارادت خاصی بایشان داشتند اینست که در زمان محاصره نجف اشرف از طرف انگلیسیها یکی از

نجفیها که در شجاعت و شرارت معروف بود نقبی زیر زمینی از داخل شهر نجف به بیرون کنده
و خود شان را بسربازان انگلیسی میرسانند و یکی از سرلشکرها را میکشند و برمیگردد و
بر اثر این عمل انگلیسها تصمیم میگیرند که نجف اشرف با نتقام خون ان سرلشکر
بمب باران کنند و تمام اهالی را ازبین ببرند و چون میدانستند که اگر این کار با
وجود مرحوم سید در نجف اشرف بکنند ایشان هم ازبین خواهد رفت و سر
وصدای ان انها مفتضح خواهد کرد لذا مخفیانه بخدمت سید امدند و با ایشان
عرض کردند ما اینطور تصمیم گرفتیم و از شما خواهش داریم از نجف بیرون روید
مرحوم سید فرمودند اشکال ندارد . اما من تنها بروم یا باتفاق اهل و عیال
گفتند باتفاق اهل و عیال فرمودند تمام اهل نجف اهل و عیال من هستند
من با تمام اهالی نجف بیرون خواهم رفت و شما هر کار میخواهید بکنید بکنید، از
جواب غافلگیرانه ایشان عاجز شده از تصمیم شوم خود صرف نظر منصرف شدند
و هم چنان مرحوم سید هر سال یکبار تقسیم عمومی برای تمام اهل نجف داشتند
چه اهل علم و چه غیر اهل علم از فقرا و محتاجان و از برای هر سر از افراد خانواده
ها که تقسیمی بانها داده میشد یک سهم معین فرموده بودند چه بزرگ و چه کوچک
حتی بچه شیر خوار و بالجمله اگر بخواهیم در رابطه با مقام زهد و احتیاط شدید
ایشان نسبت بسهم مبارک امام علیه السلام در زندگی خودشان و فرزندانشان
بنویسیم قلم بدرازا کشیده میشود و موجب ملال خواهد شد این بود شمه ای از
حالات

حالات مرحوم سید در زمان مرجعیت تا اینکه در اواخر ایام [illegible]شان مبتلا بمرض
استسقا شده و در بستر بیماری خوابیدند و خیلی هم کسل و بیحال شده بودند
چون چهار فرزند ایشان در زمان حیاتشان یکی پس از دیگری فوت کردند
و چون راضی نبودند دیگران در امر اداره مرجعیت با ایشان کمک کنند خیلی
عرصه بر ایشان تنگ شده بود و وجوهات شرعیه همچنان مرتب با ایشان
از اطراف و اکناف مانند سیلی عظیم سرازیر شده بود و نتوانستند تمام
انها را باهلش برسانند لذا چهار وصی از خواص شاگردان و موثقین نزد خودشان
بنام آقا شیخ احمد کاشف الغطاء و آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء معروف
و آقا میرزا محمود تبریزی و آقا شیخ علی مازندرانی تعیین کردند که تمامی موجودی از
وجوهات شرعیه از قبیل سهم امام علیه السلام و سهم سادات و کفارات و مظالم
که هر کدام جداگانه در دفتر ضبط شده بودند بمرجع بعدی تحویل داده شود و
چون خواستند وصیت کنند تمام رؤسا و بزرگان نجف را دعوت کردند
باتفاق این چهار وصی و اولاد و احفاد خودشان و در محضر تمامی انها وصیت
را با خطبه شروع کردند و بتمام رسانیدند عموزاده مسبوق الذکر آقای آقا کمال نقل میکند
که من در آن محضر حاضر بودم که نوه بزرگ ایشان بنام آقای حاج آقا صاحب
بزم ایران برخواستند و عرض کردند سیدنا شما احفادی از ذکور و اناث دارید
که پدرهایشان در زمان خودتان وفات کردند و بعد از شما طبیعة بی سرپرست خواهند
ماند

مانند چیزی برای اینها احفاد هم تعیین کنید که بعد از شما محتاج بدیگران نشوند و با کمال فراغت بال بدرس و بحث خود ادامه دهند، مرحوم سید با ضعف شدیدی که داشتند در جواب نواده خودشان حاج آقا رضا فرمودند احفاد من بعد از فوت من از دو حال خارج نیستند یا متدین باقی میمانند و یا از طریق تدین خارج میشوند اگر متدین باقی بمانند خداوند کفیل و رزاق انها است و انها را در شدت و عسر نمیگذارد و اگر از طریق تدین خارج شوند چگونه من از مالیکه مال من نیست کمک بانها کرده باشم و روی همین دو اصل چیزی برای احفاد و نواده های خودشان تعیین نکردند و انها را بخداوند بزرگ سپردند و لذا اکثر نواده های ایشان بعد از فوتشان از سلک طلبگی خارج شده و بناچار بشغلهای دیگری اشتغال یافتند و بالجمله مرحوم سید در ساعت شش لیله بیست

۲۸ ۱۳۳۷

وهشتم ماه رجب سال هزار و سیصد و سی وهفت هجری قمری در خانه عیال دومشان بدرود حیات گفته و دار فانی را وداع فرمودند چنانچه ایة الله سید حسن صدر در تکملة امل الامل ذکر کرده چنین مینویسید،

۱۳۳۷

توفی لیلة الثلاثاء الساعة السادسة منها ثامن وعشرین شهر رجب سنة واقیمت له المآتم والفواتح فی سائر البلاد واحزن فقده الاسلام والمسلمین حتی اهل السنة ببغداد

وفرزند دوم ایشان ایة الله آقای آقا سید علی بر جنازه ایشان نماز خواندند و در مقبره ای که

که فعلا با ایشان منسوب است بخاک سپردند،
مرحوم آقا شیخ عباس قمی ره در فوائد الرضویه چنین مینویسد «مؤلف گوید که
در شب چهارشنبه ششم شعبان سنه ۱۳۳۷ خبر وفات این سید جلیل
که حامل لواء اسلام و فقیه اهل البیت علیهم السلام بود در خراسان رسید
و امروز که چهارشنبه مذکور است در مسجد گوهرشاد مجلس بزرگی برای تعزیه ان
بزرگوار اقامه شده و علماء ارض اقدس جمع گشته و کسبه و تجار بازاریان دکاکین
را بسته و مشغول سوگواری میباشند و مصیبت ان جناب سخت در مردم
اثر کرده» قدس الله تعالی روحه
این بود خلاصه از شرح احوال مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی از بدو تا منتهی
بحسب مسموعات حقیر و معلومات خانوادگی و اگر چنانچه راجع بجهات دیگر
ایشان خواسته باشید مخصوصا شاگردان و مؤلفات و قضایای جنگ و
حالات اولاد ایشان تمام انها از آقای آقا عزیز الله طباطبائی میتوانید
استفسار نمائید والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
حرره حفید السید محمد رضا الطباطبائی الیزدی بن السید حسین بن السید
محمود بن السید محمد کاظم الیزدی

